

انقلاب صنعتی ایران از پیشانی
صورتی نوین و پدید آمدن استعدادهای جوان و پویای
کشور و نقش مهمی که در این زمینه داشته است
و در نهایت ایران را به یک کشور مدرن و پیشرفته
تبدیل کرده است.

نورانی انقلاب در جمهوری اسلامی ایران

در این کتاب به بررسی و تحلیل
تاریخچه و اهمیت این انقلاب
و نقشه راه آن پرداخته شده است
و به بررسی دستاوردهای این انقلاب
و چالش‌های پیش رو نیز پرداخته شده است
این کتاب برای دانشجویان و علاقه‌مندان
به تاریخ و فرهنگ ایران بسیار مفید است.



صورت‌نماگران شورایی انقلاب



ارده بیشت ۱۳۵۸

جلسه یکشنبه 1358/2/2

[حاضران: باهنر، موسوی [اردبیلی]، هاشمی [رفسنجانی]، مسعودی، سحابی، بهشتی، شیبانی]

شیبانی: در مورد بنیاد [مستضعفان]، دولت نوشته است [که] چون اموال شاه از پول دولت خریده شده، متعلق به دولت است.

بهشتی: راجع به [اموال] غیرمنقول، طبق اسناد بعداً عمل می‌شود. اموال منقول مستقل از دولت است.

موسوی: اموال طوفانیان^۱ را کمیته برده است، کمیته مسجد فرشته وارد مسئله هستند.

هاشمی: به حساب شماره 100^۲ می‌خواهند املاکی را منتقل کنند. قانونی بگذرانیم که از مالیات معاف باشد.

بهشتی: تصویب اینکه کلیه نقل و انتقالاتی که یک طرف آن بنیاد تامین مسکن انقلاب اسلامی یا بنیاد مستضعفان است، از کلیه مالیات‌ها و عوارض معاف است (صدر، وزیر کشور آمد).

صدر: وضع نقده شلوغ است. پانزده هزار گرد آماده با تمام تجهیزات هستند. اگر اقدام نشود، [شهر] سقوط می‌کند^۳ (بنی صدر آمد).

1. ارتشبد حسن طوفانیان (1292-1377) آجودان مخصوص شاه و مسئول خریدهای نظامی ایران.
2. این حساب توسط امام خمینی برای کمک به خانه‌سازی مستضعفان افتتاح گردید.
3. بر اساس گزارش‌ها، درگیری‌های مسلحانه و خونین در نقده از میتینگ حزب دموکرات در منطقه آغاز شد (کیهان، 1358/2/1، ص 7). یک روز بعد، دولت و ارتش درباره تحولات خونین نقده اخطار کردند و به منظور شناسایی منطقه، هواپیماهای ارتش به نقده اعزام شدند (کیهان، 1358/2/2). حزب دموکرات کردستان اعلام کرد عوامل رژیم سابق، مسئول پیشامد اخیر در نقده هستند (اطلاعات، 1358/2/2، ص 2). با این حال، به دنبال تداوم درگیری، کردها و آذری‌های مقیم تهران از آیت‌الله طالقانی خواستند تا با عزیمت به نقده و استفاده از نفوذ سیاسی خود به پایان بخشیدن به بحران نقده کمک کند (کیهان، 1358/2/3، ص 2). پس از پنج روز آشوب و درگیری، پیام طالقانی موجب گردید تا اندکی از درگیری‌ها کاسته شود. در این پیام، طالقانی از مردم نقده خواست تا تشکیل شوراها، سرنوشت خویش را در اختیار گیرند (کیهان، 1358/2/4، ص 7). تحولات روزهای بعد نشان داد که بحران این منطقه بسیاری جدی است و با پیام طالقانی هم قابل حل نیست. برای بازگشت آرامش به منطقه، نیروهای ارتش و پاسدار در نقده مستقر شدند. همچنین با تصمیم شورای انقلاب، خروج مردم از نقده ممنوع شد (کیهان، 1358/2/8، ص 7). چند روز بعد دو هزار نفر در نقده دست به تحصن زدند. خواست متحصنین، تأمین کامل امنیت منطقه، اعم از شهر و روستا، و اعزام هیأتی از طرف دولت برای بررسی وضعیت منطقه بود (کیهان، 1358/2/18، ص 7). عبدالرحمان قاسلمو، دبیرکل حزب دموکرات کردستان با اظهار اینکه جمهوری اسلامی با خودمختاری تضادی ندارد، گفت: در دیدار با امام خمینی خواسته‌های خود را با ایشان مطرح کردیم که آن

موسوی: سعید چیت‌ساز از نخست‌وزیری (290881 / 298989) رفته‌اند اساس [اثاث] منزل طوفانیان را برده‌اند؛ مقداری [از] اثاث منزل اویسی^۱ هم آنجا بوده (سه نفر قاضی دادگاه آمدند [:] محمدی^۲، آذری^۳، ورامینی).

صدر: در منطقه گنبد برای آرامش منطقه، قطعه قطعه کردن زمین عملی نیست. آنچه در منطقه گنبد است (دشت‌ناز و مازندران مربوط به ما نیست. قسمتی مربوط به خانواده پهلوی و فراری‌ها است. بصورت مجتمع عمل کند) (قطب‌زاده آمد).

بهشتی: باید برای گنبد کاری انجام شود. آقای حافظی از روحانیون رفته‌اند. لازم است یک گروه دو سه نفری تعیین شود که مورد تایید شما [صدر] و آقای هویدا باشد.

صدر: دکتر رسولی (علی رسولی)، مهندس ناهید.

بهشتی: ما در شرایطی هستیم که باید از سخن بی‌جا خودداری شود. از هر نوع انتصاب نابه‌جا باید جلوگیری شود. با تعاون و تفاهم عمل شود.

قطب‌زاده: به تمام کسانی که این انتقاد را می‌کنند می‌گویم انتصاب خوب را معین کنید.

صدر: استاندار فارس، ایلام، کرمانشاه، تبریز، رضائیه [ارومیه]. سپهری‌پور برای ایلام.

خواسته‌ها عبارت بودند از: موافقت با خودمختاری کردستان در چهارچوب کشور ایران، خودداری دولت از فرستادن ارتش به مناطق کردنشین و جلوگیری از فعالیت ژاندارمری و شهربانی به شکل سابق، اتخاذ تصمیم نسبت به اجرای برنامه‌های گُردی در رادیو تلویزیون، تشکیل نیروهای انتظامی مرکب از افراد بومی کردستان و تصمیم‌گیری برای تشکیل یک شورای مشترک اهالی تُرک و گُرد در نقده (کیهان، 1358/2/20، ص 6). حوادث نقده تنها یک پرده از درگیری‌های کردستان بود که در آینده‌ای نزدیک تشنج بیش‌تری یافت.

1. ارتشبد غلامعلی اویسی (1297-1362) فرمانده ژاندارمری کل کشور، فرمانده نیروی زمینی ارتش، و فرماندار نظامی تهران در دوره پهلوی.

2. محمد محمدی‌گیلانی (93-1307) حاکم شرع منصوب امام خمینی و رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی و عضو شورای نگهبان.

3. احمد آذری‌قمی (77-1303) از روحانیون انقلابی، دادستان دادگاه انقلاب تهران، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی، از مؤسسان روزنامه رسالت و از چهره‌های پرنفوذ جناح راست در دهه شصت شمسی.

[موضوع: وضعیت دادگاه‌ها و زندان‌ها:]

آذری: دادستان کل انقلاب، هادوی، برش ندارد. ضبط و حفظ ندارد. شاید آلت دست بشود. آنها که در زندان هستند، مخالفند، نراقی و نقیعی. به آقا گفتیم، گفتند فرد شایسته‌ای را معرفی کنید؛ جلال‌الدین فارسی را معرفی می‌کنند. هادوی بایگانی را قفل کرده. زواره‌ای مورد اعتماد ما هم نیست. درگیری پیدا شده. حرف آن است (مطهری، حسین خمینی^۱ آمد)، حدود صد نفر پاسداران آمدند، پنج نفر (دو نفر روحانی و سه نفر قاضی، بگردند تا فرد صالح پیدا شود).

بهشتی: دادستانی را هیات نمی‌تواند اداره کند.

شیبانی: فارسی صلاحیت قضایی ندارد؛ از نظر اخلاقی هم درست نیست.

بهشتی: هادوی رئیس دادگاه انتظامی است. کس دیگری عهده‌دار این سمت بشود. بحث پیدا کردن فرد واجد شرایط است. ایشان جنبه‌های ارزنده دارند. جنبه‌های منفی گفته می‌شود. مسئله دادستانی باید تمرین قضایی داشته باشد. یکی دادستان تهران، یکی هم دادستان کل. هادوی باشد، دادستان تهران تعیین شود. در قلمرو آنها دخالت نکند.

آذری: قاعدتاً دادستان کل مصلوب‌الاختیار نمی‌شود؛ عملاً دخالت می‌کند. شهرستان‌ها مسئله است، یک‌بار با ایشان صحبت شود، برای قم معین کند. بعد از یک ماه کاری نشده. فردی که باید اخراج شود، بشود. برای اصلاح از مبشری خواسته شود، همین فرد بازپرس یا دادیار قم معین شود؛ سوء نیت ندارد.

بهشتی: نشانه ضعف تدبیر است.

سحابی: قبل از هادوی، حکمی به اسم احمدیان صادر شده بود. همین آقایان که رفته‌اند فارسی را معین کرده‌اند، معتقدند اگر احمدیان بیاید، می‌تواند نقاط ضعف هادوی را رفع کند. به مبشری گفتم احمدیان باشد دادستان، هادوی [هم] دادستان کل [باشد].

1. سیدحسین خمینی (متولد 1338) نوه امام خمینی و فرزند سیدمصطفی خمینی؛ وی در تنش میان بنی‌صدر با رهبران حزب جمهوری اسلامی، حامی رئیس‌جمهور بود و بعدها به دلیل مخالفت با جمهوری اسلامی (در زمان امام) محدود گردید.

بهشتی: جناب آذری [!] اگر شما به اتفاق محمدی و ورامینی می‌توانید درباره احمدیان تحقیق کنید، صلاحیت‌های او را معین کنید؛ سایر قسمت‌ها را ما تماس می‌گیریم [و] حل می‌کنیم، حسین اشراقی، بعضی دوستان دیگر. آذری: مثل این است که احمدیان ناراحت است و حاضر نیست بپذیرد.

بهشتی: با ایشان و با خود هادوی هم صحبت می‌شود. کمالات هادوی زیاد است. مسئله [به شکل] مطلوب تمام شود.

مطهری: [هادوی] آدم قاطعی است.

بهشتی: ایشان [هادوی] اُذُن است، اعتمادهایش سنجیده نیست.

آذری: [هادوی] هوش و حواس زیاد ندارد.

مطهری: به او [هادوی] گفتیم در روزنامه ادعانه‌ای که از دادستان بود، حق را به متهم می‌داد.

بنی صدر: هادوی هوش و حواسش کم است. مورد تردید نیست. قرار شد سه قاضی برای کمک به ایشان کنار گذاشته شود. مطلب دوم [:] از خارجه هر روز مسلمان‌ها تلفن می‌کنند [که] ما را از جنگ [چنگ] دادگاه‌های انقلاب نجات دهید. اطلاعاتشان از دست دستگاه‌های تبلیغی غربی‌هاست. رئیس جمهور ده دقیقه حرف زده. کسی حرفی ندارد اینها محکوم شوند، ولی [باید] نظم و ترتیب باشد. هویدا به این دلایل محکوم شد. شدید شایعه است. کسی که بوی امریکایی می‌دهد، سر و ته قضیه را هم می‌آورد. اینها را پای شما می‌نویسند.

آذری: به محاکمه مربوط است.

بهشتی: [مسئله انتخاب] دادستان حل شود.

قطب‌زاده: سید محمد خامنه‌ای!

بهشتی: احمدیان یا خامنه‌ای یا قضات دیگر؛ مشورت شود. حسین اشراقی نسبتاً منطقی است.

ورامینی: قضات خوب هست در [میان] آنهایی که مبشری آورد.

مطهری: مبشری می‌گفت مدارک را زواره‌ای نمی‌دهد به قضات.

آذری: [مسئله] مدارک، تقصیر دکتر یزدی است.

مهندس سبحانی: مدارک را خود زواره‌ای گفت اطلاعات دست من است. آنها را در پرونده نمی‌گذارد.

بهشتی: با این استدلال که به آنها اطمینان نیست.

آذری: افرادی هستند غیر زواره‌ای. شاه‌نوش از طرف یزدی گفت به کسی نمی‌دهم؛ باید از کانال یزدی باشد و او نمی‌دهد.

حسین آقا [خمینی]: فتوکپی می‌کنند می‌دهد.

آذری: در مورد دکتر جوان، آماری از روی دفترش پیدا شده [که] به درد پرونده می‌خورد. مهندس غروی یا خواهرش (رادیو تلویزیون) گفته است هست (خواهرش منشی یزدی است) زواره‌ای تلفن کرد [که] بدهید. او گفت اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. موضع دفن مقتولین چند ساله را آورد، بقیه‌اش را نداد.

قطب‌زاده: نکته‌ای در مورد زاهدی است؛ آن است که آئین‌نامه آورد، زاهدی آورد و قسم به قرآن خورد [که] این آئین‌نامه را خود آقا درست کردند و خودشان گفتند بروید بخوانید.

آذری: آئین‌نامه مورد تصویب آقا بوده، دروغ نبوده. آقا گفته‌اند علی‌رغم میل باطل خودم موافقم.

محمدی: صبح پیش آقا خواندند. آقا با مسئله وکالت مخالف بوده.

بهشتی: از نظر رابطه با آقا مهم است.

هاشمی: آقایان ناراحت بودند از نظر قدوسی^۱ و قسمتی که کار مدرسین را چرا خودشان کرده‌اند و داده‌اند بخوانند.

بهشتی: به نظر می‌رسد در جمع اگر آقای احمدیان مورد تایید همه آقایان باشد، اجرایش و تصویبش به عهده شورا.

ورامینی: تا جامه عمل بپوشد، بیست روز طول می‌کشد. چهل روز دنبال معاون قضایی بودیم، نشد.

1. علی قدوسی (60-1306) از روحانیون انقلابی، قاضی دادگاه انقلاب تهران، عضو شورای عالی قضایی و دادستان کل انقلاب.

آذری: اگر من تکیه کنم، بیست روز طول می کشد.

ورامینی: زاهدی حرف‌هایی در روی او هست [که به خاطر آن] نباید باشد. آقایان با یک دسته تماس دارند؛ مرا تهدید می‌کنند، می‌گویند بیرون زندان چرا معطل می‌شوی. توی بند و بیرون را نگه داشته‌ام. با آقایان قضات سروکار داشته‌ام. یک سری حکم مال پادگان جمشیدیه است، 15 نفر که 12 نفر خوب است.

بهشتی: جناب ورامینی [!] عیب را می‌دانیم. پنج نفر را معین کنید؛ بعد جابجا کردن آنها مشکل‌تر. جنابعالی با اطلاعاتی که دارید با اطلاعات آقایان آذری و محمدی، یک نفر را پیشنهاد کنید.

ورامینی: تا انجام شود دادگاه می‌ماند.

بهشتی: عیب آن بیش‌تر است.

آذری: افرادی را باید پیدا کرد. دادستان کل یک مسئله است.

بهشتی: یک نفر را برای دادستان کل بگویید.

آذری: من ممکن است شناسم.

ورامینی: باند موافق زواره‌ای، اگر هادوی در راس باشد، کارشکنی می‌کند.

مطهری: در محیط دادگاه، پاسداران که با پاسبانان هستند، نقش اجرایی باید داشته باشند. جوی که دادگاه را تحت تاثیر می‌گیرد، باید احساس پاسدار شود، بازپرس چه می‌خواهد، قاضی چه می‌خواهد. پاسدار می‌رود پیش خمینی [و تهدید می‌کند] که اگر اقدام نشود، خودمان می‌کشیم.

قطب‌زاده: اگر قرار شود تسلیم شویم، اگر این را ور داریم چه می‌شود [؟] ما مصلوب‌الاختیار هستیم.

بنی‌صدر: لازم است برداشته شود زواره‌ای.

قطب‌زاده: شورا تشکیل شود و به هادوی گفته شود [که] دخالت نکند. به محض اینکه دادستان خوب آمد، هادوی استعفا می‌دهد و دادستان جایش [می‌آید].

مهندس سبحانی: [در] بحث آقای هادوی، ایشان نمی‌تواند کار بکند، با وجود تقوایش. دادستان کل مهم است. [در] کاری که به او مربوط نیست، دخالت می‌کند.

آذری: چند تا فواحش را فرستاده زندان قصر.

ورامینی: جریان اختلاف داخل زندان کوچک نیست. اگر هادوی باشد، [تحت تاثیر] احساسات است، از کار درمی‌روند. اوین رفتیم، کار کردیم، دیدیم ظرفیت آن کم است. دو جا هم نیز نداریم. [در زندان] قصر، شدید دودستگی است. پاکسازی در بچه‌ها بشود. حکم از هادوی گرفتم که معاون پاسدار باشم، حرف نپذیرفتند.

بهشتی: حاج اصغر چطور است [؟]

ورامینی: مرد نیکی است. علی کریمی باید برود؛ این شخص در شهربانی بوده، تقوا ندارد.

بنی‌صدر: روز به روز اعتماد عمومی به رهبری متزلزل می‌شود. تنها [مسئله] دادستان و شورا نیست. [حتی اگر] قوی‌ترین آدم [هم باشد]، وقتی داخل زندان، نظام خودمختاری باشد و مستقل، درست نمی‌شود. امیر حسینی را راه ندادند. زیر سر ما است. شورا برود پاکسازی کند و عمل بکند.

بهشتی: قضیه این نیست. در هادوی بی شک نارسایی‌هایی هست.

بنی‌صدر: در داخل زندان مسئله قضایی نیست. زواره‌ای گوش نمی‌دهد. کسانی هم هستند که گوش به حرف زواره‌ای نمی‌دهند. محیط زندان را درست کنید.

بهشتی: مخالف منطق زور که نیستید [؟]

بنی‌صدر: باید با قاطعیت عمل کرد.

بهشتی: جوان‌هایی که در مقابل نارسایی هادوی حساسیت دارند. قاطعیت این نیست که هادوی را بپذیرند.

بنی‌صدر: کسانی که رفتند برای تغییر هادوی، اول با من صحبت کردند.

آذری: اگر هادوی برود، [باید] فرد صالح بیاید. با رفتن کریمی و عراقی، مسئله حل نمی‌شود. پاسدار، بایگانی، همه خودشان را سهم و صاحب نظر می‌دانند در مورد ملک‌زاده (برادر خلیل طهماسبی¹ آمد که نمی‌شود).

شیبانی: عده‌ای که خطرناک هستند، ببرید زندان اوین، بقیه بمانند.

1. خلیل طهماسبی (34-1302) عضو جمعیت فدائیان اسلام، عامل ترور حاجعلی رزم‌آرا که در سال 1334 به همراه نواب صفوی و جمعی دیگر اعدام شد.

موسوی: [این] بحث، وقت جلسه را گرفته. این حرفها چندین بار مطرح شده. هادوی ضعف‌هایی دارد، زواره‌ای در آنجا مشکل است. بچه‌ها مشکلاتی هستند.

مهدوی: خود ما مشکلی هستیم.

موسوی: راه‌حل بگوییم. بهترین [راه] نظر آذری است. همه بروند. عوض کردن عملی نیست. دو ماه طول می‌کشد. پیشنهاد آذری خوب است. هادوی و زواره‌ای برداشته شوند؛ دو نفر انتخاب شوند؛ اگر قبول کردند که هیچ؛ اگر نکردند فکری بشود.

ورامینی: تایید حرف ایشان. اوین را راه بیان‌دازیم، عده‌ای را بدهیم آنجا، بقیه را به دژبان.

بهشتی: چون می‌خواهیم مشکل داخلی دخالت پاسداران و عوامل زندان را در کار داسرا و دادگاه حل کنیم، راه‌حل عملی جابه‌جا شدن بوده و از پاسداران انقلاب یکدست انتخاب شود. مشکل در دو جا زندان که با رعایت این نکته عملی است. زندانیان حساس‌تر [به] اوین [و] عادی‌تر را [به] دژبان [انتقال دهند].

هاشمی: قرار بود چهارشنبه منتقل کنند. 1) آقای هادوی زودتر رفت زواره‌ای را عزل کرد [و با این کار] پاسداران را تحریک کرد. 2) مامور دیگری از دولت گفت قصد انتقال هست. اشکال دوم در اوین [این است که] امکانات غذایی نیست، انبارش چیزی ندارد. اینجا از سررشته‌داری شهربانی می‌گیرند. می‌شود این را هم حل کرد. قرار شد رسمی منتقل کنند. عده‌ای زندانی باید آزاد شوند که خودش تخفیف می‌دهد. دو سه نفر افرادی قوی [از] خودمان مامور شوند. در دادرسی با هادوی و زندان هر دو جا تعیین کنیم دادستان و معاون. روی هادوی تکیه نکنیم، آقای خمینی به او اعتماد دارد.

آذری: ایشان [امام] از من قبول کرد رفتن هادوی را.

هاشمی: احمدیان اگر بیاید، مشکلات دیگر پیش می‌آید.

آذری: زواره‌ای می‌گوید آقا به من گفته [که] باش.

بهشتی: دو سه نفر چیزی را تایید نکنند که ان قُلت داشته باشد. قاطعیت در اردوی خودمان باشد. روی هادوی بحث نیست.

هاشمی: پیشنهاد من این است [:] هادوی دو سه معاون داشته باشد و آقای زواره‌ای برداشته شود.

بهشتی: نظرتان به این پیشنهاد چیست [؟]

ورامینی: اختلاف سنگینی است. قضاتی که هادوی آورده، می‌گویند یک ماهه این کار را می‌کنیم. هادوی باشد، هر چیز را می‌شود از او گرفت.

محمدی: نسبت به هادوی منفی است.

قطب‌زاده: این طرح بلافاصله پیاده شود برای دادستان کل.

مسعودی: مقدم بر اصلاح آنها، [مسئله] تغییر محل زندانی‌هاست. یک عده در اوین، یک عده در جمشیدیه. زواره‌ای عوض شود، هادوی با سه نفر می‌تواند کار بکند. اخلال [از] زواره‌ای است.

شیبانی: زندانی‌های خطرناک را [به] اوین ببرند. با رحیمی نمی‌شود کنار آمد.

تصویب شد [که] هادوی باشد [و] زندان منتقل شود.

بهشتی: کسانی که [باید] برای آرامش ایجاد کردن در زندان بروند، معین شوند: قطب‌زاده، هاشمی، بنی‌صدر، سحابی.

هاشمی: من نمی‌توانم. شما (بهشتی) موافقم [که] بروید. مهندس سحابی خوب است. بنی‌صدر هم باشد. داخل زندان یک سخنرانی برای پاسداران [بشود].

سحابی: [اگر] دو روز باشد، می‌شود.

بنی‌صدر: موسوی جای من.

قطب‌زاده: قاطعیت این است که خودت [بنی‌صدر] بروی با سه نفر.

بهشتی، بنی‌صدر، سحابی، موافقت شد.

بهشتی: به شورا پیشنهاد دارم اگر در اثنای تحقیق معلوم شد فردی قاطع‌تر از هادوی است، در تغییر او اقدام شود.

قطب‌زاده: شورا به این سه نفر اختیار تام می‌دهد برای اصلاح زندان و دادگاه.

تصویب شد.

بهشتی: سوالاتی هست [که] پیش آمده. دادرسی‌ها نقص و عیب نداشته [؟]

آذری: نقص خیلی داشته که مربوط به شخص است. خیلی رای‌ها مستند به یک نفر بوده.

بهشتی: آقایان با این همه متهم قرار بود حتی تا ده شعبه تشکیل بدهند.

آذری: امکان ندارد. پنج نفر، با آقای خلخال‌ی شش نفر. جنتی رفت اهواز، گاهی اصفهان. صانعی^۱ آمد روز اول، گفت من حال ندارم.

محمدی: خودش هم حاضر نشد.

آذری: انواری هم هست. تعداد را می‌شود بالا برد. پرونده زیاد است. هادوی عده‌ای را نوشته بود [که] آزاد شوند. یکی را دیدم اول، بازجویی ندارد؛ اتهامش این است [که] رفته‌اند پدرش را بگیرند، اثاثیه را بردند، گاو صندوق را نتوانسته حمل کند، بعد که آمدند دیدند مهر و موم شکسته است.

بهشتی: نیروی قضایی را زیاد کنید. حجت‌الله صباغی [را] به‌عنوان معتمد محل نیاوند قبول دارید [؟]

تصویب شد از رفسنجان، احمد سراج، محمدعلی علمی.

بهشتی: احمد سراج به‌عنوان معتمد محل. نامه‌ای در مورد موسوی سناتور خوزستان است؛ به دادگاه انقلاب ارسال می‌شود (قضات، مسعودی و سبحانی رفتند).

[موضوع: وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:]

هاشمی: پادگان ضرابخانه اعتراض داشتند که انتخابات درست نیست. شش نفر مسئولین واحدها تعیین شدند. منتظری از مسئول آموزش [منتقل] شد [به] معاون امور مالی. مسئول آموزش، منصوری^۲ (که کلاهدوز خوب است). فرمانده سپاه ضرابخانه اصرار داشت فرمانده از ما باشد. منصوری که قبلاً تعیین شده، شریف (عباس زمانی) که فعلاً فرمانده عملیات است، دانش... اگر منصوری شد، شریف فرمانده عملیات باشد، دانش می‌رود

1. یوسف صانعی (متولد 1316) دادستان کل کشور و عضو شورای نگهبان.

2. جواد منصوری (متولد 1324) از فرماندهان اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

معلم می‌شود. اگر دانش شد، منصوری مسئول عملیات [و] شریف فرمانده عملیات [بشود]. اگر شریف شد، کلاهدوز فرمانده عملیات [باشد].

بهشتی: منصوری فرمانده، شریف سر جایش می‌ماند، [در مورد اینکه] آیا کلاهدوز بیاید یا نه بحث است.

هاشمی: منصوری رویش حرفی نیست. مطالعات خوب دارد، متعبد است.

منصوری [به‌عنوان] فرمانده تصویب شد.

قطب‌زاده: دانش را جای مهم بگذارید، ارزش دارد.

هاشمی: این شش ماه است.

زمانی - رفیق‌دوست (محسن) - بشارتی^۱ تحقیقات (به اتفاق نماینده شد).

الویری^۲ ارتباط اجتماعی، شریف عملیات، کلاهدوز آموزش. ضرابخانه سه نفر داد، سه واحد دیگر، هر کدام یک نفر، شش نفر تصویب شد. شورای هماهنگی [:] یک نفر از دولت، یک نفر از شورا، و یک نفر از سپاه.

بهشتی: فعلاً شما (هاشمی) [نماینده شورا در سپاه باشید].

هاشمی: من از شما پذیرفتم. من واقعاً نظامی نیستم.

قطب‌زاده: الان کار تمام نشده، باید باشید. یک یا دو نفر [را] شورا تعیین کند [تا] بروند به امور، آشنا بشوند، هاشمی یا قائم مقام ایشان.

هاشمی: من نظرم این است که مهدوی باشد.

بهشتی: فعلاً شما نماینده شورا باشید.

قطب‌زاده: یکی دو نفر از شورا ببرید.

مهدوی: از شورا نماینده باشد، نه عضو شورا.

1. علی محمد بشارتی‌جهرمی (متولد 1323) عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقاطع ابتدایی تأسیس آن.

2. مرتضی الویری (متولد 1327) از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.

بهشتی: روی دو برادر، هر جناح یک حساسیت دارد.

هاشمی: دولت روی تصویب نامه‌ها مقاومت می‌کند.

مهدوی: کمیته‌ها پول ندارند. چهل میلیون خواسته‌ایم، می‌خواهند بیست میلیون تومان بدهند.

هاشمی: بانک می‌خواهد سکه بزند. حد معمولی 500 تومان است، فقط 60 تومان روی آن بکشیم. برای بنیاد مسکن بکنند.

مهدوی: قانون حمایت خانواده.

بهشتی: تا قانون درست نوشته شود، تبلیغات دست فدائیان می‌افتد.



جلسه سه‌شنبه 1358/2/4

[حاضران: باهنر، هاشمی [رفسنجانی]، مسعودی، موسوی [اردبیلی]، مهندس بازرگان، خامنه‌ای، شبیانی.

[موضوع: مسئله مشروبات الکلی:]

مهندس بازرگان: اقلیت‌های وکیل مجلس مصونیت پیدا کنند؛ چون آنها نماینده واقعی هستند. در مورد مشروبات الکلی و کارخانجات ...

موسوی: در دین واقعی حرام است، در این [عین] حال نمی‌شود به آنها حد زد. آیا مشروب تهیه کنیم [؟]
(قطب‌زاده [آمد])

مهندس بازرگان: خارجی‌ها هستند. آیا مجاز هستیم اجازه ورود بدهیم از نظر شرعی [؟]

شبیانی: سفارتخانه‌ها را باید اجازه داد بطور محرمانه.

قطب‌زاده: لیبی به کلی ورود [مشروبات الکلی] را ممنوع کرده؛ خارجی‌ها یا نمی‌خورند یا از طریق سفارتخانه‌ها.

هاشمی: اقلیت‌ها هم دارند. یک کارخانه را اجازه داده‌اند. درست نیست. صدر^۱ بازرگانی یک مصاحبه داشت، آقا اعتراض کردند [و] تصحیح شد.

شبیانی: خارجی‌ها و اقلیت‌ها. برای هروئینی‌ها نمی‌شود کاری کرد...

موسوی: اول معتادان معین شوند، بعد وزارت بهداشتی اقدام کند. برای الکلی‌ها یک کارخانه درست کنند و با کوپن به آنها بدهند.

مهندس بازرگان: اگر خودمان ندهیم، قاچاق و رشوه زیاد می‌شود و می‌آید (دکتر مبشری آمد).

[موضوع: بلوچستان و طرح‌های عمرانی در استان‌ها:]

خامنه‌ای: مسئله بلوچستان را رسیدگی کنیم.

1. رضا صدر، وزیر بازرگانی دولت موقت.

مهندس بازرگان: قرار بود کسی را معرفی نمایم. وزارتخانه‌های مربوطه کارهایی که باید بکنند و در برنامه دارند، بدهند؛ شما هم کمک کنید. دکتر سامی صورتی داد؛ برنامه در استان سیستان و بلوچستان، هشت مرکز بهداشتی و شهری، شش واحد بهدار و 69 واحد بهداشتی و درمانی روستایی طرح خاص دارد، کارآموزی دختران با اعتبارات آن. آقایان شما کمک کنید در ادارات اینجا طرح‌ها را بگیرند.

خامنه‌ای: آنها که سابقه ندارند هم مورد نظر است.

مهندس بازرگان: منظور شما پولی خود شدن و کار ایجاد کردن است. سه یا شش مقاطعه کار پول گرفته و راه افتاده، تقسیم‌بندی شود [که] استان‌ها چه مصارفی دارند. بخشنامه نوشته شده [که] در هر استان، هفته‌ای یک روز، تمام مسئولین کمیسیون داشته باشند.

خامنه‌ای: طرح‌های دولتی در اختیار آنان باشد. [در] پروژه‌هایی که قرارداد بسته [شده] دخالت نمی‌شود. دوست [دوستان] کمک می‌کنند به اجرا. پروژه‌هایی هست که نبوده. یک نفر مسئول شود از طرف وزارتخانه‌ها معرفی شوند (مطهری، میناچی آمدند).

[موضوع: اوقاف و موقوفات عامه:]

مهندس بازرگان: لایحه‌ای است [که] دیشب تصویب شد.

میناچی: درآمد اوقاف و موقوفات عامه است، مگر آنچه تبدیل به احسن شده. اسناد اکثراً در دسترس نیست. تا حدی در پی آن هستیم [که] بگردیم و میکروفیلم بگیریم، ولی طول دارد. کاری بکنیم خود آنها بیایند. اجاره‌ها را اعلام کنیم. هر نوع اجاره فسخ است، به موجب قانون، و سه ماه مدت زمین‌های بزرگ را تجدید اجاره نمی‌کنیم، به زارعین محل می‌دهیم. املاک بزرگ شهری ارزیابی شود. قیمت اجاره مشخص شود. قانون تجدید اجاره املاک موقوفه.

هاشمی: شما بعداً رسیدگی می‌کنید. اجاره‌های صحیح را ابقاء می‌کنید.

میناچی: سعی شده که پول اوقاف هدر نرود. اقدام به اجاره عادلانه خواهد شد.

هاشمی: ارزش واقعی ملاک باشد، نه ارزش معاملاتی.

میناچی: ارزش واقعی پیدا کردن مشکل است و تعداد زیادی کارمند می‌خواهد. فعلاً در قانون نیست، آئین‌نامه بررسی می‌شود.

باهنز: مشکل اجرایی را باید در نظر گرفت.

هاشمی: قصد این است که عدالت رعایت شود.

موسوی: پیدا کردن کارشناس مشکل است.

هاشمی: اگر حق اوقاف ضایع نشود، حق آنها از بین می‌رود [و] شکایت می‌کنند.

میناچی: مبنای قیمت، بهای عادلانه روز است. ممکن است عادلانه یا ارزش معاملاتی بکنیم.

قطب‌زاده: دو چیز هست. اگر اعلام شود اینطور عادلانه داده شده، نظارت مردم معلوم می‌شود عادلانه بوده یا نه؛ سروصدای مردم موجب می‌شود اوقاف متوجه شود.

میناچی: می‌شود از طریق مزایده داد.

هاشمی: صریحاً اعلام شود.

قطب‌زاده: اعلام که شد، مردم خبر می‌دهند. [مسئله] دوم، تنبیه اینها [ست]. اگر سه ماه نیامدند، به کس دیگری داده می‌شود، اگر طرف نیامد.

میناچی: بعید است نیابند. چون منفعت دارد، داوطلبانه می‌آیند. سه ماه که منقضی شد، اعلان کلی می‌شود.

موسوی: از نظر حقوقی چیزی ندارد.

مطهری: اگر نیامد بعد از سه ماه و اجاره عادلانه بود چی [؟]

میناچی: ما معمولاً فسخ نمی‌کنیم.

هاشمی: آنهاست که موقوفه خاص دارد یا عام.

خامنه‌ای: مورد قرارداد عادلانه در مورد اوقاف وجود ندارد.

باهنز: اموالی که سرقتی گرفته، لابد پولی گرفته‌اند.

میناچی: به ما مربوط نیست، مربوط به امام رضا است. در جاهایی که سرقفلی جواز گرفته، ساخته، پاساژ درست کرده، حتماً نفع دارد.

قسمت اول لایحه تصویب شد.

میناچی: در مورد متولیان است، هیات رسیدگی به اوقاف ...

موسوی: مساجد را به اوقاف‌های دیگر وصل کردید، سبب نمی‌شود اوقاف دستش در مساجد باز باشد [؟]

میناچی: قانون است. خوشبختانه چون به مقررات واردم، لایحه اضافی نمی‌آورم. نوشته می‌تواند، [یعنی] مکلف نیست.

موسوی: نوع مساجد متولی خاص ندارد. اگر همیشه میناچی باشد، خیلی خوب است. فعلاً کلمه مسجد را بردارید.

باهنر: هیات امناء عزل می‌شوند.

موسوی: هیات امناء ندارند غیر قانونی است. مثلاً مسجد بنده. در مساجدی که هیات امناء خوب دارد یا مردم با آنها هستند.

میناچی: مساجدی است وقف متولی دارد. هیات امناء [را] اوقاف گذاشته، مورد تایید مردم نیستند. تا برداریم، شکایت می‌کنند. اگر مردم عوض کنند، قانونی نیست.

موسوی: در نصب امناء و امام، مراجع اقدام کنند بهتر است.

هاشمی: بدترین مامورین در اوقاف است (مهدوی آمد).

خامنه‌ای: رسیدگی شود، دست اوقاف باشد، منظم‌تر خواهد بود.

قطب‌زاده: در مورد مساجد لایحه دیگری تقدیم خواهد شد.

میناچی: تعیین هیات امناء و نظار مساجد پس از تصویب لایحه در دولت تقدیم خواهد شد (معین فر آمد).

قسمت دوم لایحه با تبصره در الحاقی تصویب شد.

میناچی: موقوفات دارای عایدات زیاد است. با تبنای حیف و میل می‌شد. به‌عنوان موسسه غیرانتفاعی ثبت شود [و] بیان داشته باشد (میناچی رفت).

معین‌فر: لایحه مستخدمین دولت؛ امتیازاتی برای مشاغل بالا بود، در موقع بازنشستگی و غیره. هاشمی: تصویب از طرف ما [شامل] حقوق‌های مقرر شده نیست.

تصویب شد.

معین‌فر: اختلاف در دستگاه دولتی در مورد حقوق حداقل 2500 تومان است.

موسوی: روشن نشدم، حداکثر 20 هزار تومان.

معین‌فر: دیگر اضافه کار نخواهد داشت، ولی ماموریت برود. لایحه قانونی حداکثر و حداقل حقوق.

مهدوی: آماده به خدمت چیست [؟]

معین‌فر: [یعنی] کسانی که فعلاً کار ندارند و جزو اداره هستند.

موسوی: بودجه سرّی را کم کرده‌اید، ولی نزنده‌اید.

معین‌فر: قسمتی که ضروری بوده باشد.

تبصره: دولت موظف است ظرف یک ماه، فوق‌العاده روزانه خارج از کشور را با تعیین تعرفه به تصویب شورا برساند.

هاشمی: حداقل حقوق را 2700 تومان بکنید.

معین‌فر: اشکالات زیاد است.

قطب‌زاده: شرکتها، کارگرا و غیره صدایشان درمی‌آید.

معین‌فر: جنبه‌های رفاهی را بالا می‌بریم.

قطب‌زاده: حق مسکن 5٪ از کارمند و 20٪ اداره می‌داد، ما کل پول را سرشکن کردیم به همه.

معین‌فر: حداقل حقوق بازنشستگان، حداقل 1400 تومان است که 1800 تومان شده. در فاصله بین 1800 تا 3000 تومان به هر کدام یک نسبت معین می‌دهیم.

باهنر: آنکه 2800 تومان می‌گرفته ده سال سابقه.

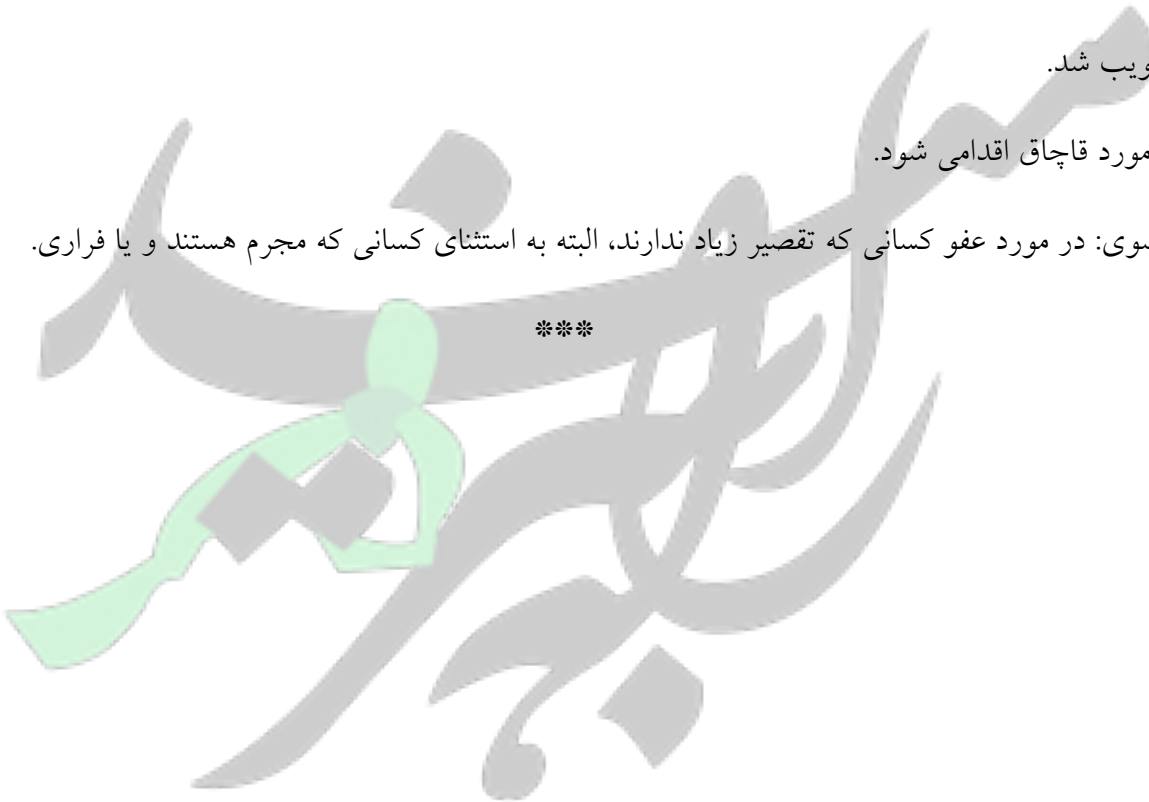
معین‌فر: در استان‌ها کمیته برنامه‌ریزی داشتیم. چون شوراها تشکیل نشده، این وقفه به عهده برنامه‌ریزی باشد.

دکتر مبشری: لایحه مربوط به انحصار محاکمات فقط نظامی به دادگاه‌های نظامی

تصویب شد.

در مورد قاچاق اقدامی شود.

موسوی: در مورد عفو کسانی که تقصیر زیاد ندارند، البته به استثنای کسانی که مجرم هستند و یا فراری.



جلسه پنجشنبه 1358/2/6

[حاضران: طالقانی، خامنه‌ای، موسوی [اردبیلی]، شیبانی، بهشتی، سحابی (دکتر شکوهی^۱، قطب‌زاده، مسعودی آمدند).

[موضوع: آموزش و پرورش:]

دکتر شکوهی: دو برنامه است [::] یکی تربیت معلم برای جمهوری اسلامی [و] یکی ادامه سال تحصیلی فعلی. کاش سپاهی دانش، معلم نمی‌شد. سعی می‌شود این سپاهی‌های معلم شده را بازآموزی دهد [و] گذشته را اصلاح کند؛ بقیه را کنار بگذارد. عده‌ای به نام سپاهی دختر به مدرسه راه یافته‌اند. قانون لغو شده عوارض دارد.

بهشتی: امروز اگر اعلام کنید آموزگار می‌خواهیم، عده‌ای دختر علاقه‌مند که از نظر صلاحیت خیلی بهتر از این عده هستند، ممکن است سمت شما بیایند و با آموزش ساده بتوانند آماده معلمی شوند. بر حسب آشنایی احساس می‌کنم چه پسرها و چه دخترها که با احساس تعهد می‌خواهند معلمی را قبول کنند؛ قبل از تصویب لایحه اعلان کنند آموزگار می‌گیرید، ترتیب مصاحبه بدهید، اگر بنابراین آثار افراد جذب کردید.

شکوهی: وزارت آموزش و پرورش هر سال ده هزار نفر برای معلمی می‌گیرد (باهنر آمد). 60 سال است قانوناً تعلیمات اجباری است و کار درستی نشده.

مهندس سحابی: عده‌ای سرکار بوده‌اند، معلم بوده‌اند، اینها بیکار شده‌اند. این برای حل سال جاری است.

شکوهی: اینها ممکن است بروند. این [لایحه] تصویب شود. بعدها برای تربیت معلم اقدامی خواهد شد. معلمی که نیمی درس بدهد و نیمی تعلیم بگیرد.

مهدوی: تعداد اینها چقدر است [؟]

شکوهی: کل آنها حدود دوازده هزار نفر.

بهشتی: بند اول، [به] کسانی که سر کلاس هستند، اعلام کنید معلم می‌گیرید. اولویت با شرایط دیگر.

شکوهی: عده‌ای برای اینکه معلم شوند، خدمت سپاهی را انجام داده‌اند.

1. غلامحسین شکوهی (95-1305) وزیر آموزش و پرورش دولت موقت.

شیبانی: اختیار با شماست. اگر صلاح دیدید از آنها می‌گیرید.

بهشتی: اگر در مصاحبه صالح باشند، بسیاری از آنها که با اختیار می‌آیند [نسبت] به آنها که به علت اضطرار اقتصادی [و] اجتماعی آمده‌اند، ترجیح دارند. در گروه مصاحبه اگر کسانی آمدند که واقعاً اولویت داشته باشند و آن دوره را ندیده‌اند بهتر هستند.

موسوی: مشکلی دارند. این گروه داوطلب و دنبال کار هستند. این محذور هم هست.

شکوهی: اول مهر به استناد اینکه دوره دیده‌اند.

موسوی: این که الان ضرورت ایجاد کرده برای این است که کلاس الان را چه کنند.

شکوهی: البته فشارهایی هم هست، ولی من به استناد آن عمل نمی‌کنم. دو دسته متحصن بودند. یک دسته است که بیست روز است در اتاق وزیر متحصن هستند. ولی توجه ندارم.

بهشتی: معلمی که روی ضرورت شغلی نیاید، معلم نیست. اگر کسی بیاید، زیاد بگیرد، ارزنده‌تر است.

شکوهی: شغل معلمی اگر تبدیل شود به آنچه باید باشد، کم‌تر کسی برای ضرورت اقتصادی [آن را] انتخاب می‌کند.

شیبانی: دست ایشان را باز بگذارید، هم اینها و هم دیگران را استخدام کنند.

بهشتی: دست ایشان با آن طریق هم باز است.

باهنر: اکنون باید در انتخاب معلم دقت شود. پیش‌بینی شده برای سال آینده [که] عده زیادی معلم علاقه‌مند انتخاب شود از کارمندان ادارات دیگر (هاشمی آمد).

خامنه‌ای: محض اطلاع، افراد متعددی از دانشگاه تهران مراجعه کرده‌اند [و] داوطلبانه می‌خواهند بروند تدریس.

مهدوی: سپاهیان در دهات و جاهای دورافتاده بوده‌اند. آیا اینها می‌روند [؟]

بهشتی: سوالات زیاد است. این تنها معیار را برمی‌داریم. دختر سپاهی دیده و دختر دیگر [با هم] برابر باشند. در شرایط مساوی اولویت با سپاهی باشد.

شکوهی: در این کشور صدها هزار معلم است؛ از طریق مختلف آمده که در صلاحیت آن تردید داریم. چون سپاه متفی شده، سالی بیست هزار لازم داریم. آنچه هست، گروهی است بین این و طبقه که مزاحم برنامه‌های ما نخواهد بود.

بهشتی: لایحه این طوری که تصویب شد، با این عنوان طلبکاری شروع می‌شود. [به] ضوابط مورد توجه عمل نمی‌شود.

شکوهی: وزارت آموزش و پرورش نیازهای خود را روشن کند و اینها را هم جزو داوطلبان منظور کند. بهشتی: ماده دو مورد نیاز است، قبول.

موسوی: مطلب اساسی گفتند. سرنوشت کشور را توجه کنید. نباید برای تعلیم، هرکسی را آورد.

قطب‌زاده: جواب نیازها را نمی‌دهد. ماده اول، دست آنها را باز بگذاریم، ولی اختصاص ندهیم.

موسوی: اگر بگویند تا آخر خرداد کار بکنند و حقوق بگیرند، راضی می‌شوند.

شکوهی: گروهی هستند که ما نیاز داریم. ما تجربه آنها را شرط قرار می‌دهیم، ولی به آنها حقی نمی‌دهیم.

بهشتی: شما امکان به دوستانتان بدهید. کلاس بازآموزی درست می‌کنیم و گروه لازم برای شما تهیه می‌کنیم.

شکوهی: تربیت کردن افراد مومن و معتقد در دوره کوتاه کار آسان‌تری است و از گذشته بهتر خواهد بود. آیا می‌توان معلمی تربیت کرد [؟] من تردید دارم. سپاه دانش برای نقاطی است که دیگران نمی‌روند؛ [برای] نقاط دور [است].

بهشتی: تنها ماده دو با اصلاح به شرح مذکور تصویب شد.

موسوی: در هفته گذشته در اواخر شورا مطرح شد آقای شبیری مسئله‌ای است. آقای طالقانی تلگراف کردند.

آقای شریعتمداری هم کردند. نکته دیگر با در نظر گرفتن موارد استثناء عفو عمومی وقت آن رسیده است.

[موضوع: ماجرای دستگیری فرزندان طالقانی:]^۱

شیبانی: مسئله مهم‌تر، روشن کردن وضع آقای طالقانی بود.

هاشمی: ایشان رنجش‌هایی دارند.

خامنه‌ای: من هم رنجش‌هایی دارم. اگر دولت گوش کند اشکالی دارد [؟]

بهشتی: ابهام‌هایی می‌فرمایند هست. ابهام‌ها را بیان بکنند.

طالقانی: من نمی‌دانم دولت چکاره است، شورا چکاره است. دولت را متهم می‌کنند گرایش امریکایی دارد. شورا را متهم می‌کنند [که] عوامل امریکایی هستند.

خامنه‌ای: در مورد شورا و خودتان جوابگو باشید.

طالقانی: دولت تحت نفوذ شورا است.

بهشتی: در مورد شورا خود جنابعالی ابهام دارید.

طالقانی: افراد شورا را می‌شناسم. خود شورا کشانده می‌شود. تا حال، همه مدافع بودم. فعلاً سکوت می‌کنم. مسئله بچه‌ها پیش آمد، خودم رفع اعتراض کردم. متهم می‌کند این افراد را [که در ماجرای دستگیری دست داشتند] که ریشه در حزب جمهوری اسلامی دارد. غرضی را من نمی‌شناسم. دادستان نمایندگی رسمی داد. حرکات سازمان امنیت مثل چشم بستن‌ها و فحش دادن‌ها، اجازه بیرون آمدن حتی [برای] مستراح ندادند، یعنی چه [؟] سابق می‌گفتند بعضی کمیته‌ها بعضی کارها می‌کنند؛ مشهود نبود. این فردی که با من مواجه شد، معامله با قذافی^۲ یا نماینده قذافی از کجا سرچشمه می‌گیرد [؟] نماینده دولتی است، یک ساعت با خمینی حرف زده، مثل اینکه چیزی واقع نشده، می‌گویند امریکا نفوذ دارد. دولت جهت امریکا می‌رود، منافع امریکا را حفظ می‌کند. حزب جمهوری اسلامی افرادش نفوذ دارند و در خود شورا نمی‌شود تصدیق کنم و تکذیب. جمع کردن افراد آدم

1. قبلاً به تفصیل این موضوع شرح داده شد.

2. معمر قذافی (1942-2011) رهبر لیبی که در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی، رابطه نزدیکی با جمهوری اسلامی داشت.

بی مسئولیت مانع می شود [که] جلود^۱ از طیاره پیاده شود. اینها غیر از قرائنی است که دست امریکا و اسرائیل در کار باشد. من همیشه حمل به صحت می کردم. نمی توانم نه از دولت، نه شخص مهندس بازرگان، نه از شورا دفاع کنم. فقط از آقای خمینی دفاع می کنم.

بهشتی: ابهامها در روابط اجتماعی پیش می آید. متقابلاً در مورد عکس العمل حضرتعالی سوال انگیز بود که تا چه حد می تواند موجه باشد. بی شک نشستن و روباز مسائل را مطرح کردن، به مطالب رسیدگی کردن، ابهام را برطرف می کند. در اداره کارها باید عده ای مسئولیت قبول کنند؛ چه دولت، چه شورا و چه غیر آنها. اگر ابهام باشد اداره مختل می شود. در مسئله دستگیری بچه ها و ارتباط آقای غرضی و کارهای مشابه با حزب جمهوری اسلامی، باید عرض کنم ربطی با حزب ندارد.

خامنه ای: در مسائل این جوری که نیست، خیرخواهانه سیاسی و اجتماعی مداخلت دارد و عواطف. حق این است که جنابعالی با مرتبت بلند خود، کدورتها را رفع کنید. باید تجسس و تفحص بیشتر شود. شاید به همه و بعضی از جمع اطمینانی داشته باشید و انحراف و کژی ندیده آید و شاید به بعضی تصویری ندارید. چرا پیش از این ابهام از دوستان سوال نمی کنید [؟] از همه سوال کردید مگر از من. من ذی علاقه هستم و اطلاعاتی دارم. در حزب، هم در شورا و هم در مردم هستم و متقابلاً شما گزارش کسانی را می شنوید که شما را احاطه کرده اند.

طالقانی: مسائلی است که اخیراً پیش آمده، بعد از بردن بچه ها و مجموع مطالعات چیزی نبود.

بهشتی: می گوید اینها عضو حزب هستند.

طالقانی: مردم می گویند چند تا مسلسل به دست و مردم بازاری چه قدرت دارند [که] می گیرند، زندان می کنند، بکنند یا نکنند. عواطف مرا نشناخته آید. مسئله مملکت است. مسئله من نیست. دسیسه برای شخص من بوده یا برای کشور [؟] [در] آتشی که در سنج بلند شد و این جریان اخیر، یک چیز قطعی از طرف شورا ندیدم.

خامنه ای: کسی مگر شورا را متهم کرده بود [؟]

طالقانی: شورا از سران حزب جمهوری اسلامی هستند. من بر خلاف میلم خودم را نشان دادم، رفتم خدمت آقا.

بهشتی: من توضیح بدهم.

1. عبدالسلام جلود (متولد 1944) از مقامات لیبیایی که در مقطعی نخست وزیر این کشور را در اختیار داشت.

طالقانی: شما قدرت مملکت هستید. اگر این قدرت را ندارید که چی [؟]

هاشمی: مسئله از وسط گرفته شده. آقایان که دست داشته‌اند، دانش، غرضی و صباغیان، جواد رفیق دوست بودند کارگردان ماجرا. هیچ کدام از اینها نه تنها در حزب اسم ننوشته‌اند [بلکه] جزو مخالفان حزب هستند. اینها کسانی هستند که مدرسه رفاه را مقابل علوی علم کردند. وقتی پاسداران تشکیل شد و قرار شد پاسداران مرتبط با شورا شود، [اینها] پاسداران زیر نظر دولت تشکیل دادند [که] مرکزشان سلطنت آباد است که تحت اختیار شورا قرار نگرفته بودند و حالا هم که در اختیار قرار گرفته، این چهار نفر رفته‌اند دادرسی ارتش. برای ما روشن نیست که بعضی عمال دولت در آنها دست نداشته‌اند. این سپاهی است که دکتر یزدی در سلطنت آباد درست کرده. نامه‌ای از یزدی دارم به دانش [که] حکم دستگیری بچه‌های شما با اعضای او است.

طالقانی: با بودن شورای مورد اعتماد خمینی و حاکم بر دولت، چطور فردی این قدرت را دارد که نه از شورا و نه از ...

هاشمی: من سرشب آمدم. مهندس [بازرگان] با من تماس گرفت. تلفن کردم با شما صحبت کنم [اما] آقایان نگذاشتند.

بهشتی: این همان جدار مورد نظر است.

طالقانی: توهم من و سوء ظن مردم با روابطی که این افراد از قدیم با شماها داشتند و مرید شما بودند، مربوط است.

شیبانی: اینهایی که مورد نظر هستند، طرفدار مجاهدین هستند و غیره و از ایجاد نظم ناراحت هستند.

بهشتی: اینها نه از شورا دستور می‌گیرند، نه از حزب. شورا مصمم بوده که پاسداران را زیر نظر بگیرد و این گروه مخالف [این امر] هستند.

طالقانی: با قبول این که شورا مسئول کارهاست.

موسوی: سکوت شورا دلیل داشت.

بهشتی: شورا و حزب چرا مطلبی صریحاً نگفتند [؟] درست به دلیل بی‌ارتباطی، و لازم می‌دانستند هر اظهار نظر با تماس با جنابعالی باشد. تنها چیزی که بدون ارتباط با جنابعالی می‌توانستیم برسیم این بود. از غرضی پرسیدیم،

او گفته من هم مستقیماً در این مسئله دخالتی ندارم، حکم از طریق دانش رد شده به آنها. او مدعی است ریشه واقعی مطلب، چیز دیگری است. آنها، غرضی و گروهی که اصغر از آنهاست، از مجاهدین هستند و با منافقین و کسانی که شریف واقفی را کشتند، دشمن هستند و معتقدند که آقای مجتبی [طالقانی] همکار و همگام منافقین است. تاکنون 17 نفر از فرزندان جامعه به دست آنها کشته شده [که] آخرین فرد محبوبه افراز¹ بوده و مدعی هستند آقای مجتبی مستقیم در این کار دخالت داشته و مخالفین او در گروه کوچکی که از مجاهدین بوده‌اند، ولی فعلاً ارتباطشان از گروه رجوی جدا هستند. راجع به حزب، اول بار است که شنیده‌ام. راجع به شورا در یکی از نوشته‌های مجاهدین، اسم شورا آمده است. شورا قرار شد بی‌ارتباطی خود را ابراز کند.

موسوی: شورا در همان اعلامیه گفت این شاخه از پاسداران انقلاب هنوز تحت سلطه شورا درنیامده و اصل مسئله را محکوم کرد.

خامنه‌ای: منتظر بودیم خود آقا [طالقانی] بیایند و در سایه مذاکره با ایشان حل شود.

هاشمی: دولت اعلامیه‌ای داد رندانه (بعد معلوم شد شخصی که [اعلامیه] داده خود مهندس [بازرگان] بوده، نه امیرانتظام)، و گفت شورا مسئول سپاه بوده. گفتیم مهندس را رسماً استیضاح کنیم. مهندس گفت امیرانتظام نبوده، من را که خودم اعلامیه را نوشته‌ام و قرار شد مهندس بازرگان اصلاح کند. دو سه روز تاخیر انداخت و نوشته کمیته‌ها در اختیار شورا نیست. ایشان و صباغیان صحبت کردند، پاسداران را اضافه کردند، ولی موقعی که [اعلامیه] درآمد، [اسمی از] پاسداران نبود. گفته شد دولت مشکلات زیاد دارد، فشار روی او نیاوریم. شب که من دخالت کردم، دیدم سلطنت آباد، بازجوها و غیره گفتند اگر غرضی آزاد نشود، می‌رویم دکتر یزدی و رحیمی و فرید² را دستگیر می‌کنیم. من اصرار کردم به یزدی [که] غرضی را آزاد کنید [و] بگذارید وضع برگردد به حال عادی تا قضیه را رسیدگی کنیم. حرف آخر را خمینی زده، از طریق اشراقی، که غرضی را با موافقت آقای طالقانی آزاد کنید.

بهشتی: سوال کنیم، اگر ابهام تبدیل به روشن شده، رد شویم. من تا شب شنبه (جمعه شب) خبری از قضیه نداشتم. صبح صانعی که تلفن کرد بی‌خبر بودم.

1. محبوبه متحدین یا افراز (55-1329) از اعضای سازمان مجاهدین خلق. همسر وی، حسن آلاپوش بود که شریعتی با توصیه این دو به ازدواج، داستان "حسن و محبوبه" را با توجه به این دو نوشت.

2. سرلشکر ناصر فرید (98-1301) دومین رئیس ستاد ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی

طالقانی: قدرت مافوق دولت است.

هاشمی: ما تصویب نکردیم یزدی وزیر خارجه شود.^۱

طالقانی: آقا از سنجابی ناراضی بود.

هاشمی: آقا از طریق احمدآقا [خمینی] گفت.

طالقانی: رفع مسئولیت از شورا نمی‌کند. شورای مستضعف است.

خامنه‌ای: مهندس بازرگان تاب شنیدن حرف را ندارد.

بهشتی: ابهام رفع شود که ارتباط با شورا و حزب ندارد.

هاشمی: ما نمی‌خواستیم بگوییم اتهام بچه آقا [طالقانی] چنین است. اعلامیه هم با توجه به این نکات ندادیم.

طالقانی: اتهام باشد من خودم تحویل می‌دادم. شب قبل در روزنامه اعلام می‌کند یاسر عرفات^۲ پیام مستقیم برای فلانی داد، هانی حسن^۳ تلفن می‌کند [که] پیام هست کسی را بفرستید؛ بچه‌ها می‌روند و بیرون که می‌آیند دستگیر می‌شوند... شورا مثل دولت است، اینها مال قبل از انقلاب است. باید فرد فرد دخالت کنیم، حتی دولت را استیضاح کنیم. مهندس بازرگان حرف بزنند عصبانی می‌شود.

خامنه‌ای: با اعلام ضعف، مهندس مملکت را به شلوغی کشید (بنی صدر آمد).

بهشتی: سه نفر مامور شوند نخست وزیرها و وزارتتی را معین کنند تا اگر خدا نکرده مسئله‌ای پیش آمد.

خامنه‌ای: هاشمی یکی از آنها باشد، طالقانی و مهندس سحابی.

هاشمی: آقایان هر کس را می‌شناسند، معرفی کنند.

مهندس سحابی، هاشمی، بنی صدر معین شدند.

-
1. ابراهیم یزدی پس از استعفای سنجابی، به‌عنوان وزیر امور خارجه دولت موقت انتخاب شد.
 2. یاسر عرفات (1929-2004) مؤسس تشکیلات فتح فلسطین، رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین و رئیس حکومت خودگردان؛ وی نخستین مقام خارجی بود که پس از انقلاب به تهران آمد و پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت.
 3. هانی الحسن (1939-2012) از رهبران تشکیلات فتح فلسطین و از مشاوران نزدیک به عرفات.

گزارش رسیدگی به دادگاه‌ها.

بنی صدر: هادوی را نمی‌خواهند؛ قاطعیت و برش ندارد. [در مورد] زواره‌ای، عده زیادی نسبت به او اعتقاد ندارند. زندان در دست گروه‌هایی است، عراقی (فدایی، اسلامی). جای بازجویی تحت سیطره سمپات مجاهدین خلق. شکنجه هم هست، کتک رایج است، بی‌خوابی هست، زندان نظم ندارد. افسری که در کمیته‌ها بوده، افراد گاردی را در کمیته‌ها گذاشته و پیش از اینکه اسامی را مشخص کند، او را اعدام کرده‌اند، منوچهر قشقایی اسم اوست. گفتند یک میلیون پول گرفته [که] دروغ است، پولی تقسیم شده، ولی نه بین یک دسته معین. می‌گویند گارد ورامینی هست، درست نیست. دادسرا و پاسدارها تیم هستند.

بهشتی، سبحانی: طرفدار شدت عمل هستند، نه اینکه یک تیم باشند.

بهشتی: چون همه کسانی که در زندان هستند یا اکثر پاسدار، زندانبان، مدیر زندان، بازپرس، طرفدار شدت عمل هستند. اگر کسی بیاید [و] طرفدار شدت عمل نباشد، حرفش را نمی‌خوانند.

بنی صدر: اینکه طرفدار یک تیم هستند که حرف او را می‌خوانند درست نیست. اتهامات در مورد تخلفات از صحت برخوردار نیست. جلو زندان پول می‌گیرند، ملاقات می‌دهند. باید روشن شود. زواره‌ای آدم بسیار عاطفی است و فعال.

بهشتی: [اینکه] عقده‌ای است و غیره که آقای آذری گفت، درست نیست.

بنی صدر: دو نفر نقیبی و نراقی، برداشت من این است که تیم او نیستند. آنها کاتوزیان^۱ را معرفی کردند، ولی نقض شد. احمدیان نقض شد. فارسی نقض شد. قاضی دادگاه اول، مسئول دادرسی تهران.

خامنه‌ای: قاضی و دادستان نمی‌شود یکی باشد. پس قضاوت نکند.

بنی صدر: ورقه‌هایی برای توصیه نوشته شده بود، این توهّم را پیش آورد که قصد بعضی‌هاست که هویدا و امثال او آزاد شوند.

1. ناصر کاتوزیان (93-1310) حقوقدان، وکیل و قاضی دادگستری، مشهور به پدر علم حقوق ایران و از تدوین‌گران پیش‌نویس قانون اساسی در دولت موقت.

بهشتی: نامه از کورت والدهایم^۱ بود، مهندس بازرگان با نامه ارسال داشته.

بنی صدر: نقیبه معاون شود.

آقای بهشتی: آذری سرپرست دادسرا [باشد و] معاون او نقیبه شود.

بنی صدر: آقای زواره‌ای برود کنار [تا] بلوا نشود.

مهندس سحابی: [اگر] کس دیگری [را] می‌گذاشتیم، همکاری نمی‌کردند. همه تند و انقلابی بودند. زواره‌ای را نمی‌شد گذاشت. آذری احترامی داشت.

بنی صدر: خود آنها تصفیه‌ای پیشنهاد کرده‌اند.

آذری، نقیبه (مهرعلی، کریمی پور، بیژنی بازپرس دادگستری) اینها کادر دادستانی را تکمیل کنند. یک کادر بازرسی زندان، لاهیجی^۲ از حقوقدانان، علی شاهنده^۳ از کانون وکلا، دکتر تابنده^۴ از حقوق بشر.

هاشمی: محمد خامنه‌ای را بگذاریم.

سحابی: مراجعات جلو زندان را آقای خامنه‌ای به‌عنوان نماینده آذری جلو در اتاق داشته باشد، رسیدگی کند.

بهشتی: [محمد] خامنه‌ای را دادستان بگذاریم.

خامنه‌ای: برای جواب مراجعات خوب نیست. برای دادستانی نمی‌دانم. برای بازرسی خوب است. برای قضاوت خوب است.

هاشمی: لاهیجی نظر بدی به حکومت موجود دارد و هر وقت بداند استعفا می‌دهد.

خامنه‌ای: بین آقایان وکلا دودستگی شدید است.

1. کورت ژوزف والدهایم (1918-2007) دبیرکل اتریشی سازمان ملل متحد در فاصله سال‌های 81-1971.

2. عبدالکریم لاهیجی (متولد 1319) حقوقدان و وکیل بسیاری از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب اسلامی.

3. علی شاهنده حقوقدان و از چهره‌های ملی‌گرا و حامی مصدق.

4. نورعلی تابنده بیدختی‌گنابادی (98-1306) حقوقدان، وکیل دادگستری و معاون وزارتخانه‌های ارشاد و دادگستری در دولت موقت، قطب دراویش گنابادی.

بنی صدر: احتمال استعفا هست.

خامنه‌ای: لاهیجی را می‌شناسم؛ آدم سالمی است. دودستگی هست در کانون وکلا. ممکن است به خمینی کشیده شود.

بهشتی: [محمد] خامنه‌ای برای بازرسی مورد تایید است.

بنی صدر: گفتند جا نداریم برای تغییر زندان.

هاشمی: زندان آماده است، اشکال مسئله دولت است، آنجا امکانات نیست.

طالقانی: زندان دوره بازرسی، یکی هم زندان محکومیت.

بنی صدر: حکیمی گفت دادستانی مجری دستورات رهبری باشد، 500 نفر بلا تکلیف است، بازرسی نشده.

بهشتی: بعضی از آنها که بازرسی نشده دروغ می‌گویند، مقداری وقت صرف این کارهای رفع اختلاف شده... راجع به زندان بند شش که 500 نفر دارد، دو نفر آوردند [که] به‌عنوان شکنجه، پشتش جای شلاق بود، یک نفر ناخن‌هایش را بسته بود. شکایت داشتند [که] چرا به ما نمی‌رسند... بود... علی دشتی^۱ بود، درخشش^۲ هم بود (طوفانیان و بختیار گرفته نشده، به نام اینها است). بختیار روشن شد که برای آرام شدن مردم، گفتند بختیار را گرفته‌اند، [به نام] طوفانیان کسی را گرفته‌اند و این کس نیست. دربند درها باز بود، موقع غذا بود، جای مجاهدین می‌گویند زندان ساختمان معتادین بوده. این گروه مجاهدین در بازرسی از تیپ ساواک ورزیده‌تر است. بازداشتی اینجوری را تحویل اینها می‌دهند. خود اینها چیزی نمی‌آورند. رونوشت می‌برند بیرون نفی شده.

بنی صدر: دلفانی^۳ را مجاهدین گرفته‌اند.

سحابی: شاه‌مراد معروف.

-
1. علی دشتی (1360-1276) با سابقه سفارت و نمایندگی مجلس شورای ملی در دوران پهلوی.
 2. محمد درخشش (1384-1295) نماینده مجلس شورای ملی در عصر پهلوی و وزارت فرهنگ در دولت علی امینی.
 3. شاه‌مراد دلفانی، با سابقه عضویت در حزب توده که البته به روابط خود با ساواک اقرار کرده بود.

بهشتی: دکتر رحیمی بیمارستان رضا پهلوی مدعی هستند آنجا سخت‌گیری می‌شود. نفی شده جز پیوسته بازجویی کردن تهرانی شکنجه‌گر را از در زندان، پاسدارها و غیره زده‌اند تا زیردست نجفی. نجفی آرش را زده که پایش ورم کرده (این فرد توسط آرش شکنجه شده)، جزو مجاهدین نیست.

مهندس سبحانی: اعترافاتی که کردند مثل نادر زندانی هم هست مثل برنجیان¹ که رابطه با سیا داشته.

بهشتی: سوال دارند که ما احتیاج داریم به اطلاعات در مسائل جاسوسی برای نفع انقلاب. اگر شکنجه بدهیم، لااقل در حد روحی این کار جایز است یا نه [؟]

قطب‌زاده: جایز است.

خامنه‌ای: جایز نیست. مثل دولت قبلی می‌شویم.

مهندس سبحانی: مجبور بودند. اگر برنجیان را بی‌خوابی نمی‌دادند، نمی‌گفت. مقدم چیزی نگفت. آقای خمینی توسط جنتی پیغام داده بود که اگر بگویی [در مجازات] تخفیف دارد. در برابر اینها سندی در دست نیست، اگر خودشان نگویند.

هاشمی: روش تهدید و تطمیع و ارائه بعضی نمونه‌ها در حد رسواگری و تحبیب. لازم است یک گروه باشد که مطمئن باشد که به جز شکنجه، اسناد به دست نمی‌آید، آن وقت مجاز باشد.

خامنه‌ای: اسناد زیادی در ساواک داریم.

طالقانی: اگر مسئله خطر باشد، اشکالی ندارد.

بهشتی: قتل جایز باشد، شکنجه جایز نیست.

مهندس سبحانی: سیروس نجفی چون خودش را فلک کرده بود.

طالقانی: اگر کسی خودش کسی را شکنجه نکرده باشد چه [؟]

سبحانی: مقدم و امثال او را زود اعدام کردند. کسی که زیر [حکم] اعدام است، بهتر می‌شود از او حرف کشید؛ بعد هم اگر لازم شد [او را] عفو کرد.

1. سپهبد هاشم برنجیان، رئیس بازرسی و امنیت پرواز نیروی هوایی و فرمانده ضداطلاعات نیروی هوایی ارتش در دوره پهلوی.

قطب‌زاده: کسانی را که اطلاعاتی دارند، قبل از زندان بدهند.

هاشمی: بحث قبل از تهدید است.

قطب‌زاده: پیشنهاد دارم یک نفر از طرف شورا (طالقانی) معین شود، [در حکم] کسانی که اطلاع می‌دهند، به شرطی که در قتل و شکنجه دخالت نداشته باشند، تخفیف بدهد.

بنی‌صدر: نسبت به ایشان تامین نیست.

قطب‌زاده: از طرف شورا تامین داده شود. سه نفر که بعداً معلوم می‌شوند، برای بررسی افرادی که اطلاعاتی دارند پس از معلوم شدن صلاحیت، تامین نامه‌ای به امضای آقای طالقانی و خامنه‌ای بدهد (قطب‌زاده رفت، دکتر مبشری آمد).

بهشتی: هادوی دادستان کل، آذری دادستان تهران، از طرف شورای انقلاب ابلاغی صادر شده برای آذری.

طالقانی: آذری [به] مسائل حقوقی وارد است.

بهشتی: برای مدیریت است.

مسعودی: دادستان نمی‌تواند قاضی باشد.

بهشتی: با چه معیاری [؟] از نظر معیار دادگاه اسلامی می‌تواند بگوید اینجا خلاف عمل کردی و حکم بدهد.

موسوی: از نظر اسلامی اشکالی ندارد. در آئین‌نامه تلاش شده خیلی خلاف رویه معمول نباشد. اگر تلاش درست بوده، او نباشد.

بهشتی: ایشان موقت است و کلیه کارها به عهده نقیبه است.

مسعودی، موسوی: ابلاغ دادستانی ندهید.

مبشری: دادستان مدعی است، دیگر قاضی نباشد.

بهشتی: مدعی قانون است.

هاشمی: به هر حال خبر اینکه دادستان و رئیس دادگاه یکی باشد، ایراد دارد.

تصویب شد [که] آذری [به] دادگاه فعلاً نرود.

مهندس سبحانی: دو مطلب ماند. روح کلی آنها، روح زوارهای خشونت و قهر انقلابی، مسئله درست با آنها حل نشد.

بهشتی: یکی وکیل است، همه می گویند قبول وکیل، خیانت به دادسرا است. وکلا مسائلی مطرح می کنند. جای مباحثه نیست و تبدیل به صحنه علیه انقلاب است.

طالقانی: لیستی معین شود که از آنها انتخاب کند.

بهشتی: وکیل را لغو کنیم، انقلابی است.

بنی صدر: چه انقلاب [؟]

طالقانی: به عنوان اینکه این افراد وارد به امور قضایی اسلام هستند.

هاشمی: دفاعیات آنها با دیگران فرق دارد. به خبرگزاری ها می دهند.

بنی صدر: دو ترس دارند، یکی [اینکه] شناخته می شوند [و] جانشان در خطر است، همین طور بازپرس ها. دیگر [اینکه] دولت به آنها مدارک نمی دهد روی دفاع و پرونده مدرک در دسترس نیست.

موسوی: اگر محذور این باشد که دادگاه علنی است.

بهشتی: اسامی دادرسان را نمی گویند و عوض می شوند.

وکیل ملتزم به قوانین قضایی اسلام تصویب شد.

-در مورد کارمند دولت، اجازه دولت به هیچ وجه لازم نیست اطلاع به دولت باشد.

مهندس سبحانی: به وزیر یا رئیس مربوطه بگویند تا جایش یکی را معلوم کند.

بهشتی: این برای فرار دادن است.

موسوی: قبلاً صحبت بود حکم جلب صادر شده، به وزیر مربوطه خبر داده شود او را بفرستند.

بهشتی: باید کارمند دولت را به وسیله مافوق او بخوانند، در صورتی که اقدام نشد...

طالقانی: یک نفر مامور باشد کارمندان دولت را بگیرد.

بهشتی: دولت می گوید به ما اطلاع بدهید.

مهندس سجایی: تحویل دار بانک است؛ اگر در خانه اش هم بگیرند حساب می ماند.

موسوی: آنچه سبب شد این بود، بعد مامور را خصوصاً اگر از نیروی مسلح باشد، مثلاً رئیس کارگزینی شهربانی، رئیس آگاهی بدتر.

بهشتی: مقداری کارخانه هست، مستملکات دارد، صاحبان آن فرار کرده اند.

هاشمی: اموال افرادی که فراری هستند.

بهشتی: اموال مشروب سازها هم هست.

هاشمی: یک عده آقایان که در دوران انقلاب آسیب دیده اند، مراجعه می کنند [و] قلم های درشت پول می خواهند. راه حلی، بانک ها گفته اند ما حق نداریم بدون بهره یا وثیقه وام بدهیم؛ چیزی تصویب کنید یا هیات دولت بگوید بانکها برای کسانی که آسیب دیده اند تسهیل قائل شود. یک گروه پنج نفری معین شود، از بازار، اگر کسی مستحق کمک بود، به او بدهند. بانک مرکزی شصت میلیارد پول دارد، بانک سپه وضعیتش خوب است. چه باید کرد [؟] طاهرزاده مملکتی را فروخته.

دکتر مبشری: قانون عفو را بنویسیم. عده ای هستند که شکنجه هایی را کرده اند. عده ای می گویند اگر عفو کنیم نمی گویند سازشکار هستید، یک عده انتلک توئل.

بنی صدر: آئین نامه کیفری را دو روزه می شود تهیه کرد.

بهشتی: آقای خمینی می خواهند اعلام کنند مسئله شوراها را به چه نحو اعلام شود.

جلسه یکشنبه 1358/2/9

[حاضران: طالقانی، خامنه‌ای، شبیبانی، مسعودی، بنی‌صدر، بهشتی، موسوی [اردبیلی]، هاشمی [رفسنجانی]، باهنر.

[موضوع: نحوه برخورد با نمایندگان یهودی در مجلس دوره پهلوی:]

بهشتی: کسانی که استعفا دادند (وکلا)، وقتی آقا گفتند اینها [یهودیان] با بقیه فرقی دارند.

طالقانی: این نامه آبکی است.

خامنه‌ای: در اقلیت‌ها نظر خاصی نبوده.

طالقانی: کشیش آوردند و کشیش اصلی را رد کرده‌اند.

بهشتی: درباره این افراد از خود اقلیت‌ها هم سوال شود.

موسوی: اول نمی‌شود نظرخواهی شود. نوشته شود اینها همه ایرانی هستند. اقلیت و اکثریت بر دیگری امتیاز ندارد. اگر کاری نکرده‌اند، نباید تعقیب شوند. اگر در معرض تحقیق هستند، تحقیق شود.

هاشمی: همه را گفته‌اند پس بگیریم.

مسعودی: یک عده استعفا کرده‌اند.

هاشمی: از حقوق اجتماعی محروم باشند.

موسوی: در مورد زن و مرد مسلمان، اگر قرار بود طلاق دهند به دادگاه می‌رود. در مورد آنها به خاخام [مراجعه می‌شود] (مهدوی آمد).

سحابی: گرفتن اینها.

هاشمی: سابق گرفتند.

سحابی: جو حاکم، گرفتن آنهاست. در مقدمه گفته شود نظر نیست (طبق نظر امام). همه گفته شوند به‌عنوان شرکت در قوه مقننه شریک بودند. عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند فرق قائل نشویم.

بنی‌صدر: آقا به آنها تکلیف کرده‌اند استعفا دهند.

بهشتی: مسئله این است فرقی با دیگران ندارند. آقای مدعی است که من واقعاً رای آورده‌ام.

موسوی: اگر برای او طبیعی بوده، به قوانین مخالف حق رای منفی داده.

بنی صدر: اگر کسی روی عقیده انتخابش صحیح بوده، فقط فساد کرده، ایراد وارد است.

طالقانی: این طرح باید مردود باشد. امتیاز دادن به اینها اگر جنایت کرده‌اند، روی سوء ظن؛ اینجا هم دسیسه شده، اینجا متمرکز می‌شود روی حی یهودی^۱، هم صهیونیست، هم فراری، هم دزدی، در شرکت‌ها نماینده مترقی یهود به او فحش می‌دهند.

مهدوی: دفعه آخر اریه^۲ بوده.

بهشتی: مراد نبوده.

طالقانی: بخصوص یهودی‌ها که اقلیت بانفوذتر هستند.

بهشتی: جواب دهیم بین اینها و سایرین فرقی نیست. همه افراد ملت، اگر کسانی باشند انتخاب صحیح بوده و جنایت نکرده باشد، طبیعی است مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت.

تصویب شد.

قطب‌زاده: حی چندین گونی مدرک داشت.

مهدوی: [به] مسئله بهایی‌ها رسیدگی شود.

۱. لطف‌الله حَی (۱۲۹۶-۱۳۹۷) نماینده کلیمیان در مجلس شورای ملی از ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۴ (ادوار ۲۲ و ۲۳) بود. وی در ۱۲۹۶ در محله **عودلاجان** تهران متولد شد و در سال ۱۳۵۷ به آمریکا مهاجرت کرد و به همراه دوستانش جمعیت ایرانی حزب جمهوری‌خواه آمریکا را تأسیس کرد. او در سال ۱۳۹۷ در لس آنجلس درگذشت. گفته می‌شود عضو ارشد گراند لژ فراماسونری جهانی بود.

۲. مراد اریه (1368-1279) بازرگان یهودی، نماینده کلیمیان در مجلس شورای ملی، مالک ایرانا که بزرگ‌ترین شرکت کاشی‌سازی در ایران بود.

2. همانگونه که قبلاً شرح آن رفت، پس از ماجرای دستگیری فرزندان آیت‌الله طالقانی و پیرو مذاکرات وی در قم با امام خمینی، ایده‌ای که طالقانی بارها بر تحقق آن اصرار ورزیده بود، یعنی تشکیل شوراهای شهر و روستا، در آستانه اجرایی شدن قرار گرفت. در واقع، پس از آن حادثه مقرر گردید تا شوراهای محلی، بر اساس طرحی که زیر نظر آیت‌الله طالقانی پیاده می‌شود، اداره امور مناطق را در دست گیرند. همچنین کمیته‌های انقلاب تحت نظارت این شوراها اقدام خواهند نمود و یا حتی در شوراها ادغام خواهند شد (کیهان، 1358/2/1، ص 1). این وعده را طالقانی در سخنرانی خود در مدرسه فیضیه قم بیان کرد و خبر از تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی داد (کیهان، 1358/2/1، ص 6). طرح تشکیل شوراها، مورد تأیید امام خمینی نیز واقع شد. امام در سخنانی بر ضرورت تشکیل شوراهای ایالتی و ولایتی در هر استان تأکید کرد (کیهان، 1358/2/9، ص آخر). دکتر بهشتی، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی هم با تأیید ایده شورا، آن را برای اداره کارخانجات نیز مفید خواند. وی خطاب به صاحبان صنایع گفت: اگر با شورا کارخانه بهتر اداره می‌شود، آن را بپذیرید (کیهان، 1358/2/9، ص 3). حزب جمهوری اسلامی نیز در برنامه روز کارگر خواهان شرکت موثر کارگران در شورای مدیریت کارخانه‌ها شد (کیهان، 1358/2/12، ص 6). مجاهدین خلق، یکی از اولین گروه‌هایی بود که از تشکیل شوراها استقبال نمود و آمادگی خود را برای کمک به تحقق این امر اعلام کرد (کیهان، 1358/2/2، ص 2). جنبش مسلمانان مبارز نیز از این تصمیم حمایت کرد (اطلاعات، 1358/2/6، ص 8).

همچنین اعلام شد که تشکیل شوراهای شهر، قبل از انتخابات مجلس مؤسسان خواهد بود (کیهان، 1358/2/3، ص 2). اندکی بعد به صورت رسمی طرح تشکیل شوراها اعلام شد. بر اساس این طرح، استانداران، انتخابی بوده و هر استان توسط یک "صدر" اداره می‌شود. با این وجود اعلام شد طرح مزبور پیشنهادی است و برای مدت یک ماه به نظرخواهی عمومی گذاشته می‌شود (کیهان، 1358/2/8، ص 1). در طرح پیشنهادی وزارت کشور، جزئیات چگونگی خودمختاری استان‌ها ترسیم شده بود. به این صورت که برای هر استان، شورای استان تشکیل شده و دوره این شورا برابر با مدت دوره ریاست جمهوری و نیز دوره استانداری است (اطلاعات، 1358/2/9، ص 5). وزیر کشور اعلام کرد شوراها عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در استان‌ها خواهد شد. وی همچنین از لحاظ کردن اداره فدراتیو کشور در قانون اساسی آینده خبر داد (کیهان، 1358/2/9، ص 3).

یک روز بعد امام خمینی رسماً شورای انقلاب را مأمور تهیه آئین‌نامه اجرایی شوراها کرد (کیهان، 1358/2/10، ص 8). پس از چند روز، هیأت منتخب آیت‌الله طالقانی طرح شوراها را تقدیم دولت کرد. در این طرح آمده بود: استانداران به پیشنهاد شورای هر استان و تصویب وزارت کشور تعیین و یا معزول می‌شوند (کیهان، 1358/2/20، ص آخر). همزمان، وزیر مشاور در طرح‌های انقلابی نیز اعلام کرد در طرح خودمختاری، علاوه بر انتخاب روسای ادارات با نظر مردم، در هر استان مجلس شورا تشکیل خواهد شد (کیهان، 1358/2/20، ص 2). در این راستا بازرگان نیز تأکید داشت باید به سپردن حاکمیت به مردم، اهالی استان‌ها و ولایات، امور عمرانی، انتظامی و فرهنگی خود را در دست گیرند (اطلاعات، 1358/2/20، ص 2).

نهایتاً اوایل تیرماه ۱۳۵۸، قانون شوراهای محلی به تصویب شورای انقلاب رسید. در این قانون مقرر گردیده بود که شهردار هر محل به وسیله شورای آن محل انتخاب می‌شود (کیهان، 1358/4/7، ص آخر). علاوه بر این، در مصوبه شورا آمده بود که فرمانداران و استانداران در حدود اختیارات و وظایف شورای شهرستان یا استان به اجرای تصمیمات این شورا ملتزم خواهند بود و انتخاب شوراها نیز صرف‌نظر از ویژگی‌های مذهبی، نژادی و زبانی صورت می‌گیرد (جمهوری اسلامی، 1358/4/7، ص 3). با این وجود،

بهشتی: پیامی است از طرف آقای خمینی به شورا [که] قرار است بصورت نامه دربیاید، برای برقراری حکومت مردمی.

مهدوی: قبل از قانون اساسی، این درست است.

طالقانی: ارتباط ندارد.

خامنه‌ای: شوراها اگر باشد، قانون مجلس مؤسسان بهتر خواهد بود. همان کار که در سندج شده، [و] در نرده و جاهای دیگر قرار است بشود، پیشگیری از بهانه جویی هاست.

موسوی: قانون اساسی تصویبش الان به نظر من، یکی از مشکلات در رای دادن آن این است که دست نداریم؛ اطمینان نداریم که صحیح انجام می‌شود. [برای تشکیل] مجلس مؤسسان، وکیل باید انتخاب شود. شوراها اگر خوب دقت شود، شوراها که یکی از آنها طبعاً نظارت بر انتخابات است، یکی...

شیبانی: اعلام شود در روزنامه که شوراها تشکیل شود.

بهشتی: ایشان [امام] نظرشان این است که انجام شود.

بنی صدر: طرح در پاریس این بود که شوراها عملی شود و نمایندگان آنها در تهران، شورای انقلاب باشد. ولی وزارت کشور قوی می‌خواهد. اگر زمینه‌سازی نمی‌شد، هر دوازده نفر مسلمان بودند.

بهشتی: اردلان چهره سرشناس بود.

مسعودی: شوراها هرچه زودتر تشکیل شود [و] در قانون اساسی وارد شود.

موسوی: (آقای مطهری آمد) اگر لیست تهیه نشده، پیشنهاد می‌کنم به دولت پیشنهاد کنیم. وزارت کشور، بیشتر ضعف‌ها مربوط به آن است: مرزها، قاجاق، وضع شهربانی که مربوط به وزارت کشور است. اگر تعیین لیست (افراد ارزنده) میسر نیست، فعلاً فردی به وزارت کشور بیاید که هم اجرای شوراها و هر چیز مربوط به وزارت کشور را انجام دهد و اگر شخصی نداریم، پیدا کنیم.

درگرفتن مجادلات بر سر چگونگی تشکیل مجلس بررسی قانون اساسی، برافروخته شدن آتش درگیری‌ها در منطقه کردستان با شدتی بیشتر از قبل، و نهایتاً درگذشت ناگهانی آیت‌الله طالقانی، پیگیری سریع این طرح را ناتمام گذاشت؛ هرچند در سال ۱۳۵۸ انتخابات شوراها برگزار گردید. در ادامه در خصوص مسئله شوراها، به فراخور بحث مطالبی آورده می‌شود.

بهشتی: برای وزارت کشور، مهندس بازرگان معتقد است صباغیان بشود وزیر کشور، صدر وزیر دادگستری [بشود] به دنبال استعفاگونه مبشری. اگر روی صباغیان و صلاحیت او با رابطه با این دولت، صحه گذاشته می‌شود، [به خاطر این است که] جوان هست، قاطع است. موسوی، صباغیان، مهندس، بنی صدر.

طالقانی: این مسئله مطرح نبود.

شیبانی: ماده‌ای گنجانده شود که ضمن تذکر شوراهای، تعیین فرد برای مشاغل آزاد باشد.

طالقانی: مسئله ایست [که] چندین بار در سخنرانی‌ها گفته‌ام. برای سروصورت دادن به این انقلاب و خلع سلاح چپ‌ها و اخلاصگران که تحریک می‌کنند، من لازم می‌دانم در این شرایط مقدار زیادی سروصداها خوابیده شود. مهم‌تر این است [که] به مردم راست بگوییم. انقلاب مال مردم است. آخوند و وابسته، انقلاب را در انحصار خود گرفته‌اند. باید این اشکال را رفع کرد.

مطهری: می‌گویند نهضت آزادی و جبهه [ملی] کار در دستش است.

طالقانی: شوراهای تشکیل شود. سرانی که منتخب واقعی مردم هستند بروند برای کار. بعد هم برای حفظ صنف، یک آخوند هم از طرف آقا بالای سر آنها باشد. اعلام دادستانی برای حفظ مرز [لازم است]. اگر شوراهای باشد، حافظ مرز هم آنها هستند. مسئولیت [به] گردن‌شان بگذارید. علف باید به دهن بز شیرین باشد. کلمه خودمختاری را نگویند اختیار در سرنوشت داخلی خودشان. در تهران شهرداری کم‌کم کار می‌کند برای منطقه کرده دارد انتخابات می‌کند، گفتم به آقا بگویند دستور می‌دهم و امر می‌کنم که وظیفه شرعی باشد و ایشان گفتند در کیفیت و زمان آن می‌شود بحث کرد. گروه‌هایی را گفته‌ام، فکر کنید در شرایط ایران فدرال است، دولت مرکزی کنترل کند [که] حق آنها در سرنوشت داخلی چه باشد. عرب‌های خوزستان گفتند ما تجزیه طلب نیستیم، نه وزیر نه استاندار داشتیم؛ حتی زبان عربی قدغن بوده در مدرسه‌ها. اگر این کارها یک ماه قبل می‌شد، این حوادث پیش نمی‌آمد. صدر هم می‌گفت یک گروه تحقیق گذاشته‌ایم [تا] از جاهای بی سروصدا تر شروع شود. در همه استان‌ها که شورا تشکیل شده، اگر شخص خوبی هست و مردم راضی هستند بشود نماینده مجلس مؤسسان.

بهشتی: در شرایط حاضر به حساب بیاید و توجه شود نقش شوراهای. دو محاسبه با نقش کمیته، کار بدون اسلحه رتق و فتق می‌شود. انتقال آسان است. دوم نقش شناسایی و سرکوبی ضد انقلاب در ایران، برای آن فکری شود.

واگذاری آن به شورا، توجه همگانی مردم به اضافه قدرت نسبی ترس آور، این هم حل شود. شورا که ضد انقلاب را تعقیب می کند، خود شورا است یا دیگری [؟] عملاً کمیته ها ضدانقلاب را تعقیب می کنند.

طالقانی: پیشنهاد [شورا] برای این است که این [کمیته] متوقف شود.

مهدوی: این مطلب بستگی به زمان دارد.

طالقانی: اصل [شورا] که مورد تصویب ایشان [امام] است و حکومت دموکراسی است. مال ما مترقی خواهد بود و نمونه ای در دنیا خواهد بود.

بهشتی: یک وقت لفظ تصویب می شود؛ یک وقت عملی انجام می شود. شورا که تشکیل شود بهانه ضدانقلاب را می گیرد [و] تمرینی است برای حکومت آزاد.

مطهری: از کجا [تضمین می شود که] ضد انقلاب در آن شرکت نکند [؟]

خامنه ای: اصل مطلب را غالب آقایان قبول دارند [که] حق است و تصویب شود. مخالفین فوراً صحبت کنند برای مشخص شدن رای. نکته مهم [آنکه] پاسداران را جدی بگیریم؛ بودجه اش را دولت تصویب کند. هاشمی: [دولت] مبلغ خواسته شده را داده.

خامنه ای: مسلّم با مطرح شدن شوراها، وجود پاسداران ضروری تر است. شوراها در مراکز بحث انگیز مطرح است، مثل کردستان. در خراسان و اصفهان آسان است. [به] محلی بودن و غیرمحلی بودن دقت شود. [مثلاً] آیا بلوچ محلی است و یا کسی که متولد آنجا باشد یا ساکن آنجا [؟]. این روشن شود. در زاهدان بلوچها اقلیت هستند.

سحابی: کمیته ها تا زمانی که شورا تشکیل نشده، وجودشان لازم است؛ نهاد انقلابی است. کمیته ها اینجوری تشکیل شده اند. اگر شورا با ضریب انتخابی تشکیل شود، جای کمیته را بگیرد، در بخشی حل مسائل جاری و مبارزه با ضد انقلاب موفق است. سپاه پاسداران برای همین است، اگر شورا تشکیل نشد و این کار تحت هدایت دادستان و پاسداران است.

بهشتی: کمیته ها بعد از تشکیل شورا منحل [می شود].

مطهری: با اصل قضیه مخالف نیستم. گفتید بهانه از دست چپی‌ها گرفته می‌شود؛ گفتم شرایط را باید دید. زمینه‌سازی را اکثر مردم نمی‌فهمند. [باید] بطور کامل به مردم تفهیم شود، اگر آدم ناباب بیاید در همه جا رخنه می‌کند.

بهشتی: در اختیار استاندار و فرماندار نیست. شورای پنج نفری تشکیل شد، در حالت بحرانی دو نفر به گروه چپ، دو نفر مذهبی، یک نفر که نقش تعیین کننده داشت که آن را آقای طالقانی معین کردند. دخالت در انتخابات را از دولت گرفتیم.

موسوی: شوراها مسئله جدید است، هم قابل بحث نیست. [با] اصلش کسی مخالف نیست. در همین جلسه یک هیاتی از همین امروز برای مطالعه در شوراها معین شود. این هیات بنویسد، گروه‌های دیگر چیزی بنویسند که آقای طالقانی گفتند و بررسی شود.

بنی‌صدر: چنین کمیسیونی در دفتر آقای دکتر سحابی تشکیل است. می‌شود از آن خواست طرح آئین‌نامه شوراها را بنویسد.

موسوی: هیاتی تعیین شود، آنها را بگیرد [و] بخواند [و] یک چیز کامل را بیاورند.

بهشتی: وظیفه کمیته‌ها در بخش اداره به عهده شوراها و در بخش تضعیف ضد انقلاب با پاسداران [باشد].

طالقانی: این بحث باشد برای بعد.

بهشتی: با اصل شورا نظر موافق است. در جهت استقرار حکومت مردمی در ایران و حاکمیت بر سرنوشت خود که از ضرورت‌های جمهوری اسلامی است. لازم می‌دانم به تهیه و اجرای آئین‌نامه شوراها برای اداره محلی شهر و روستا در ایران اقدام کنید.

تصویب شد.

[موضوع: برقراری رابطه با لیبی:]¹

1. در ماه‌های ابتدایی انقلاب، مسئله برقراری رابطه ایران با لیبی، تحت‌الشعاع ماجرای ناپدیدشدن امام موسی صدر در این کشور در شهریورماه 57 قرار داشت. اگرچه مقامات لیبی از سقوط رژیم شاه و برقراری جمهوری اسلامی در ایران استقبال نموده و خواهان

طالقانی: متاسفانه همه سنگینی [امور بر] گردن شورا [ی انقلاب] است؛ همه‌اش تصویب لایحه و غیره است. وضع ما طوری است که جنبه جهانی دارد. همه کشورها با ما ارتباط دارند، مرتب وفد^۱ می‌آید. این مسائل برای پیشبرد هدف انقلابی است که بدون در نظر گرفتن روابط بین‌المللی و وجود دولت قوی عملی نیست و این کارها ما را از مسائل اساسی که درباره جمهوریت اسلامی است و پیشبرد هدف، باز می‌دارد یا بسیار قابل ضربه می‌شود. پیشنهاد می‌کنم آقایان به مسائل روابط بین‌المللی که در راس مسائل است، توجه کنند؛ [خصوصاً] مسئله لیبی.

مطهری: تلافی کردن در مسئله لیبی و قطع رابطه با مصر^۲.

همکاری با تهران بودند، اما مقامات ایرانی نسبت به نیت طرف لیبیایی تردید داشتند. عبدالسلام جلود، نخست‌وزیر و از چهره‌های برجسته حکومت لیبی در اردیبهشت 58 به تهران آمد و اگرچه اختلالی در طول سفرش انجام شد، اما موفق به دیدار امام خمینی نیز گردید. جلود در سخنانی به صورت رسمی ابراز داشت: امام موسی صدر ترور شده است و این ترور به دست صهیونیستها و استعمارگران صورت پذیرفته است (کیهان، 1358/2/15، ص 8). علاوه بر این مدیر تبلیغات خارجی لیبی در سفر خود به تهران این امکان را مطرح کرد که بریگادهای سرخ، امام صدر را ربوده‌اند. وی گفت مقامات لیبیایی مدارکی را در تأیید ورود امام موسی صدر به رم ایتالیا در اختیار خبرنگاران ایرانی گذاشته‌اند. او همچنین پرسید وقتی پلیس ایتالیا قادر به یافتن نخست‌وزیر پیشین خودشان نباشد، چطور می‌تواند از جان امام موسی صدر محافظت کند؟ این سخنان در حالی بود که سفیر ایتالیا با تکذیب این ادعاها تأکید کرد امام صدر هرگز پایش به ایتالیا نرسیده است. از سوی دیگر، داماد صدر مدعی شد قذافی برای یک معامله سیاسی، صدر را نگه داشته است (اطلاعات، 1358/2/16، ص 8). با تمام این حرف و حدیث‌ها، روابط ایران و لیبی برقرار گردید. لیبی در طول جنگ تحمیلی، در کنار سوریه و الجزایر، یکی از سه متحد ایران در میان اعراب بود. اما معمای امام موسی صدر هنوز پس از گذشت بیش از چهل سال، حل نشده باقی مانده و خبری از سرنوشت وی در دست نیست.

1. مراد از وفد، هیأت‌هایی است که از جانب کشورها برای تبریک پیروزی انقلاب به تهران می‌آمدند.

2. روابط ایران با مصر پس از انقلاب اسلامی تیره شد. نخستین دلیل این امر، استقبال گرم انور سادات رئیس جمهور مصر از شاه پس از خروج وی از کشور بود. دلیل دوم نیز انعقاد پیمان کم‌دیوید میان مصر و اسرائیل با میانجی‌گری کارتر، رئیس جمهور وقت امریکا بود. در واکنش به این پیمان، امام خمینی، قرارداد مصر و اسرائیل را خیانت به اسلام برشمرد. همچنین به صورت موقت، سفارت مصر در تهران در روزهای ابتدایی سال 1358 اشغال شد (کیهان، 1358/1/6، ص 4 و 2). گفته شده بود که این حرکت توسط گروهی از دانشجویان عرب مقیم ایران ترتیب داده شده بود، با این وجود این اشغال با دخالت وزارت خارجه به سرعت به پایان رسید (کیهان، 1358/1/7، ص 2). علی‌رغم این تحولات، مصر جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت (اطلاعات، 1358/1/15، ص 8). با این وجود، در اردیبهشت‌ماه 58 به دستور امام خمینی، رابطه ایران با مصر قطع گردید. امام دلیل این قطع رابطه را اطاعت بی‌چون‌وچرای دولت مصر از امریکا و صهیونیسم اعلام کرد. مجاهدین خلق از نخستین گروه‌هایی بود که با ستایش قطع رابطه ایران و مصر، آن را حرکتی در راستای پیوند خلق‌های ایران و فلسطین ارزیابی نمود (کیهان، 1358/2/12، ص 2 و 3). متعاقب این تصمیم، سادات بار دیگر به صورت رسمی شاه را به مصر دعوت کرد (کیهان، 1358/2/15، ص 1) تا از این طریق

طالقانی: لیبی‌ها که آمدند، مسئله آقا موسی [صدر]^۱ مطرح شد. پریروز [عبدالسلام] جلود آمد، در فرودگاه رفتار اهانت‌آمیز شد؛ رفتند پیش آقا. اجمالاً راجع به آقا موسی صحبت شد. اصرار دارند راجع به ایران، می‌خواستند انقلاب ایران را کمک کنند. عرب‌ها همه با هم ناسازگار هستند. ایشان می‌خواهند مرکزیت باشد، همه را آشتی بدهد. می‌خواهند سفارت باز کنند. در سطح عمومی [اگر] دست خالی برگردد، وسیله برای تبلیغات مخالفین داخل و خارج خواهد شد. پیشنهاد من این است؛ نمی‌دانم نظر آقا چیست. اگر به فرض سفارت باز نشود، تا آقا موسی وضعیت روشن نشده [...].

هاشمی: پریروز رفته‌اند یکی از مجاهدین [خلق] را بازداشت کرده‌اند؛ با یک افسر روسی قرار ملاقات داشته. بازجویی شده؛ اسنادی [به] دست آورده‌اند، [شامل] لیست خواسته‌های مجاهدین [مانند] میکروفن مخفی و... لیستی هم خواسته‌های آنها [است]. افسر روسی را رها کرده‌اند. مسعود رجوی رفته [به] ملاقات آقای هادوی. دولت در جریان است. صباغیان رفته بود با سپاه پاسداران مذاکراتی کرده بود.^۲

مطهری: در این قضیه شورا مستقیم دخالت کند.

بنی صدر: ...

خامنه‌ای از طرف شورا معین شد که برای رسیدگی به اسناد سازمان امنیت با تعیین دو نفر دیگر برود.

خامنه‌ای: سفارت لیبی به آقا موسی مربوط نشود، دست ما باز می‌شود. هیات مشترک برود بررسی کند. ایجاد رابطه [با لیبی] چیز خوبی است.

موسوی: روابط سیاسی با لیبی از چند بُعد است [:] یکی آقا موسی است که کم‌اهمیت‌تر است. مسئله مهم، کشوری است، باید دید با ایجاد رابطه چه نفع و چه ضرر [دارد؟] نفع که دارد. [درباره] ضررش بعضی‌ها می‌گویند

مقابله به مثلی با حرکت ایران کرده باشد. شاه چند ماه بعد، پس از مدت‌ها سرگردانی بار دیگر به مصر رفت و نهایتاً در همانجا درگذشت. مراسم تشییع وی با حضور سادات، نشان داد که رابطه ایران با مصر به سادگی برقرار نمی‌شود.

3. سید موسی صدر مشهور به امام موسی صدر (57-1307) روحانی و مجتهد شیعی و مؤسس مجلس اعلای شیعیان لبنان. وی در سفری که شهریور 57 به لیبی به دعوت رسمی معمر قذافی، رهبر لیبی داشت، به طرز مشکوکی ناپدید شد و هنوز پس از سال‌ها، گمانه‌زنی‌ها در مورد سرنوشت وی ادامه دارد.

1. این ماجرا مربوط به بازداشت محمدرضا سعادت از اعضای مجاهدین خلق است که به جرم جاسوسی برای شوروی بازداشت شد. در ادامه و مطابق با مذاکرات شورای انقلاب، این موضوع بررسی می‌شود.

[لیبی] جاسوس است. خطر از نظر مسئله جنوب لبنان است، مسئله بازی در سطح کشورهای عربی، نباید اسلحه بیاورد در خوزستان مشغول بازی شود. با آمدن او دستگاه جاسوسی می‌آورد. بدون مطالعه نباشد، می‌گویند کسی آمده [و] اسلحه آورده.

هاشمی: خود لیبی‌ها آمده‌اند و می‌گویند دست خالی برنگردیم. در سطح دفتر، فعلاً باز شود. اسنادی قوی، هیاتی برود مطالعاتی بکند، بعد که نتیجه روشن شد اجازه سفارت داده شود. چون آقای خمینی ملاقات کرده‌اند حاضر نیستند سفارت باشد. در مورد مسائل [مورد نظر] آقای موسوی به این دلیل نمی‌شود جلو کشور مسلمان را گرفت. از بقیه که کم‌تر نیست. [در] عراق، لبنان، خود فلسطین، عربستان سعودی، [در] خود آن کشورها هست، جاسوس امریکا نیست. در رابطه آقا موسی که برای ما مسئله است، تا هیات نفرستاده‌ایم دفتر موقت باشد بعد ...

مطهری: [در مورد] ایجاد رابطه با لیبی و قطع رابطه با مصر، [اگر] دو تا با هم باشد [به] مصلحت نیست. رابطه با مصر حداقل باشد [در سطح] کاردار بماند. [در مورد قذافی] پرونده آقا موسی به‌عنوان اینکه پرونده صدر مفتوح است. رابطه انقلاب اسلامی ایران با کشورهای عربی [:] اگر انقلاب پیام دارد که باید در کشورهای اسلامی پیاده شود، مخصوصاً که لیبی متهم است بدعت‌هایی آورده. ایران شیعه رابطه‌اش حسنه با لیبی باشد، وضع شیعه لبنان بهتر خواهد بود. ایجاد رابطه [با لیبی]، تدریجی باشد، [و] مقارن با قطع رابطه با مصر نباشد. پرونده صدر [هم] مفتوح [بماند].

سحابی: [درخصوص] حرف آقایان [برای] تایید روابط دیپلماتیک، باید دید خصومت با ما دارد یا نه [؟] علیه شاه اقدام کرده [؟] لیبی از طرف امریکا و غرب مورد حمله است که چرا به جنبش آزادی‌بخش کمک می‌کند، به ایرلند کمک می‌کند. اینها از طرف ما محکوم نیست. نه فقط خوب، بلکه واجب است. رفقای ما [مانند] دکتر چمران می‌گویند [قذافی] نوکر امریکاست. به نظرم تاخیر شده. تحریک در داخل همه کشورهای دیگر می‌کند، خود فلسطینی‌ها می‌آورند. تصویب شود روابط برقرار شود. [در این صورت] برای [مسئله] آقا موسی دست ما بازتر می‌شود. دلیل ندارد دفتر باز کنیم.

قطب‌زاده: [در مورد] روابط باید به واقعیت رسید. اصل روشن شود. سیاست مبنی بر منافع و مصالح مردم مسلمان [در پیش گرفته شود]. نقش مشکل آقا موسی به‌عنوان شخصی، در عین حال که خیلی متاثر باشیم، نمی‌تواند جلو انگیزه اساسی را بگیرد. اگر طرح هم می‌شود، روی اصل دیگری است. [به دلیل] ضد استعماری بودن لیبی، مخالفت دنیای غرب با او پیچیده‌تر است. [لیبی] به فیلیپین کمک می‌کند، به حبشه هم کمک می‌کند، بر اساس

منافع لیبی است. مسئله ماجراجویی لیبی در دنیای عرب است، تمام کشورهای شرقی عرب با آن مخالفند. الجزایر گفته برای تثبیت وضع داخلی خود با ایران نزدیک می‌شود. ماجراجویی سیاسی است، روال خاص سیاسی منظم ندارد. در مورد مذهبی بودن، [قذافی] نماز می‌خواند، بدعت‌هایی دارد، علمایی را دستگیر کرده، ولی اینها اصل و اساس روابط سیاسی نیست. منافع و مصالح مردم مسلمان [در این است که] روابط با لیبی برقرار شود. [برای] مسئله شیعیان لبنان، در مورد آقا موسی، استقرار فلسطینی‌ها [برقراری رابطه با لیبی اهمیت دارد].

سحابی: در این سیاست، سوریه هم دخالت دارد.

خامنه‌ای: همه گفته‌ها قابل مناقشه است.

قطب‌زاده: تا آقا موسی بود، استقرار این کار نمی‌شد. اگر ایشان از بین رفته، اصل قضیه سر جایش هست. نباید [مسئله] شیعیان جنوب لبنان از بین برود. دقت بیشتر شود. دنیای عرب به واسطه پول، خود را نماینده اسلام [معرفی] کرده، [و] تمام مشکلات داخلی خود را به‌عنوان مشکلات داخلی اسلام طرح کرده. ایران هم پول داشته است، آمریکا بوده. [با] قطع رابطه با مصر مخالفم. فقط آوردن سفیر. پیام نهضت اسلامی [را] به دنیا بدهیم. باید از پیروی سیاست اعراب خودداری شود. اتخاذ سیاست مستقل حتی در مقابل دنیای عرب طرح است. [به] آنچه از قبل ایجاد شده، کاری نداریم. چون مسئله جنوب لبنان طرح است، دفتر و سپس سفارت روشن شود، آن وقت. در مجموع آنها تلاش می‌کنند ما را در خط سیاست عربی بکشند. باید سیاست اسلامی باشد، نه اعراب. اینجا مرکز سیاست اسلام بشود. اعراب منفعت می‌کنند چون پول داریم.

بهشتی: به آقای هادوی گفتم مسئله در جمع مطرح شود، ولی ایشان کار داشتند. مطلب اضافه بر آنچه گفتید ندارم.

شیبانی: برقراری [روابط با لیبی] در حد کاردار، پس از حل مسئله آقا موسی سفارت [تاسیس شود].

بنی‌صدر: همه موافقند روابط برقرار شود. ترتیب آن بحث است. برچه اساس رابطه برقرار شد [؟] سیاست مستقل بر اساس واقعیت منطقه باشد، خود ما هم بر آن اساس. مصر را هم اگر سیاستش غلط است، واکنش مستقل [نشان داده] شود. [در] مسئله آقا موسی [جنبه] شخصی‌اش مطرح نیست. سیاست کلی مطرح است. در اعلامیه کلی گنج‌انیده شود.

موسوی: چرا [این مسئله] طرح شد [؟] آمدن اینها به ایران و اصرار آنها سبب شده مسئله به فوریت مطرح شود.
[به] نفع خودشان می‌دانند [که] رابطه با ایران باشد. [اما] نفع ما هم هست یا نه [؟]

هاشمی: تحقیق [در مورد سرنوشت] آقا موسی مطرح بود.

موسوی: لیبی سیاست بین‌المللی‌اش، سیاست ماجراجویانه است.

خامنه‌ای: حرف اصلی‌ام گفته شد و در مسائل سیاسی کار دو ابعاد است. اگر در آنگولا توافق کردند، دلیل توافق کامل نیست. در اریتره و حبشه هم شوروی و هم اسرائیل دخالت دارد.

مطهری: جامع مشترک ضد اسلامی بودن است.

قطب‌زاده: رابطه با لیبی [را] به‌عنوان رابطه با حکومت اسلامی نگذاریم.

سحابی: صحبت بود، من به همین دلیل که ایران رسالت جهانی در کشورهای اسلامی دارد. چطور می‌شود در لیبی نفوذ کرد [؟] ایران صلاحیت دارد [که] نقش‌پدیری برای کشورهای عربی داشته باشد.

قطب‌زاده: تمام حرف‌های مرا تکرار می‌کند.

سحابی: سوریه مگر خیلی مسلمان است [؟]

بهشتی: [در مورد لیبی] مسئله آقا موسی را باید موضع گرفت و نظر داد. یکی عواطف ایران و [دیگری] مسائل روحانیت و خانواده او در رابطه با شیعه لبنان [است]. آقای جلود می‌گفت لجنه مشترک ایران و لیبی [در این زمینه] تحقیق کند؛ اما تاکید می‌کرد اسناد و مدارک است که [صدر] از لیبی رفته، در گذرنامه او ویزای ورود به ایتالیا هست. درباره ایجاد دفتر سفارت یا هر چیز، خطر به وجود آمدن لانه جاسوسی شوروی یا امریکا [وجود دارد].

بنی‌صدر: لانه خودشان ندارند.

بهشتی: با پوشش اسلامی یک نفر برود سفارت بلغارستان حساسیت است، ولی اینجا حساسیت نیست. جلود پس از بحث آقا موسی جمله‌ای گفت [که] شما احتیاج دارید با ما رابطه داشته باشید برای به ثمر رساندن انقلاب خودتان، نه ما. مسئله انعکاس جهانی رابطه است، یکی [در] داخل، یکی [در سطح] جهانی. اگر قرار است با مصر قطع رابطه شود، در قضیه فلسطین این مسئله مطرح نشود.

مطهری: در مسئله سیاست مستقل و قطع رابطه، دولتی خیانت به ملت خود می‌کند. اینجا درست است، سادات خیانت کرده، علی‌رغم خواست مصر درست است، ولی آقا می‌شود از ملت آنها قهر کرد [؟] تمام ملت مصر تصمیم گرفته [با اسرائیل] رابطه برقرار کند [؟]

قطب‌زاده: ایران باید مرکز کشورهای اسلامی در مجموع باشد که عرب‌ها جزئی از آن باشند و تنها و تنها ایران است. اصل دوم اگر قرار باشد سیاست مستقل اصل است، حتی دشمن ما هم بهتر است رابطه داشته باشند. نه حالا، دو هفته دیگر سفیر از مصر خواسته شود و در سطح کاردار باشد، در دو مرحله. با لیبی موافقم اصل رابطه تصویب شود دو مرحله باشد: 1) کاردار فرستادن، هیات تحقیق در مورد آقا موسی، نماینده شیعیان لبنان می‌آیند. در اعلامیه برقراری روابط بیاید با توجه به این وضع روشن شود برای شیعیان لبنان و برای دنیا که نسبت به [این] مسئله نظر داریم. کنفرانس کشورهای اسلامی در ایران تشکیل شود زودتر. روابط [در سطح] کاردار با لیبی تا نتیجه تعیین سرنوشت امام موسی صدر، حمایت کامل مشترک از حقوق مردم جنوب لبنان در برابر تجاوز صهیونیسم و امپریالیسم، 2) و دفاع از حقوق خلق مردم محروم فلسطین [صورت گیرد].

به اتفاق آراء تصویب شد.

[موضوع: سطح مشارکت ایران در کنفرانس کشورهای اسلامی در مراکش:]

مهندس بازرگان: مطلبی [را] دکتر یزدی گفت در مورد شرکت ایران در کنفرانس کشورهای اسلامی در مراکش. در این کنفرانس قضیه حمله همه جانبه علیه مصر استفاده کند [و] ایران بپیوندد علیه مصر در سطح وزرای خارجه. قطب‌زاده: اگر قرار شود با هر کشور مخالفم مخالفت با رئیس آن باشد [و] نرویم، نمی‌شود. دو کار بشود، اگر نخواهیم داخل موضع‌گیری بشویم قاعدتاً وزیر خارجه نرود. یک نماینده برود در حدی که تشکیل کنفرانس [مورد] قبول [ماست]. [اما] در سطح تصمیم‌گیری وزیر خارجه نیست.

مطهری: آنچه در دستور است نوشته‌اند یا استنباط است [؟]

مهندس بازرگان: تا حال صحبت بوده، کیفیت آن هم شاید باشد. اساسش این است تصمیم عمده، جبهه متشکل علیه مصر است.

مطهری: اگر سلسله روابط خارجه با کشورهای اسلامی باشد، وزیر خارجه باشد یا نه [؟]

خامنه‌ای: تردید دکتر یزدی [به خاطر] مهمان‌دار بودن شاه [مراکش]^۱ است. شرکت بکنیم، شاه را هم مطرح می‌کنیم. [در] اولین دیدار با سران جهان اسلام، ژست انقلابی نشان بدهیم. اگر هیات خوب باشد، پیام انقلاب اسلام را ببرند، در روحیه مردم مراکش موثر است.

شیبانی: بروند. وزیر خارجه برود، فیلم جنایت شاه را بدهند...

بنی‌صدر: کنفرانس، [محل] جبهه‌گیری علیه ما بود. آقا چندین بار اعتراض به کنفرانس داشتند. اینها نمایندگان کشورهای اسلامی نیستند. عربها تابع عربیسم و غیرعربها تابع ملت خود نیستند. اگر ما خود را جزء آنها بدانیم، برداشت خوبی نیست. مخالف شرکت [در کنفرانس] هستم.

هاشمی: دوستان نزدیک ناصر^۲ مثل قذافی و عرفات هم شرکت می‌کنند. فعلاً اینطور نیست. ما باید حرف بزنیم، خودمان را معرفی کنیم. [در خصوص] مسائل جاری، [مانند] محاکمات [و] دفاع از انقلاب [موضع بگیریم].

مطهری: برای ایران که انقلاب اسلامی کرده، آنها را تحریم کند درست نیست. این ژست را ایران نباید بگیرد.

مهندس بازرگان: بطور کلی روحیه کلیه نمایندگان و روسا و غیره [در] این مدت [نشان می‌دهد که] خیلی دل‌شان می‌خواهد خودشان را به ایران بچسبانند. [به] شریف مکه موتمر اسلامی گفتم خوشحالم زمانی کاروان حج که می‌رفت، مامور پاسپورت می‌گفت ایرانی‌ها جاسوس اسرائیل [هستند]. جلود منهای حرفهایش [که] بازخواست می‌کرد، دو مطلب جالب بود؛ [می‌گفت] ما در [میان] ممالک مسلمان [و] اعراب، از همه به شما نزدیک‌تر هستیم، مدت‌ها در حکومت قاطی بودیم. همانطور که شیعه مترقی است، به واسطه نیمه شیعه بودن آن کار را کردیم، شما خودتان نمی‌فهمید انقلاب چه وسعت دارد. آنجا همه آماده‌اند احساساتشان را نسبت به انقلاب اسلامی ایران ابراز کنند. در کنفرانس اوپک هم گفتند چه تحسین و تمجید و تایید فوق‌العاده است. نرفتن [به] آنجا درست نیست.

1. سلطان حسن دوم (99-1929) پادشاه مراکش در فاصله سال‌های 1961 تا 1999. وی پس از فرار شاه از کشور برای مدتی، وی را پذیرفت و از این رو روابط ایران با این کشور تیره بود.

1. جمال عبدالناصر حسین (70-1918) رئیس‌جمهور مصر در فاصله سال‌های 1956 تا 1970. از ابتکارات وی، ملی‌کردن کانال سوئز، ایجاد جمهوری عربی متحده میان مصر و سوریه و حامی مبارزه با اسرائیل بود. ناصر شدیداً حامی عرب‌گرایی و نیز سوسیالیسم بود.

باید حسابی برود. در واقع علاقه آنها به جنبه اسلامی و ایران، باید با رفتن ایران جنبه ضد ناصر و غیره از بین برود.

مطهری: فرصتی است که انقلاب ایران معرفی شود. خود بنی صدر هم برود.

طالقانی: [بنی صدر] کنفرانس را به هم می‌زند. [باید] وزیر و دولت تحت نفوذ آقای خمینی [و] نماینده از طرف ایشان باشد [و در] سطح بالاتر از نماینده نظارت کند.

تصویب شد.

مطهری: نماینده از طرف شخص آقای خمینی، نماینده از طرف شورا و نماینده از طرف دولت، چند نفر هر کدام با خود ببرند ریاست هیات با ...

[موضوع: مسائل دولت موقت:]

مهندس بازرگان: تهاجم و توطئه علیه دولت انقلاب از طرف شاه و سیا و غیره زیاد بود؛ چه بدنام کردن اعضاء، بیکاری کارگران، مگر اینکه پائین‌ها درجه‌داران نیرو هوایی دانشکده افسری، هجوم همه‌جانبه است. خواسته‌اند پائین‌ها به لحاظ حقوق و مزایا صددرصد مساوی با بالایی‌ها باشد. در انتخابات و انتصابات آنها تعیین‌کننده باشند. در فرماندهی و امور عملیات، آنها نظرشان [دخیل] باشد. نامه‌هایی است به نام افسران آزاد برای افسران و غیره فرستاده‌اند. یک ماه قبل، پول‌های زیادی در اختیار آنهاست و آنها را می‌خرند. یک مورد پریروز آقای قطب‌زاده گفت، قبلاً مهندس طاهری راجع به آذربایجان گفته بود اجتماعات از کارگران اسماً بیکار تشکیل می‌شود، فریاد می‌کنند سه هزار نفر از کوره‌پزخانه، سندیکای کارگران که مراجعه می‌کند، عده کمی مراجعه می‌کنند کار بگیرند. قضیه اینطور حل شده، محرکین را گرفته‌اند، روزی 120 تومان داده می‌شود، احتیاج به کار ندارند. در آذربایجان کارهای راه‌سازی راه افتاده با بی‌میلی، کار نمی‌کنند. سفیر بلغارستان گزارش داده، سفارت عراق اعلامیه پخش کرده. در دو مورد، یک جا افسران آزاد فشار آورده‌اند به دولت که کار عمرانی بکنند. دستجاتی است [که] دیروز از طرف آل‌شیر آمده‌اند. پنج‌شنبه قرار بود بیایند، گفتند ما رفتیم نخست‌وزیری [اما] ما را راه ندادند. بهانه سنی و شیعه یا به طریق مختلف روزنامه‌های غیردولتی و از جمله کارهایی رسیده، شوخی و تعارف نمی‌شود... که عمل علیه ... جزئی از آن باشد. کمیسیون امنیتی وزرا، وزیر دفاع، وزیر کشور، معاون امور انقلاب و فروهر، نظر

آنها این بود یک قسمت از این کار مربوط به توقیف و تیرباران باشد، عده‌ای در سرتاسر تحویل دادگاه انقلاب شد. آنها که در دادگستری آبادان متحصن شده‌اند به نام تاسیس دفتر حزب فدائیان خلق؛ دسته مسلمان‌ها ریخته‌اند آنها را بیرون کنند، هم اسلحه داشته‌اند، هم اوراق و مدارک. هیچ‌کدام عرب و اهل آبادان و اهواز نبوده‌اند. به دادگستری داده‌اند [و آن هم] تحویل دادگاه انقلاب داد. اینجا مواردی است که دادگاه انقلاب جدی و قاطعانه عمل کند. به این بیش‌تر باید اهمیت داد. از دست کمیته‌های مختلف بیرون بیاید. دادگاه انقلاب واقعاً دقیق و صریح و قاطعانه عمل کند. مفسد فی الارض اینها هستند. همه‌اش نمی‌شود از دادگاه انقلاب و کمیته‌ها خواست؛ بیش‌تر [مربوط به] دولت و نیروهای انتظامی است. دادگستری اقدام کند، مواردی که سابق ضد امنیت بود، ضد انقلاب باشد.

شیبانی: سریع و با شدت عمل جلوی آنها گرفته شود. [این کار توام با] تبلیغ باشد که مردم روشن شوند.

موسوی: خوب شد شما آمدید. یکی اینکه به اینها کمک می‌کند نحوه کوتاه آمدن دولت در تبلیغات. نطق ماقبل آخر آقای مهندس یک کمی دلیل پیشرفت مملکت بود. صحبت‌های رادیو تلویزیون موجب وحشت می‌شود. یک دسته آن را حمل بر صفا می‌کنند. اگر صلاح می‌دانید، مقداری خشونت، گاهی قوی صحبت کردن، این کار را اگر صلاح می‌دانید اقدام کنید.

مطهری: همین بیان امروز را با نطق و خطابه بیان کنند.

موسوی: در روز یک‌بار تکیه روی قوت دولت بشود. شخصاً خودم به آقای صدر احترام قائل هستم، [اما] وزیر کشور در آن محل مهره مناسب نیست؛ امروز و فردا می‌کند. همه مربوط به وزیر کشور است. [باید] آدم قاطع [و] برآ باشد. سوم، پاسداران انقلاب تنها چیزی [است] که شما و ما و انقلاب به آن چشم بسته. ارتش هم به آن وضع گرفتار شود، امید ما به پاسداران است. سعی شود جان بگیرند [تا] اگر ارتش بازی درآورد، جایش باشد.

مهدوی: گزارش و پیشنهاد گروه‌های مختلف. حتی از مجاهدین کارهای ضد انقلاب دیده شده. یک مثال، در یک چاپخانه، کتابی چاپ می‌شود، کتابی علیه دکتر شریعتی که شریعتی معتقد به معاد نبوده. اجازه دادستان نبود، بعد کشف شد و کتاب گرفته شد و آنها که چاپ می‌کنند [دستگیر شدند]. پریشب نزدیک مسجد جلیلی سه پاسدار را گرفتند و چشم بسته بردند [که] مربوط به مجاهدین بود. آقا مرتضی تلفن کرد با بی‌سیم، گفتم بعد از ده دقیقه، بی‌سیم گفت منتفی شد، ولی بی‌سیم مخالفین بود. مرکز مجاهدین در بنیاد است. صبح آزاد کردند، در مرکز مجاهدین بودند. مردمان مسلمان را خلع سلاح کردند، ارتش را سلاح دادند. احتمال چریک فدایی هست، حملاتی

شد به کمیته‌ها، در عین اینکه بعضی کارهای خلاف می‌کردند در مراقبت با این اوضاع، چه در سطح خود ارتش، در فرودگاه بودند، در ژاندارمری بودند، در شهربانی بیرون کردند. قسمتی از آنها صالح بودند، در سطح شهر فعالیت‌هایی داشتند، رفت‌وآمدهای مشکوک را جلو می‌گرفتند. خانه دادستان کل انقلاب تلفن ندارد. [زندان] قصر هم ساعت 9 گوشی را کسی بر نمی‌دارد. افرادی که هادوی گذاشته، سطح اطلاع آنها کم است. در خانه‌ها و بانک‌ها افراد متخلف توطئه می‌کنند.

بهشتی: نگرانی ما هم هست، تنها دستگاه ضدجاسوسی که نتواند ضد انقلاب عمل کند. کمیته‌ها وسیع است. می‌ترسیم زمینه ضد انقلاب آماده شود.

مهندس سبحانی: دولت اقدام قاطع می‌کند. در مورد تبلیغات نداریم. وزیر کشور بیاید مقداری اسناد و مدارک را عرضه کند. [درباره] گروه 41 نفری آبادان، فدائی‌ها تکذیب کردند! من مطمئنم روی مردم اثر دارد. وقتی امیرانتظام می‌گوید، حرف او را قبول ندارند؛ اسناد را بگوید و نشان بدهد.

مهندس بازرگان: مطلب را به صورت استمداد گفتم. بیش‌تر علاقه‌ام این بود دادگاه انقلاب برخلاف گذشته، صریحاً و قهراً و شدیداً از دادگاه بخواهند در این زمینه قاطع و دقیق و موثر باشد. مطالب دیگر همه‌اش درست و به جا. این مطلب که در مورد احتیاج است، قطعی بکنند. توجه روی گذشته نرود. مسئله اساسی برنامه مبارزه با ضد انقلاب است.

بهشتی: حرفی نیست. می‌گویم نوشتن لازم نیست.

مهندس سبحانی: خود اعضای دولت آنقدر گرفتاری دارند که بیش از این نه از صدر ساخته است، نه از دکتر سبحانی [و] نه دیگران. تبلیغات به معنی دفاع و ارائه مطلب باشد. در تاریخ اردیبهشت، 106 کارگاه وزارت راه، راه افتاده و 62 میلیارد تومان بودجه آن است. نصف بودجه در گذشته خرج شده، 132 میلیون داده‌اند. این شاهراه‌های اصلی است. ملت هم نود درصد مملکت روی حساب مطبوعات و تبلیغات آزاد می‌آید. دو درصد نیست، دستگاه رادیو تلویزیون هم صد درصد دست آنها بود. آنطور که باید و شاید نمی‌تواند کار بکند. روزنامه دولتی باید روی آن کار بشود. من هم که گهگاه صحبت می‌کنم، خانم من... همه نامه‌ها و تلگراف استقبال و

1. متعاقب دستگیری 41 چریک در آبادان، سازمان چریک‌های فدایی خلق، با رد اتهامات به آنان، آنها را زندانی سیاسی رژیم سابق معرفی کرد (کیهان، 1358/2/10، ص 3).

تشکر بود. در محیط انقلاب، اعتراض است و ایراد؛ برای اینکه با مردم می‌خواهم صحبت کنم. اثر صداقت وقتی است [که] مثبت و منفی را باید گفت. اساس انقلاب روی کمیته‌ها و پاسداران است. جلسه روزهای یکشنبه عصر است، سیاست تبلیغاتی دولت روشن می‌شود. حالا که کسی نیست مقالات بنویسد بی‌رودربایستی در رادیو اخبار و افراد دربیاید، اخبار واقعی را بگوید تا قلب نشود.

بهشتی: روزنامه انقلاب اسلامی^۱ و جمهوری اسلامی^۲ [به زودی] می‌آید.

مهندس سبحانی: مسئله تبلیغات درست است. در رادیو تلویزیون گفته شود. مقاله‌ای درست شده برای رادیو تلویزیون.

بهشتی: [در خصوص] کشاندن مردم سوی تجزیه‌طلبی تذکر داده شود.

مهندس سبحانی: پاسداران باید خیلی متحرک و موثر باشند. آقای هاشمی [در سپاه] وضع بهتری داده‌اند. با آقای مهدوی قرار شد جلسه هماهنگی باشد.

بهشتی: چهل میلیون تومان [بودجه درخواستی کمیته] را نداده‌اند. نصف کرده‌اند.

مهندس بازرگان: خودتان مُصر بودید، آقایان بودجه بدهند، علی‌الحساب نباشد، قبلاً بیست میلیون تومان خواسته بودند، چون دستگاه راه بیافتد، بیست میلیون قبلاً تصویب شد، چهل میلیون بعد. وضع پولی دولت و مملکت خراب است. معین‌فر تلفن می‌کرد، جلسه مخصوص از وزراء در سازمان برنامه باشد [تا] وضع را بگویند. پول سیل نیست، همه روی آورده‌اند. هشت سال قبل زمین داشته یا یکی را بازنشسته کرده‌اند. دعاوی علیه ذوب‌آهن ظاهراً روی نقشه است.

مهدوی: به همه کارمند و ارتش و غیره پول می‌دهند. فکری کنید از راهی.

مهندس بازرگان: بودجه‌ای تهیه شود.

بهشتی: [برای] بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، یکی از طرف شورا [انتخاب شود].

1. روزنامه انقلاب اسلامی، وابسته به ابوالحسن بنی‌صدر بود و به خصوص در دوران ریاست جمهوری وی، نقش فعالی در تحولات سیاسی آن دوره ایفا کرد.

2. روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان رسمی حزب جمهوری اسلامی بود که از خرداد 1358 انتشارش آغاز گردید.

شیبانی: یکی از طرف دولت [و] یکی از طرف روحانیت باشد.

مهندس بازرگان: روی نقشه باشد که خلاف اصول شهرسازی نباشد. راجع به آقای صدر، همه ما خیلی پایین‌تر از آنکه این شغل در شرایط امروز هستیم. مسئله فوری این است، برای صدر بیش از دیگران دلم می‌سوزد. صدر می‌خواهد خلاص شود. صدر جای مبشری [در وزارت دادگستری]، صباغیان جای صدر [در وزارت کشور بیاید]، یک وزیر سیار که حل و فصل کند مسائل را.

بهشتی: تحقیق شود [که] قانون اساسی ناقص [و] تحریف شده از کجا به دست کیهان رسیده [؟]¹

بنی صدر: دکتر سحابی گفت وزارت کشور داده.

بهشتی: مسئله: شورا چیزی به جراید بدهد [که] آنچه داده می‌شود طرح قانون اساسی نیست.

مهندس بازرگان: مهندس سحابی گردن پدرش [دکتر سحابی] بگذارد، بیاید در تلویزیون و نظر بدهد که چرا اظهار نظر نمی‌شود (مهندس سحابی). دکتر یزدی خواهش کرد سفیر یا وزیر یا افرادی اگر به نظرشان می‌آید، بگویند.

هاشمی: یزدی با وجودی که رفته وزارت خارجه، سپاه را تحریک می‌کند. پادگان سعدآباد را گرفته‌اند.

مهدوی: خلیج را هم تلفن کرده‌اند که اینها از آنجا بروند.

هاشمی: کارهای ایذائی است.

مهدوی: کاخ‌ها که می‌گویند مربوط به دولت است، حل شود.

طالقانی: مطلبی راجع به سندج بود که ایشان گفتند پول نداریم. سه هفته قبل، شش میلیون حواله کردند. مقداری پول، من در اختیارشان گذاشتم، گفتند پول کم آمده، گفتم از دکتر یونسی بگیرند. او گفته است پول نرسیده. اگر نباشد، قول بدهیم باید عمل شود. طرح‌های داخل کردستان. یکی آخوندها، آقای خمینی گفته رسیدگی شود.

1. روز هشتم اردیبهشت 58، روزنامه کیهان تیتراژ اصلی خود را به "متن پیشنهادی قانون اساسی جدید" اختصاص داد. در این طرح آمده بود که امور عمومی در شوراها حل و فصل می‌شود؛ تظاهرات مباح و حکومت نظامی به هر عنوان ممنوع است؛ در هر استان گارد ملی جمهوری تشکیل می‌شود و ملی‌شدن صنایع سنگین و ادغام بانک‌ها در یک سازمان زیر نظر دولت پیش‌بینی شده است (کیهان، 1358/2/8، ص 5).

بهشتی: از اوقاف بدهند [برای] طرح‌ها، صد میلیون برای کردستان و صد میلیون برای بلوچستان تعیین شود.

طالقانی: دو نوبت از سندج است. راجع به کسر بودجه از مردم بگیرند.

مهندس بازرگان: چهار میلیون تومان تازه از کردستان آمده بودید، چک به نام صدر دارم [که] ظهنویسی برای یونسی کرد. وقتی تعهد می‌کنند ما مطلع شویم.



جلسه پنجشنبه 1358/2/13

(روز بعد از ترور مطهری است^۱. دوستان برای شرکت در تشییع رفته‌اند. جلسه فوق‌العاده یک ساعته برای لایحه مهندس کتیرائی بود که او هم نیامد)

[حاضران:]: خامنه‌ای، مهدوی [کنی]، سحابی، شبیبانی، باهنر، هاشمی [رفسنجانی].

(آقای بهشتی منتظر ماشین با مراقب مسلح بودند، نیامده‌اند).

نوشته‌ای [را] که از طرف شورا راجع به آقای مطهری، آقای دکتر باهنر نوشته بودند، خوانده شد.

به دولت ابلاغ شود که در تعیین فرمانداران و مامورین وزارت کشور و غیره، قوانین قبلی که ملزم می‌کرد فقط کارمندان قبلی را انتخاب کنند، لازم‌الاجرا نیست.

1. یازدهم اردیبهشت 1358، آیت‌الله مرتضی مطهری از اعضای اولیه شورای انقلاب هنگام خروج منزل دکتر یدالله سحابی به ضرب گلوله به شهادت رسید. گروه فرقان مسئولیت این حمله تروریستی را برعهده گرفت. دولت به این مناسبت تعطیل و عزای عمومی اعلام کرد. امام خمینی با اظهار تأسف شدید از فقدان مطهری، ابراز داشت: فرزند عزیزی را که پاره تنم بود، از دست دادم. گروه‌های مختلف سیاسی مانند مجاهدین خلق، حزب توده، جبهه دموکراتیک ملی ایران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب جمهوری اسلامی و... این حادثه را به شدت محکوم کردند. یدالله سحابی در تشریح این حادثه گفت: مطهری پس از جدایی از دوستانش در خانه ما ترور شد. وی افزود: مطهری رئیس شورای انقلاب نبود، اما شاید عضو این شورا بوده باشد (کیهان، 1358/2/12).

برای دستگیری عاملان ترور مطهری، گروه ضربت ضد ترور تشکیل شد. کیهان از قول شخصی ناشناس و وابسته به گروه فرقان نقل کرد: قتل مطهری اولین قدم در راه استحکام بخشیدن به ایده‌های گروه فرقان بوده و ابراهیم یزدی، قطب‌زاده، هادوی، و امیرانتظام افراد بعدی هستند که به دلیل عضویت‌شان در شورای انقلاب نشانه گرفته می‌شوند. شورای انقلاب در واکنش به ترور عضو ارشد خود در پیامی اعلام کرد با کمال قدرت برای به ثمر رسیدن انقلاب خواهد کوشید (کیهان، 1358/2/15، ص 2 و 3). امام خمینی در تلاش برای ایجاد آرامش پس از ترور، خطاب به دشمنان گفت: بکشید ما را، از مرگ نمی‌ترسیم؛ این عجز شماس است که در سیاهی شب متفکران ما را می‌کُشد و شما اگر منطق داشتید دست به ترور نمی‌زدید. وی افزود: با ترور شخصیت‌های بزرگ ما، اسلام تأیید می‌شود (اطلاعات، 1358/2/15، ص 12). بعدها شبکه ترور مطهری کشف شد و عوامل گروه فرقان در این رابطه بازداشت شدند. اگرچه ترور قرنی و هاشمی رفسنجانی نیز به اذعان فرقان توسط آنها صورت گرفته بود، اما با این وجود منابع امنیتی اعلام کردند سوءقصد به هاشمی و ترور قرنی ارتباطی با ترور مطهری ندارد (اطلاعات، 1358/3/21، ص 2). قاتل آیت‌الله مطهری در مرداد ماه 58 خود را معرفی و اذعان کرد برای انجام این ترور از دو نفر، پنجاه هزار تومان دریافت کرده بود (کیهان، 1358/5/18، ص 3).

در مورد رفتن آقای طالقانی و احمد آقا [خمینی] به کنفرانس مراکش از طرف آقا [امام]



جلسه یکشنبه 1358/2/16

[حاضران: خامنه‌ای، موسوی [اردبیلی]، مسعودی، شبیانی، هاشمی [رفسنجانی]، سحابی، باهنر، بهشتی.

شبیانی: استعفای هویدا، اساسنامه بنیاد مستضعفان، شورای بنیاد، بازرسی زندان.

بهشتی: معتمد اراک معرفی شود.

موسوی: این مطالب مطرح نشود. فعلاً آن یک نفر [معتمد اراک] را معین کنید.

تایید شد.

[موضوع: اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:]

هاشمی: [در] اساسنامه پاسداران، آقای مهندس بازرگان اصلاحاتی کرده‌اند.

بهشتی: استعفای هویدا فعلاً عقب بیافتد. چهارشنبه قرار است برویم زندان.

مهندس سحابی: تمام تصمیمات آنجا به هم خورده و نشده و تا چهارشنبه دیر است و [کار آنجا] لنگ است.

هادوی دخالت می‌کند. دکتر مبشری هم گفت. نقیبه می‌گوید مردم (قطب‌زاده آمد). با بنی صدر رفتیم، لیستی از

مشکلات [را] گفتند، دیروز این خبرها شنیده شد، شاهنده را قبول ندارند، لاهیجی ...

بهشتی: اساسنامه پاسداران مهم‌تر است.

هاشمی: [تنظیم اساسنامه پاسداران] با مشورت و کمک دولت بود، گفته‌اند با رعایت نظریات دولت.

بهشتی: ملزم به رعایت نیستیم، با در نظر گرفتن یا با توجه به نظریات دولت.

مهندس سحابی: با رعایت مصالح.

بهشتی: اصلاح کنید با توجه به نظریات دولت.

سحابی: [با توجه به] مصالح باشد، بهتر است.

بهشتی: تشخیص مصالح با کیست [؟] با توجه باشد.

هاشمی: من با دید قبلی که داشتم، دولت منبعث امام است [مهدوی آمد]، بعد هم منبعث از مجلس.

بهشتی: قضیه بودجه و محل [تامین آن] است [که] باید حل شود. لق کردن کمیته‌ها سبب این وضع شده، ترور مطهری به علت ضعف این کمیته‌هاست.

سحابی: اصول را قبول کنیم، اشخاص مطرح نباشد.

بهشتی: این دولت به حکم اضطرار مورد قبول آقا و ماست.

سحابی: [وزارت] صنایع و معادن، افرادی [را] در کارخانه‌ها می‌فرستد، دخالت می‌کند و در کارخانه درست است، ولی اجرایش کُند است. دولت اقتدار لازم دارد؛ اگر نداشته باشد کاری نمی‌تواند انجام دهد. این دولت، شورا و آقای خمینی همه یک هدف دارند. ضربه به هر کدام ضربه به انقلاب است.

بهشتی: تقویت دولت در این است که در امور پاسا دخالت نکند. فعالیت کمیته‌ها سبب نظم است، در حالی که دولت به امید شهربانی و ژاندارمری بود.

هاشمی: اگر شورا بخواهد در امور پاسا جدی باشد، در دولت هم می‌تواند دخالت کند. افراد مزاحم را می‌شود برداشت.

خامنه‌ای: تغییر یک کلمه آسان است. حرفها صریح باشد. حرف مهندس سحابی را هم قبول داریم.

سحابی: [سپاه] شورای فرماندهی دارد.

موسوی: من توجه را بهتر می‌دانم، ولی تغییر آن را لازم نمی‌دانم.

هاشمی: با مذاکراتی که شد [آنها را] حالی کردم که پاسا مزاحم دولت نیست. همکاری با دولت در امر انتظامی به جای کمک به اجرای امور انتظامی.

بهشتی: گفتند می‌خواهید پاسا را خراب کنید.

هاشمی: در اهواز چهارصد نفر سپاه جوانمردان است که غیر از این است.

بهشتی: نفی دخالت در امر انتظامی مملکت است.

سحابی: مسئولیت اصلی انتظامات با کیست [؟]

بهشتی: [با] شهربانی.

خامنه‌ای: معنی [آن] این است [که] طرح عملیات با شهربانی [است]؛ ولی پاسا تصور می‌کند لازم است دخالت کند.

موسوی: همکاری صریح‌تر است.

قطب‌زاده: همکاری با دولت در حفظ و اجرای امور انتظامی.

هاشمی: در داخل کشور با نیروهای اخلاک‌گر. ایشان گفتند در مرز ارتش نباشد که انحصار می‌آورد. اشکالی ندارد.

بهشتی: برای محدود کردن کار پاسا بود.

هاشمی: ضمن اینکه دموکراتیزه باشد، ساخت سپاه می‌تواند مبتنی بر اصل عدم تمرکز باشد، ولی با حفظ فرماندهی مرکزی و رعایت اجرای اصول و خط مشی کلی که از طرف... اشکالی ندارد، صلاحیت شورای فرماندهی را شورا بپذیرد. نماینده دولت مورد بحث نباشد.

بهشتی: در دنیا معمول است، سفیر را ما تایید می‌کنیم.

هاشمی: تایید فرماندهی سپاه از طرف دولت هم لازم است. مسئولین سمت پیشنهادی هر واحد لازم است به تصویب واحد بالاتر برسد.

قطب‌زاده: ما هم این نظر را داشته‌ایم.

بهشتی: خوب است عبارت روشن باشد.

هاشمی: مومن به انقلاب اسلامی باشد، مومن به اسلامی بودن انقلاب و جمهوری اسلامی باشد.

بهشتی: درست نیست؛ کسی ممکن است مومن به اسلامی بودن باشد، [اما] خودش اسلامی نباشد.

هاشمی: در ماده 9 نوشته شود بودجه سپاه برابر موازین و مقررات دولت و پس از تصویب قوه مقننه (شورای انقلاب یا مجلس) در اختیار سپاه گذاشته می‌شود.

بهشتی: مقررات دولتی بودجه بهتر است.

هاشمی: عمر سپاه. چمران عقیده داشت سپاه باید باشد برای همیشه، مهدوی می گوید تا برقراری نظم (طالقانی، بنی صدر آمدند).

[موضوع: ادامه بحث درباره اساسنامه سپاه با تمرکز بر مسئله چگونگی برخورد با چپ‌ها:]

مهندس سبحانی: [در مورد] شرایط انتخاب افراد: ضدکمونیست، ضدامپریالیست، ضدصهیونیست، آن دفعه حرفی نبود. ولی با جو فعلی ضدکمونیست و ... تحلیل شود، صهیونیسم و امپریالیسم یکی است.

بهشتی: نژادپرستی صهیونیسم هم مطرح است.

طالقانی: کمونیسم را به عنوان فکر برای عده‌ای مجاز دانستیم. مخالفت ما با اخلال آنهاست. ولی اگر سپاه ضد کمونیست باشد، سپاه اقدام به کمونیست‌کشی می‌کند. دلم برای کمونیسم نمی‌سوزد، بلکه مظلوم‌نما شده و به نفع آنها می‌شود. ما را به سوی فاشیسم می‌کشاند. بنویسیم ضد سوسیال امپریالیسم.

بهشتی: مارکسیسم اسلامی از نظر شاه بهانه بود. از نظر دوستان، طرز اندیشه‌ای به نام التقاطی که اسلام را با کمونیسم درهم می‌آمیزد [و] وجه اجتماعی و اقتصادی آن را یک مسلمان می‌پذیرد. نظر این است [که] مسلمانی نباشد که بگوید التقاط اینها ممکن است. بین وجه اسلام [و] وجه اقتصادی، اجتماعی کمونیسم تفاوت است.

خامنه‌ای: ما غیرکمونیست هستیم، نه ضد آن. ما هم موافق بودیم صهیونیسم جزء امپریالیسم است. برای جلوگیری از کمونیست‌کشی که شامل افراد مسلمان واقع هم نشود، فعالیت فرهنگی آنها با فرصت‌طلبی تمام کارهای ما را تخطئه می‌کرد. در لبنان وارد کارهای عملی نمی‌شدند، فقط حرف می‌زدند. گرایش ضدکمونیستی قوی لازم است. من فاجعه کمونیست‌کشی را فراموش نمی‌کنم (مثل اندونزی و غیره).

بنی صدر: التقاط در وجه فلسفی هم باید باشد تا وارد مسائل اقتصادی، اجتماعی باشد، این ضد سه چیز مسلمان واقعی ممکن است نباشد و این فاشیسم است. دشمنی که مطهری را کشته و می‌کشد. دشمن واقعی امریکاست. رفتار در مخالفت با سیاست آنها نیست. جامعه می‌بیند [که] شعار ضدامریکایی نیست، شعار ضد کمونیست هست، اینطور توجیه می‌کند که چون جواب حرفهای آنها را نداریم باید ایجاد تعصب کنیم. مدیر بانک می‌گوید جایی

هم به شما می‌دهم (به پولدار). سیاست دولت در حفظ نظام سابق است. ضد درست کردن [موجب] به وجود آمدن دستگاه دستگاه زور می‌شود. شاه سابق بود، حالا می‌شود تیمسار پاکستانی. یا با بحث آنها را قانع کنیم و اگر نشد جنگ [کنیم]. باید کار کنیم، شورایی داریم مستضعف‌تر از خود دولت. کار را به قصد ریا می‌کنیم. دادگاه انقلاب بماند بهتر است. جامعه را روی خط ضد نیاندازیم. همین آخوندیسم که مطرح است، عملاً حضور رژیم سابق را توجیه می‌کند.

سحابی: بحث مهم است.

هاشمی: اکثر حرف‌های شما (بنی‌صدر) را حرف دارم. علت آمدن این کلمه [ضد کمونیست اینست که] داوطلب زیاد است. فرقانی ممکن است بیاید، مجاهدین می‌خواهند عضو بشوند، هسته گروه میثمی مجاهدین که با هادوی کار می‌کنند. عضو گروه فرقان [را] بپذیریم یا نه، چون قبلاً ضد التقاطی بود و این کلمه ناظر به مجاهدین بود، عرض کردیم اگر بناست جلوگیری شود از این هر دو [جلوگیری شود].

بهشتی: افکار خالص اسلامی که هیچگونه نقش افکار دیگر نباشد [مطلوب است].

قطب‌زاده: به‌عنوان مسلمان هیچ یک از افکار امپریالیستی، صهیونیستی و کمونیستی را نپذیرد.

بهشتی: منظور ما این نبود، به جای التقاطی بود؛ [باید] بدل بهتر پیدا کنیم. مومن به اسلام خالص بدون هیچ آمیزه غیراسلامی از مکتب‌های دیگر، بدون هیچ‌گونه رنگ غیر اسلامی و رنگ مارکسیستی، بدون هیچ‌گونه گرایش غیر اسلامی به ویژه گرایش مارکسیستی.

مهندس سحابی: چرا از آمریکا که آقای ...

بهشتی: بدون هیچ‌گونه گرایش غیر اسلامی به ویژه لیبرالیستی و مارکسیستی.

طالقانی: در [بین] پاسداران کمیته‌ها افراد نمازخوان مقدس هست که عضو ساواک است.

مهندس سحابی: در اسلام، اندیشه‌ها و تفکرات مختلف بوده، ولی از خود ما بوده. مجال زندگی بدهیم [به] افکاری که محصول شرایط تاریخی ایران نبوده [مثل] اندیشه‌های وارداتی.

طالقانی: ارمنی و زرتشتی.

قطب‌زاده: در این نهضت، ارمنی‌ها بیش‌تر تمایل هستند تا زمان مصدق.

بهشتی: داشتن بینش اسلامی خالص بدون هیچگونه گرایش به اندیشه های غیر اسلامی وارداتی از قبیل لیبرالیسم، مارکسیسم و موضع خودم [اینست که] جامعه اسلامی ما خود به خود مخالف عقیدتی و فکری مارکسیسم است، ولی این مخالفت را در جوّ آزاد ابراز می کند و به مخالف هم مجال ابراز می دهد (2) مبارزه برای کوبیدن، خیانت و دوز و کلک بازی است (3) معتقدم گرفتار اداره مملکت هستیم. آنها که آماده ضدیت با آن هستند، مجال نوشتن و سازندگی نمی دهند در این برهه اگر احساسات مردم برای جلوگیری از نفوذ مارکسیسم ایجاد شود (4) منظور مارکسیست کُشی نیست. بدانند که خیانت آنها احساسات ملت را تحریک می کند، اگر در جوّ جنگی و وحشت نباشد، کار نمی شود کرد، هم ساواکی و هم مارکسیست خائن باید بترسد.

مهندس سبحانی: [1] التقاطی بودن اندیشه را باید با اندیشه جواب داد. می خواهیم به اسلام خالص برسیم. اگر التقاطی بودن معیار باشد، جای سوء استفاده باز می شود. [2] در مورد خودمان شاهدیم [که] ما ضد کمونیست نیستیم، غیر کمونیست هستیم. ما با مارکسیسم ضد نیستیم. آنها می گویند جامعه بی طبقه، ما می گوئیم [به آن] نمی توانید برسید.

خامنه ای: همین کمونیسم و مجموعه است.

مهندس سبحانی: (3) مردم را باید احساسات را برانگیزانیم، بعد کنترل کنیم. ولی کنترل آن مقدور نیست و ما مسئول هستیم. (4) رویه برخورد با کمونیسم، ما را در موضع ضعیف قرار داده. ما خیلی حرف داریم. با مشت گره کردن، این قدرت ما کم می شود. در دانشگاه جوّ اختناق به وجود آمده. هیستری^۱ جمعیت اینطور شده.

هاشمی: در حرف بنی صدر ایرادات زیاد بود. آقا [امام] کوبیدن کمونیسم را تایید می کند؛ این خواست مردم بود. مسئله الان هیستری جمع نیست، وجدان جامعه است که خوب تشخیص می دهد کمونیست ها نقش منطقی ندارند. مبارزه موزیانه است. در مورد [ماجرای دستگیری فرزندان] آقای طالقانی چقدر سوء استفاده کردند. مسئله منطق که گفتید شما دوتا، در کتاب ها گفته شده، بعد اقتصادی فلسفی دیالکتیک، دیالکتیک [عبدالکریم] سروش^۲، کتاب مهندس بازرگان^۳، بررسی مارکسیسم^۴ فارسی بعد تاریخ را کوبیده.

1. هیجان شدید

2. منظور، کتاب "نقدی و درآمدی بر تضاد دیالکتیکی"، نوشته عبدالکریم سروش است.

3. منظور، کتاب "علمی بودن مارکسیسم" است.

4. منظور، کتاب "درس هایی از مارکسیسم"، نوشته جلال الدین فارسی است.

مهندس سبحایی: وقتی مسئله زور آمد، آنها را می‌ماله.

هاشمی: در مبارزه با احساسات کار می‌کردیم، ولی کنترل مردم را می‌کنیم. [در] قضیه تلویزیون، عده‌ای می‌خواستند تلویزیون را اشغال کنند. 500 نفر اگر مراجعه کردند، 450 نفر می‌گویند حرف ما را زدید.

بنی صدر: [اینکه] مردم خودشان بودند [را] قبول ندارم. شما کنترل مردم را نمی‌کنید. مطهری سه بار با من صحبت کرد [که در آن] اظهار بیم از تسلط امریکا بود.

هاشمی: شما نشنیدید؛ علیه امپریالیسم، کمونیسم، صهیونیسم بود.

بنی صدر: من توی شعارها بوده‌ام. با احساسات شش نوع شایعه هست [درباره] خمینی، قطب‌زاده، یزدی، راجع به خودم. بگویند فدائی خلق 10 توطئه کرده، 15 بار شایعه پراکنده و ... می‌شود آنها را لو داد، [اما] انتقام‌گیری کور نباشد. در خوزستان، پایگاه وحدتی گفتند ربیعی چهار حرف زده، آقای قره‌باغی از هایزرها دستور گرفته [که] خمینی می‌آید، طرفدارانش اعلامیه بدهند شما را آمریکا آورده و اینها را آمریکا مجازات کرده که به حرف او گوش نداده‌اند. منزوی کردن کمونیسم و عوامل آمریکا لازم است [اما] شیوه کار با تحریک درست نیست. کتاب فارسی [در مورد مارکسیسم] هر صفحه آن ده [نکته] بی‌ربط نوشته یا مثل مکارم¹.

قطب‌زاده: [اگر] در تمام دنیا نهضت‌ها را بررسی کنیم، در مخالفت با دولت انقلابی، عناصر و رژیم سابق یا مارکسیست‌ها، خصوصاً اگر اقلیت ناچیز باشند و قدرت نداشته باشند، دم خود را با آنها گره می‌زنند، در اعمال مشترک شرکت می‌کنند و جامعه را تحریک می‌کنند. در اینجا درست همان حالت است. عناصر رژیم سابق به راحتی از طریق مارکسیست‌ها عمل می‌کنند و آنها هم این فرصت‌طلبی را داشته‌اند که از عناصر رژیم سابق استفاده کنند برای به هم زدن نظم. ضربات اولیه را مارکسیست‌ها زدند در سنندج و گنبد و در خوزستان. بعداً عناصر رژیم که متشکل شد، دقیقاً ضربه را از طریق کمونیست‌ها می‌زند. شایعه‌پراکنی را هرچه با منطق جواب بدهی، باز ایجاد می‌کند. بازار شایعه‌پراکنی به نحوی است که هیچ امنیت برای هیچ انسانی نگذاشته‌اند. در درجه

1. ژنرال رابرت ارنست هایزر (1924-97) ژنرال چهارستاره نیروی هوایی امریکا که در آستانه پیروزی انقلاب در دی‌ماه 57 به‌عنوان فرستاده ویژه نظامی کارتر به تهران آمد و در مدت یک ماه اقامت خود در ایران، بنا به ادعاهای مطرح شده، نقش مهمی در بی‌طرفی ارتش و پرهیز آن از انجام کودتای نظامی ایفا کرد.

2. ناصر مکارم شیرازی (متولد 1305) از روحانیون انقلابی، نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی. وی در زمینه نقد مارکسیسم، کتاب "بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم" را نوشته بود.

اول مارکسیست‌ها متخصص هستند؛ در درجه دوم ساواکی. مردم را نگه داشتن در یک جو انقلابی و مبارزه با ساواکی‌ها و مارکسیست‌ها لازم است. سخنرانی هاشمی را [در مراسم بزرگداشت مطهری] بسیار پسندیدم. اگر اضافه می‌شد [که] عناصر رژیم سابق هم بودند، بهتر بود. در منطق و استدلال، ما نجابت به کار می‌بریم [و] حالت انفعالی داریم. باید دنبال حرفهای آنها برویم [و] تکذیب کنیم.

بنی‌صدر: از رادیو تلویزیون برای کوبیدن آنها اقدام کنیم.

قطب‌زاده: رادیو تلویزیون را می‌گویند کسانی برای بیدار کردن وجدان عمومی و کوبیدن دو طرف و عملاً پیوست دادن این دو طرف و یکی دانستن آن.

باهنز: مسئله منطقی، فلسفی و بحث تحلیل تاریخ مطرح نیست. تحلیل اجتماعی نیست. آنچه دیده می‌شود، توطئه، تحریک و خیانت است. منطقی نیست، توطئه است. افشاگری [لازم است]. اما نوبت آن رسیده است رودرو شویم و افشا کنیم، استناد کنیم و غیره.

خامنه‌ای: احساسات برانگیخته‌تر می‌شود.

باهنز: موج احساسات شدید می‌شود و آرام آرام مردم روشن می‌شوند. اینطور نیست. احساسات برانگیخته می‌شود. موقع آن است [که] از راههای گوناگون در مقابل همه عناصر خائن مقاومت شود. [به] پیوند این مسئله با ساواک و دستگاههای جاسوسی دیگر هم توجه شود.

بهشتی: فکر می‌کنم شما وجدان اجتماعی را بیش‌تر شناسایی کنید. مقایسه می‌کنید شرایط ما را با انقلاب مصدق که قیاس مع الفارق است. مردم ما در این انقلاب از نظر آگاهی و شعور سیاسی خیلی بالا آمده‌اند. [با] یک مقدار کمی افشاگری نقش فدائی [خلق] در سنج و گنبد و جای دیگر، واکنش مردم مرگ بر فدائی بوده. به دنبال افشاگری طالقانی، مرگ بر فدائی بلند شد. مسئله در شورا تصمیم گرفته شود [که] آیا مصلحت سیاسی و رهبری کشور موقع افشاگری مستند بصورت گسترده فرا رسیده [؟].

بنی‌صدر: شما که در دادگاه انقلاب، اسناد را خفه می‌کنید، سیاست امریکا در پرده فراموشی است.

خامنه‌ای: باید دوطرفه باشد.

طالقانی: اگر بحث ادامه پیدا کند با مسائل روز به جایی نمی‌رسیم. طرح اصولی دارم. راجع به شورا هرچه زمان می‌گذرد، باز سنگینی‌اش بیش‌تر روی جمع یا افراد شورا است. این شورا در زمانی بود که هنوز رژیم [شاه] کمال قدرت را داشت و برای رابط آقا و مردم شدن بود. کم‌تر توجه داریم، این شورا با این شکل نه می‌تواند مردم را اقناع کند و تبلیغات که هست، همه کارها دست آخوندهاست، به دیگران مجال نمی‌دهد که علیه آقا می‌شود. کمونیست‌ها از این نقطه استفاده می‌کنند. آقایان اسم‌نویسی کنند، افراد، شخصیت‌ها، گروه‌های اسلامی چه کسانی باشند، دعوت بشوند، شورای مرکزی باشد، دارای شعبه‌هایی باشد، بررسی مسائل سیاسی [و] اقتصادی [در آن صورت گیرد]. فکری نمی‌رسیم [که] مقابله با کمونیسم چگونه باشد، مثل اینکه تمام نقطه نظر متوجه یک گوشه شده، خطر امپریالیسم هست، صهیونیسم هست، ساواکی هست. خود این خطر است که تمام نیرو متوجه یک جا بشود. یک کمیته از شورا باشد، مخصوصاً روی کمونیسم کار کند، نه روی افکار؛ حتی آقای خمینی تا چه حد حمله شود، بعد بهره‌برداری شود که کمونیسم، امپریالیسم، که شاه و دستگاه [سلطنت پهلوی] نماینده آن بود هیچ، نماینده‌ها باشند. وگرنه وقت می‌گیرد و من در می‌روم. سفیر انگلیس مرتب می‌خواهد بیاید. [باید تعیین شود که] مشی کلی چه باشد. سفیر روس می‌خواهد [بیاید]. سفیر کشورهای اسلامی. مسئله رباط!

هاشمی: از طرف آقا شما [مامور حضور در کنفرانس] شدید.

طالقانی: مسئله دولت و لویح، اگر پنجاه نفر [در شورا] باشیم، به علت گسترش [بار امور] کم می‌شود. در سر دوراهی است، شورای متشکل و قاطع از گروه‌های هماهنگ، در مسائل کلی، ادامه نهضت با این صورت برای من اتلاف وقت است. اگر اصل مطلب تصویب است، اشخاص را اسم ببرید و شور شود [تا] دعوت به شورا شوند. کار دیگر جای مستقر که امنیت آن محفوظ باشد، شعبه‌های فرعی شب و روز مشغول کار باشند، نصف روز وقت بگذرانیم.

بهشتی: بحث روی درست بودن حرف هاشمی نبود، تلف وقت نبود.

طالقانی: جزء حرف را نگیرید، شما که رئیس هستید، خط مشی که وضع مرا هم روشن کند بگویند. سرمایه‌داری مانده، رئیس بانک اعلام می‌کند برگردید. تمام اموال محکومان یا غارت شده، یا چند تا پاسدار هست [که] درباری می‌کند. ثروت‌های اطلاعاتی، مخبراتی، مسائل شوراهاست، باید پیاده شود. سکوت در مقابل مسئله حاد که مسئله اساسی مملکت است که سلاح را از دست کمونیست‌ها می‌گیرد [جایز نیست]. مردم اغلب مسلمان هستند؛ با

یک فتوا همه شورا را در اختیار دولت و رهبری می‌گذارد. هفته گذشته بحث شد اعلام شود شوراها شروع شود. فلان طلبه تحمیل شده بر خلاف میل مردم. این را آخوندیسم می‌گویند. این نقطه است که کمونیسم از آن استفاده می‌کند.

بهشتی: مطالب خودمان است.

باهنر: ما هم این را گفتیم.

طالقانی: شورا قوی‌تر [و] مقتدرتر حرفش را به دولت تحمیل کند. مجموع شورا اگر حرفی زد، آقای خمینی بپذیرد. وقتی ایشان در حد عصمت نیست، باید کمک فکری به ایشان بشود. خمینی حق دارد وزیر خارجه معین کند.

بهشتی: مسئله مبادی که مطرح شد، هیات دولتی تنظیم کنید، اگر بازرگان خواست برود، دولت باشد، ضعف شورا بررسی شود.

طالقانی: طرح من تقدم دارد.

موسوی: قدرت تصمیم‌گیری از شورا گرفته شده. صحبت مشکل بحث است. بحث راجع به موضع‌گیری مقابل کمونیست‌ها، توضیح روی شورا و مهم‌ترین مسئله عضویت شورا است. راجع به آوردن صورت‌ها که قرار بود مطرح شود، شوراها شهرستان‌ها مطرح شد. چهار نفر بگذارید آئین‌نامه درست شود. هرکدام از اینها الان مطرح است. رد نشویم. پیشنهاد می‌کنم هرکدام اولی می‌دانند، مطرح کنیم، نتیجه بگیریم، افراد تعیین شوند. خود شورا مقدم است. آقای طالقانی نظرشان این است.

خامنه‌ای: پیشنهاد من هم این است.

بنی‌صدر: عملی شد.

بهشتی: جمع‌بندی کلی راجع به بحث بشود.

موسوی: رای‌گیری شود.

بهشتی: بحث جمع‌بندی شود. برخورد سیاسی هم با امریکا، و هم با شوروی، هم با صهیونیسم باشد؛ یکطرفه نباشد، قبول. در مورد هاشمی، تلویزیون سخنرانی بگذارد، بحث قبلی را ترمیم بکند، موافقیم.

موسوی: عقب‌گرد نباشد. هاشمی مصاحبه کند.

طالقانی: برداشت من معین بود. باید بحث روی ریشه مسئله باشد. می‌شود افشاگری کرد، ولی طرز بحث، تمام را گردن کمونیست‌ها انداخت. مسئله اصلی عمداً یا سهواً فراموش شد.

بهشتی: سوم اینکه ما در عین اینکه مبارزه منطقی‌مان را با همه افکار الحادی باید تقویت کنیم. از زنده نگه داشتن احساسات مردم علیه گرایش الحادی نباید خودداری کرد.

بنی‌صدر: وجدان بیدار جامعه را علیه ...

بهشتی: وجدان بیدار مردم را که علیه الحاد و در قشر روشنفکر، علیه جامعه سیاسی مارکسیسم است، باید زنده نگه داریم.

مهندس سبحانی: وجدان را باید بیدار نگه داشت، ولی [باید] آگاهی داد. [درباره] افکار الحادی صحبت نیست.

بهشتی: همه را گفتم، افکار الحادی، نارسایی کلی در تحلیل سیاسی و اقتصادی.

تصویب شد.

[بهشتی: 4] افشاگری خیانت‌های گروه‌های مارکسیستی، نه مارکسیسم، در طول تاریخ ایران تا امروز. بیش‌تر امروز اگر بشود، هیجان علیه آنها بیش‌تر می‌شود. زمان برای افشاگری مناسب است یا نه [؟]

مهندس سبحانی: زمان هست، [اما به شکل] تبلیغاتی، نه مشت.

هاشمی: در تمام سخنرانی‌ها گفته شود. ما منطق داریم.

طالقانی: تمام مسائل صحیح. اگر یک گلوله بطرف کمونیست‌ها خارج شود، مملکت آتش زده می‌شود.

سحابی: دل‌مان برای آنها نمی‌سوزد.

خامنه‌ای: ممکن است گلوله را خودشان خالی کنند.

قطب‌زاده: هفته‌ای نیم ساعت تمام شایعات را جواب بدهیم.

موسوی: جریان آبادان که تحریف شد.

هاشمی: بعضی شایعات بُعد محدود دارد.

قطب‌زاده: عکس را نمی‌شود که تمام وجودش با ساواک همکار بوده، توده‌ای‌ها منتشر کردند^۱.

بهشتی: تصویب شد افشاگری، خلع سلاح واقعی مارکسیسم در ایران. شروع حرف با حل مشکلات مردم شود.

طالقانی: اتهام گرایش عمومی دولت را به غرب نفی کنیم. خردجو رئیس بانک توسعه صنعتی.

موسوی: اینهایی که در بانک هستند، نمی‌فهمند چرا ربا حرام است؛ آن روز که در مقابل بانک اسلامی ایستادند.

خامنه‌ای: خواب دیدم مهندس بازرگان و عده‌ای قصد مسافرت دارند؛ دکتر سبحانی جستجو می‌کند اطراف را

برای بمب یا چیزی دیگر. یکدفعه دیدم چیزی شبیه بمب [و] آن را پرتاب کردم برای خنثی کردن. مهندس

[بازرگان] گفت بدم خنثی کنم؛ مهندس تاخیر می‌کرد.

بهشتی: متمام، دو سه نفر از دوستان مراقبت کنند در افشاگری افراط نشود.

سحابی: دست قطب‌زاده ندهیم.

بنی‌صدر: اسناد را رسیدگی کنند. تهران‌مصور^۲ اقدامش گروهی است. اسناد از محلی است که مبارزه روانی می‌کند.

قطب‌زاده: با گسترش شورا، اعضای شورا را معین می‌کنیم؛ حداقل هر لجنه برای خودش اکیپ درست کند.

بهشتی: بنی‌صدر و مهندس سبحانی لجنه‌ای تشکیل دهند [و] معرفی کنند [که] کارش افشاگری در موقع مناسب

ضمن کنترل مدارک [باشد].

مهندس سبحانی: [این مسئولیت را نمی‌پذیرم] مگر اینکه [رسیدگی به امور] دادگاه و زندان از من انتزاع شود.

هاشمی: قطب‌زاده و بنی‌صدر [باشند].

۱. در این ایام، در یکی از نشریات، عکسی منتشر شد که ادعا شده بود مربوط به دیدار صادق قطب‌زاده با شاه در دوران دانشجویی وی می‌باشد. قطب‌زاده با تکذیب این ادعا گفته بود: این عکس من نیست و من در تمام عمرم شاه خائن را از فاصله صد متری هم ندیده‌ام (کیهان، 1358/2/16، ص 3).

۲. مجله‌ای با مطالب متنوع و مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هنری در هزار شماره و در قالب چهار دوره از سال ۱۳۰۸ تا سال ۱۳۶۰ منتشر شده‌است.

قطب‌زاده: سه نفری باشیم بهتر است.

بنی صدر: حکمی شورا بدهد، همه جا امکانات در اختیار باشد.

آقای موسوی، بنی صدر، قطب‌زاده، سحابی اگر آماده بود [مسئول این امر شدند].

قطب‌زاده: راجع به اسناد، مقداری دادشان بلند شد. اسناد یا خیلی وسواس با آن طرف هستند، اسناد 25 سال مملکت ما [را] یک بار داده‌اند دست سه چهار شش جوان که تازه از آمریکا [و] اروپا یا ایران آمده‌اند، بررسی می‌کنند.

خامنه‌ای: وضع فاجعه‌آمیزتر است.

سحابی: عبدالعلی^۱ با 200 نفر مشغول رسیدگی است.

خامنه‌ای: مقداری اسناد بیرون رفته، تعداد زیادی زیراکس شده. رفتن ساواک، [آنجا] نیست، [در] اداره دوم ارتش [است].

قطب‌زاده: تا شورا درست شود، از نوشته شروع کند، گروهی تشکیل بدهد برای این کار [تا] رسیدگی کند.

[موضوع: طرح شوراهای شهر و روستا:]

هاشمی: اداره طرح‌ها، اساسنامه شوراهای را بیاورد.

بهشتی: مهندس سحابی بیاورد.

مهندس سحابی: آنجا معلوم نیست باشد.

موسوی: آئین‌نامه شوراهای انقلابی نزد دکتر [سحابی] بود که متناسب دوره طاغوت است.

هاشمی: شما (طالقانی) [و] مهندس سحابی یک هفته رسیدگی کنید.

بهشتی: قرار شد مهندس سحابی طرح شوراهای را بیاورد در عرض یک هفته.

1. عبدالعلی بازرگان (متولد 1322) فرزند مهدی بازرگان و عضو نهضت آزادی.

[موضوع: تکمیل اعضای شورای انقلاب:]

خامنه‌ای: در مورد تکمیل [اعضای] شورای انقلاب، آیا کار ما تصویب قانون است، کار دوران استقرار، یا اینکه رهبری انقلاب، زمان را بشناسد، در مقاطع مناسب، کار مناسب پیشنهاد کند [؟] کاری که آقای خمینی یک تنه انجام می‌دهد. ما از آقا کم‌کارتر هستیم. ترکیب جمع شورا بالنسبه بد نیست. جمع ما متناسب با بنیاد خیریه که هفته‌ای دو سه بار باشیم، آنجا می‌رسیدیم، اینجا نمی‌رسیم. ده‌ها کار غیر از شورا داریم. تعداد افراد اصلی شورا تکمیل شود، افراد مناسب تهیه شود، دعوت کنیم هفت یا هشت نفر دعوت شوند. مسائل اقتصادی همه‌اش به گردن دولت گذاشته نشود. روش‌های سیاسی، جهت‌گیری آن، شعارهای مناسب طرح کردن بر کمیسیون حق دارد، تعداد افراد انتخاب کند با تصویب شورا (1) تعداد تکمیل شود، (2) کارهای مهم شورا تقسیم‌بندی شود، (3) تعداد جلسات بیشتر شود.

بهشتی: پیشنهاد داشتند آقای طالقانی [تا] نظر خودمان را بگوییم.

طالقانی: در همان زمینه.

بهشتی: طرح آقا این است [که] از گروه‌ها کسانی [برای عضویت در شورا] در نظر گرفته شوند.

طالقانی: نه تنها گروه‌ها، [بلکه] افراد صاحب‌نظر دعوت شوند؛ اگر صلاح شد از گروه‌ها [هم دعوت شود].

بهشتی: تا چند نفر شورا گسترش پیدا کند [؟]

طالقانی: افرادی اگر صلاح بود از 15 نفر بیشتر، یا از اینجا لجنه تشکیل شود، یا افراد ثابت باشند [و] خود افراد لجنه درست کنند. تکمیل اعضای شورا.

بنی صدر: چه ترکیب داشته باشد شورا [؟]

طالقانی: اساسنامه عوض شود.

بهشتی: عدد مطرح نیست. [مسئله این است که] چه نیروهایی باید دعوت شود [؟]

طالقانی: کمونیست هیچ، [چون] گرایش مذهبی التقاطی دارند. بعضی آدم‌ها گرایش مذهبی ندارند، ولی خوب است. متأسفانه در مسلمانان متعبد، صاحب‌فکر کم است.

بهشتی: چه تخصص‌ها [یی] لازم است [؟]

موسوی: عدد را روشن کنیم.

قطب‌زاده: طرح اساسنامه حاضر است، زیرا کس شده، باهنر و سحابی درست کردند، جلو گذاشت، ماده به ماده آمد. آنچه موافقیم فهو المطلوب. کمبود [ها] اضافه شود. اساسنامه شورا نشان‌دهنده روال کار است.

بهشتی: فهمیدیم. یک عده صاحبان تخصص به شورا دعوت شوند.

قطب‌زاده: تعداد [اعضای] شورا محدودتر [باشد]، [اما تعداد اعضای] کمیسیون‌های وابسته زیادتر [باشد].

بنی‌صدر: باید مشخص شود چقدر وقت ما برای شوراست. ما برویم، کسانی بیایند که به شورا بپردازند. این شورا چه ترکیب از نظر موفقیت، چه تعداد [داشته باشد] [؟]

بهشتی: کارش [1] [بررسی لوایح دولت که کافی نیست، 2] ابتکار در عمل به مناسبت یا نیاز مرحله به مرحله انقلاب.

بنی‌صدر: در کار اجرایی دولت دخالت می‌کنیم.

بهشتی: عدد تا 15 تکمیل شود، اگر لازم شد اضافه کنیم. [در مورد] شرایط افراد، اینها حدود الزام عقیدتی و عملی‌شان به اسلام چه باشد.

موسوی: گرایش اسلامی، نه ایمان اسلامی، و به انقلاب و نظام اسلامی خیلی خوب باشد. افرادی داریم که تدین آنها قوی نیست، [اما] صادق هستند.

سحابی: [به‌عنوان] شورا داعیه رهبری انقلاب را برای زن قائل هستیم، صلاحیت رهبر که خودش قائل [است]. دوم پذیرش جامعه؛ مشروعیت رهبری این بود که آقا تایید می‌کرد. برای اینکه رهبری کامل باشد، باید در جامعه پذیرش داشته باشد. جامعه یک دست نیست. کمونیست نیست. کمونیست‌ها کنار عناصر دیگری هستند که در جنبش نقش داشتند. الان هم نقشی در تعیین افکار عمومی دارند. لاقلاً در روشنفکرها، اگر در شورا نباشند و مشارکت نداشته باشند، برای اقدامات شورا ارزش قائل نیستند و به رهبری شورا وفادار نیستند. شورا نمونه کامل

باشد. پیشنهاد این است [که] در شورا ترکیب طوری باشد [که] گروه‌های اسلامی مختلف، نقش یا حضور داشته باشند. شورا یکدست است.

بهشتی: فقط موضوع مطرح شده [بحث شود]؛ بحث [این] نیست [که] چه گروهی باشد.

سحابی: نیروی اسلامی که می‌گویم، همان نظر شماسست. درکش از اسلام بایستی فرق داشته باشد، اخلاص داشته باشد.

موسوی: اینجا بحث است که اسلام او مورد قبول باشد.

بهشتی: طالقانی گفتند احتیاج به پیروی اخلاق خمینی داریم. عملاً پابند اسلام نباشد، ولی ضد آن نباشد.

مهندس سحابی: می‌تواند وارد شود، انقلابی بودن، مدافع اسلام بودن [شرط است].

موسوی: متجاهر به فسق نیاید. [اگر] نماز نمی‌خواند [و] مردم می‌دانند، نیاید.

سحابی: نیروهای اسلامی در شورا باشد، نماز می‌خواند و متجاهر به فسق نیست، همان متجاهر به فسق نباشد.

پیمان، [کاظم] سامی، مجاهدین، احمدزاده^۲.

بنی صدر: ضابطه اخلاقی، اساسی باشد. اگر کسی اخلاق اسلامی ندارد و اعمالش قابل توجیه نیست، [در شورا] نباشد.

باهنز: شورا چه می‌خواهد بکند [؟] رهبری خلاق. مسئله رهبری نهضت پربار پرکار است. شورا بکوشد تا رهبر

باشد. افراد مومن به انقلاب اسلامی [که] نفوذ و طرز فکرشان نشان دهند نقش رهبری داشته‌اند، در لجنه‌ها باشند.

به اتفاق آراء تصویب شد.

بهشتی: شرط دوم [عضویت در شورا]، چهره انقلابی داشتن، که جامعه قبول داشته باشد.

تصویب شد.

1. حبیب‌الله پیمان (متولد 1314) رهبر جنبش مسلمانان مبارز. وی در مقطعی به عضویت شورای انقلاب درآمد.

2. طاهر احمدزاده (96-1300) از چهره‌های ملی-مذهبی، از اعضای کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد، اولین استاندار خراسان پس از انقلاب. فرزند او، مسعود احمدزاده، از مؤسسان سازمان چریک‌های فدایی خلق بود.

بهشتی: سوم، بینش اسلامی او مورد قبول رهبری نهضت باشد.

خامنه‌ای: ولو آنکه ما توضیح بدهیم.

بهشتی: [با توجه به] وجهه عمومی اسلامی نهضت، برداشت عمومی او از اسلام مورد مخالفت اکثریت نباشد.

طالقانی: کسی باشد که [اگر] اکثریت [او را] قبول نداشته باشد، بپذیریم و [پذیرش ما] سبب پذیرش اکثریت شود.

بهشتی: این پذیرش مورد قبول است، بالفعل یا بالقوه، مردم [باید] بپذیرند.

تصویب شد.

بهشتی: قبول آقای خمینی که هست.

طالقانی: عضویت گروه بودن، شرط است یا نه [؟]

تصویب شد که مورد پذیرش عمومی باشد.

مهدوی: در انقلاب، افکار عمومی خام باید تثبیت شود و آراء عمومی تبعیت شود یا باید اصلاح شود.

بهشتی: فرق است با فرد انقلابی و رهبری جامعه.

مهدوی: خودش قابلیت داشته باشد یا ابتکار انقلابی، جامعه او را می‌پذیرد.

قطب‌زاده: حالا اگر کسی بیاید از اول، وقت ما صرف دفاع از او نشود.

بهشتی: ارتباط با گروه‌ها، یکی به‌عنوان نماینده گروه مورد قبول نیست.

بنی‌صدر: معرف گروه باشد، معرف گرایش.

بهشتی: عضویت گروه مزاحم نیست، معرف گرایش خاص باشد.

بنی‌صدر: کسانی باشند که معروفیت داشته باشند. لازم نیست خود گروه معرفی کند. ما بیاوریم که معرف باشد.

اگر نماینده اکثریت هست و کافی است، نماینده اقلیت هم باشد.

مهدوی: می‌خواهیم نظریات متضاد را مطرح کنیم.

مهندس سحابی: من هم اینطور.

موسوی: واقعیت عینی روشن شود، بحث کلی فایده ندارد.

سحابی: اصل بحث شود، روشن شود.

بهشتی: اگر افرادی باشند [و] اعتراضی جامعه بکند به شرکت آنها و عده‌ای دیگر را جذب به انقلاب کنند، مفید است.

تصویب شد.

طالقانی: کسانی هستند که عده‌ای اطرافشان هست، بلاواسطه افراد دیگر جذب می‌شوند.

بنی صدر: نیروهای زنده دیگری در جامعه هست. چقدر سنی هست [؟]

سحابی: هفت میلیون نفر.

بنی صدر: من کم‌تر خیال می‌کنم [که این تعداد باشند].

تصویب شد.

خامنه‌ای: مسئله سنی حرف درست [است]. شرکت یک زن، اگر کسی واجد همه شرایط بود. سنی اولی است، با توجه به شرایط، اولویت دانشجوی، کارگر، زن.

هاشمی: زن نه؛ نمی‌شود شوخی کرد.

مهدوی: حق تقدم با متخصص باشد.

باهنر: شورا می‌خواهد رهبر باشد. کسی که گذشته‌اش، نقش و هنرش را نشان داده، می‌تواند نقش رهبری داشته باشد و نفوذ اجتماعی داشته باشد، سابقه سازندگی، مدیریت، توانایی رهبری [داشته باشد].

بهشتی: یکی از کارهای شورا فرستادن افراد به جاهایی است [که] باید [در آن افراد] قدرت مدیریت و رهبری باشد.

تصویب شد.

طالقانی: لجنه‌ای منحصر برای اهل تسنن باشد.

موسوی: از قم منتظری، مشکینی^۱، آذری [قمی]؛ از سنی‌ها مفتی‌زاده، عبدالعزیز مولوی^۲، نقش‌بندی؛ از اعراب شبیر خاقانی، آل طاهر، صدوقی، دستغیب، محلاتی پدر، طاهری اصفهانی^۳، طبسی مشهدی^۴، مدنی از آذربایجان.

مهدوی: یک ملای بهتر از من بیاید، من می‌روم کنار.

موسوی: مهندس موسوی^۵، جلال‌الدین فارسی، دکتر [مصطفی] چمران، جواد منصوری.

بنی صدر: کارگر، دهقان، زن لازم است.

طالقانی: از گروه‌های مختلف، از کارگر باشد، از دانشگاه.

خامنه‌ای: شخصاً مخالفم از گروه‌های مختلف بیایند.

بهشتی: معیارهای مساوی اولویت [دارد].

بنی صدر: [مصطفی] میرسلیم.

بهشتی: بودن چند معمم حساب شده که هم تکیه روی معمم است. مطهری استاد دانشگاه بود، بنده و باهنر

فرهنگی [بودیم]. ایشان پزشک.

قطب‌زاده: خارجی.

بهشتی: هاشمی [و] طالقانی نویسنده هستند.

1. علی مشکینی (86-1300) عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نماینده امام خمینی در رسیدگی به اوضاع اردبیل، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی.

2. عبدالعزیز ملازاده (1295-1366) مفتی اهل سنت سیستان و بلوچستان، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی.

3. سید جلال‌الدین طاهری حسین‌آبادی مشهور به جلال‌الدین طاهری اصفهانی (92-1305) روحانی انقلابی، نماینده امام خمینی و امام جمعه اصفهان، نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی.

4. عباس واعظ‌طیبی (94-1314) روحانی انقلابی در مشهد، تولیت آستان قدس رضوی، نماینده امام خمینی در خراسان و عضو مجلس خبرگان قانون اساسی.

5. میرحسین موسوی‌خامنه (متولد 1320) عضو ارشد حزب جمهوری اسلامی، سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی، وزیر خارجه و نخست‌وزیر دوران جنگ. وی مدتی به عضویت شورای انقلاب درآمد.

بنی صدر: میرسلیم، دکتر پیمان، مریم اصلان دوست (دانشجو).

قطب‌زاده: خانم بانکی، آقای جلالی (مهندس جلالی)^۱.

بنی صدر: کارگر و پیشه‌ور ساده معرفی کنید، حاج صادق.

بهشتی: [حبیب الله] عسگراولادی^۲، محسن رفیق دوست.

خامنه‌ای: خانم [طاهره] صفارزاده^۳، خانم [زهرا] رهنورد^۴.

دکتر باهنر: پیمان را تایید می‌کنم.

سحابی: یکی از مجاهدین، مسعود رجوی، موسی خیابانی^۵، محمد سیدی کاشانی^۶، محمود احمدی^۷، پیمان، دکتر

[عبدالکریم] لاهیجی، نقیبی، دکتر علی صادقی.

خامنه‌ای: مهندس موسوی، خانم صفارزاده، پیمان.

موسوی: دکتر [غلامعلی] حدادعادل^۸.

سحابی: [حسن] حبیبی.

قطب‌زاده: صادق طباطبایی.

-
1. احمد جلالی (متولد 1327)، مدیر طرح و برنامه رادیو و تلویزیون که برای مدتی عضو شورای انقلاب شد.
 2. حبیب‌الله عسگراولادی (1311-92) زندانی سیاسی زمان شاه، از مؤسسان هیأت‌های موتلفه اسلامی، عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و وزیر بازرگانی در دولت موسوی، نماینده امام خمینی در کمیته امداد و بنیاد پانزده خرداد.
 3. طاهره صفارزاده (1315-87) شاعر، پژوهشگر و مترجم قرآن کریم
 4. زهره کاظمی مشهور به زهرا رهنورد (متولد 1324) از شاگردان شریعتی، هنرمند و نویسنده.
 5. موسی نصیر اوغلی خیابانی مشهور به موسی خیابانی (1326-60) از رهبران سازمان مجاهدین خلق پس از انقلاب (در کنار مسعود رجوی).
 6. محمد سیدی کاشانی (1321-97) از اعضای باسابقه سازمان مجاهدین خلق.
 7. محمود احمدی از اعضای سازمان مجاهدین خلق.
 8. غلامعلی حدادعادل (متولد 1324) نویسنده و فلسفه پژوه، معاون وزیر ارشاد، عضو شورای مدیریت رادیو تلویزیون، معاون وزیر آموزش و پرورش.

سحابی: طاهر احمدزاده.

هاشمی: توانایان^۱، آقا رضا اصفهانی^۲.

بهشتی: با مجاهدین انقلاب اسلامی پیوسید، مسئله عدد در شرایط حاضر 17 نفر.

بنی صدر: 21 یا 25 نفر.

هاشمی: اصل، 21 نفر [است]. ولی تدریجی عمل شود، در سه مرحله، سه نفر اصلی، سه نفر علی‌البدل [اضافه شوند].

بهشتی: دو مرحله، چهار یا پنج نفر، پنج نفر که می‌شود 17 نفر و بعد یک چهار نفر از تعداد گفته شده انتخاب و در دو مرحله. از این اساس برای لجنه‌ها استفاده شود.

طالقانی: جلسه شورا، زیادی افراد مثل مجلس شورا است. محل شورا ثابت باشد یا پراکنده [؟]

بهشتی: اگر لجنه‌ها تشکیل شود، محل ثابت باشد، ولی نگرانی است. اگر گفته شود محلی محل شورا است، [آنجا] محل آمد و شد می‌شود برای لجنه‌ها. [بهتر است] آپارتمان‌های مختلف برای گروه‌ها [در نظر گرفته شود]. یک جای ثابت جای محل شورا نباشد.

سحابی: [برای اینکه] کارها دنبال شود، دبیرخانه لازم است.

قطب‌زاده: محلی باشد به اسم تحقیقات اجتماعی؛ همه‌اش یکجا باشد.

بهشتی: یکجا اگر بشود، مراجعه زیاد است.

طالقانی: محل خوبی هست، از نظر امنیتی تحقیق شود.

بهشتی: جلسه بعد منزل مهدوی، کوچه سرباز، کوچه 24، شماره 14.

1. حسن توانایان فرد (93-1322) اقتصاددان.

2. رضا اصفهانی (متولد 1314)، اقتصاددان و نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی.

[موضوع: قانون اساسی:]

مهندس سبحانی: لایحه مجلس مؤسسان [را] آیا می‌آورند یا نه [؟]

بهشتی: اصل اینکه قانون اساسی با رفراندوم باشد یا مجلس مؤسسان، در اولین جلسه، دولت بیاید، وزیر کشور، نخست وزیر، دکتر سبحانی در جلسه شورا [و در خصوص] کیفیت به رای گذاشتن قانون اساسی تصمیم گرفته شود.

موسوی: روز سه‌شنبه گزارش کار سه نفری.

طالقانی: [رسیدگی به] شوراها [برای] روز بعد باشد.

بهشتی: اعضای کابینه پشت سر چه شد [؟]

طالقانی: آئین‌نامه شوراها اگر تصویب شد، جلو بیاندازیم.

[موضوع: ماجرای سعادتی:]¹

1. سید محمدرضا سعادت (60-1323) عضو برجسته سازمان مجاهدین خلق، به اتهام جاسوسی برای اتحاد شوروی دستگیر و بازداشت شد و همین مسئله، در سرنوشت مجاهدین خلق و فعالیت سیاسی رسمی آن، تأثیرات مهمی را برجای گذاشت. رهبران سازمان مجاهدین در روزهای ابتدایی اردیبهشت 58 به دیدار امام خمینی در قم رفتند. گزارش این دیدار حکایت از آن دارد که رجوی به امام، سقوط رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی را تبریک گفت و به امام خمینی اطمینان داد که ما مکتب‌مان اسلام را به سادگی پیدا نکرده‌ایم (کیهان، 1358/2/8، ص 2).

در این روزها در فضای سیاسی و مطبوعاتی کشور، انگاره مقابله با چپ‌ها شکل گرفته بود. یونایتد پرس از قول آگاهان سیاسی در تهران گزارش داده بود گروه‌های کمونیست و چپ‌گرا در واکنش نسبت به عنقریب بودن سرکوب توسط "دولت اسلامی"، به تدریج فعالیت زیرزمینی را برمی‌گزینند (اطلاعات، 1358/2/15، ص 12). این گزارش در فضایی مطرح شده بود که ترورهای قرنی و مطهری، و پذیرش آن توسط گروه فرقان، انگشت اتهام را به سوی گروه‌های چپ به طور کلی نشانه گرفته بود. بنی‌صدر در واکنش به این فضا گفته بود: ترورها کار ساواکی‌ها و صهیونیست‌هاست و این درست نیست که هر عملی را به چپ‌ها نسبت دهیم. وی افزود: اینکه می‌گویند در این مملکت کمونیست‌گشی به راه خواهد افتاد، حرف درستی نیست (اطلاعات، 1358/2/17، ص 8). مجاهدین خلق نیز طی بیانیه‌ای اعلام کرد همانگونه که امام بارها گفته‌اند، دشمن اصلی، امپریالیست امریکاست و با توجه به دشمن اصلی [یعنی امریکا]، نباید انقلاب از مسیر اصلی خود انحراف یابد (کیهان، 1358/2/17، ص 8).

هاشمی: با آقا صحبت کردم، قرار شد شما [طالقانی به اجلاس کنفرانس اسلامی در مراکش] بروید. در مورد سعادت‌ی که گرفته شده چه کنیم [؟]

بنی صدر: به گروه [شان] مراجعه شود که این عضو را اخراج کنند.

مهندس سبحانی: مدارکی است که خوب بررسی نشده؛ وسایلی می‌خواهند. [مجاهدین خلق] گفته‌اند ما از هر جا بدهد می‌گیریم. آنها چیزی گیر آورده‌اند از ساواک [که] می‌گویند منتشر می‌کنیم.

بهشتی: قرار شد اسناد در اختیار کمیسیون باشد [و] پس از مطالعه اسناد نظر بدهد.

هاشمی: کمیسیونی تشخیص بدهد.

مهدوی: [اگر] بعد از کمیسیون روشن شد [که آنها] روابط جاسوسی دارند، آیا باید [تا آن زمان] صبر کرد [؟]

بهشتی: مهندس سبحانی مخصوصاً در این کمیسیون باشد.

طالقانی: سوابق سعادت‌ی [این است که] بچه مسلمان و خوب است، [به او وقت] ملاقات نداده‌اند. بعد که ملاقات دادند، یک موتور و ماشین سروصدا می‌کرد.

با این وجود، در این روزها یکی از مهره‌های اصلی سازمان مجاهدین خلق، یعنی محمدرضا سعادت‌ی، دیداری مخفیانه با دبیر اول سفارت شوروی در تهران، به نام ولادیمیر فینسکو، ترتیب داد. گفته شد در این ملاقات، سعادت‌ی اسناد پرونده سرلشکر مقربی را به نماینده سفارت شوروی داده است. سرلشکر مقربی در واپسین سال حکومت پهلوی به جرم رهبری یک شبکه جاسوسی برای کا.گ.ب در ایران، به اعدام محکوم شده بود.

دیدار رهبران سازمان با امام خمینی، سه روز پس از بازداشت سعادت‌ی صورت گرفته بود. هنوز درباره محتوای دیدار امام خمینی با رجوی و خیابانی روایت معتبری مشاهده نگردیده است و مشخص نیست که آیا اساساً این دیدار به دنبال بازداشت سعادت‌ی بوده و یا ارتباطی با آن نداشته است. در مطبوعات و جراید این دوره تا چند هفته خبری از بازداشت سعادت‌ی منتشر نگردید و این خبر تا مدت‌ها در سکوت برگزار شد. در این فاصله خبرهایی که از سازمان مجاهدین خلق انتشار می‌یافت، ارتباطی به ماجرای بازداشت و جاسوسی نداشت. برای نمونه سازمان در اوایل خرداد 58 از ریاست جمهوری آیت‌الله طالقانی حمایت کرد (اطلاعات، 1358/3/5، ص 8). یک روز بعد، مسعود رجوی در اجتماع منتسب به سازمان خود، از توطئه‌های سیا علیه انقلاب ایران ابراز نگرانی نمود (اطلاعات، 1358/3/6، ص 4). بنابراین تا اواخر خرداد 58 اصل چنین بازداشتی در سکوت خبری، پنهان ماند و پس از مدتی با بیانیه‌های مجاهدین خلق، به یکی از ابزارهای حمله سازمان به جمهوری اسلامی تبدیل شد که در ادامه مذاکرات به آن خواهیم پرداخت.

[موضوع: اجلاس سران کنفرانس اسلامی در مراکش:]

بنی صدر: اگر هیات قوی نرود، [به مثابه] باخت است. باید برود و اقدام جدی کند.

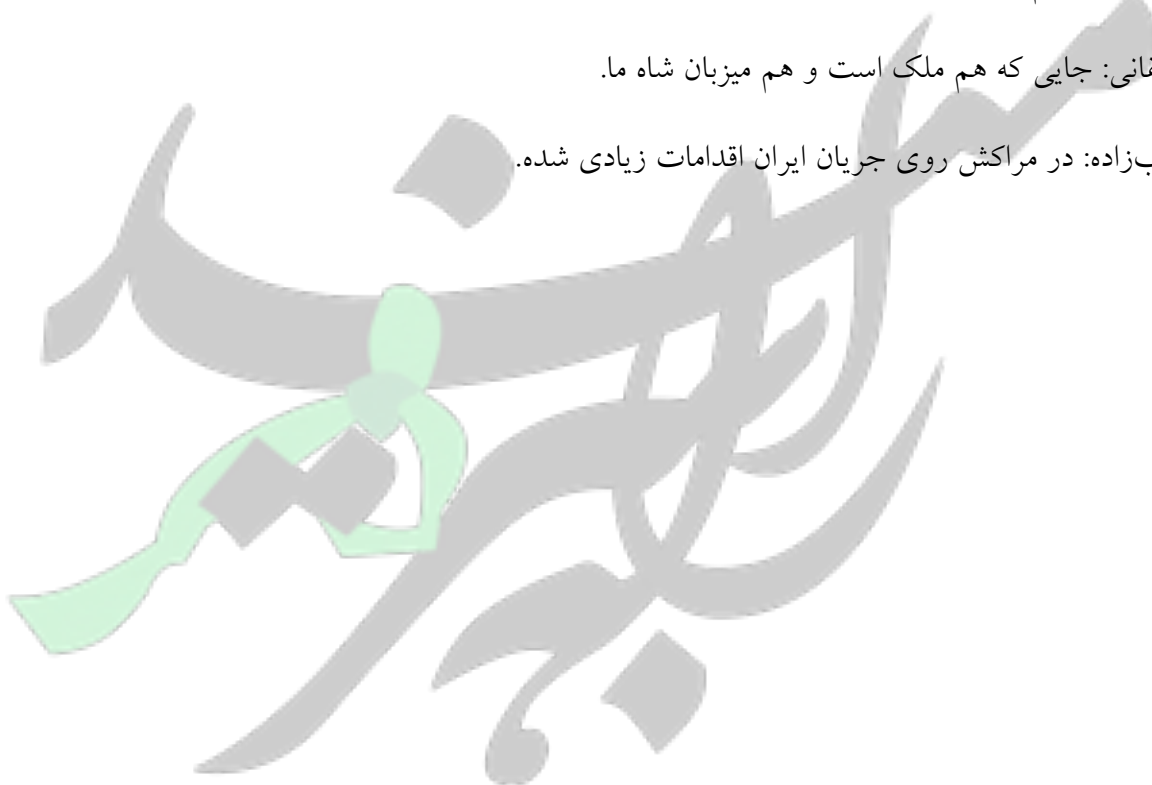
طالقانی: حال ندارم.

هاشمی: برای مرض شما خوب است.

قطب‌زاده: مهم، شرکت شما و سخنرانی اول است.

طالقانی: جایی که هم ملک است و هم میزبان شاه ما.

قطب‌زاده: در مراکش روی جریان ایران اقدامات زیادی شده.



جلسه سه‌شنبه 1358/2/18

[حاضران: مهدوی [کنی]، مهندس بازرگان، کتیرائی، خامنه‌ای، مسعودی، سحابی، شیبانی. (بهشتی آمد) (بنی صدر آمد)]

[موضوع: بررسی لوایح مختلف:]

مهندس بازرگان: معادن [معاون] امور ارتباطی برای کارهای عمرانی طرح‌هایی دارد. برای اجرای آن، این برنامه حزب به آن کمک کند.

بهشتی: بسیار خوب است، ولی چون تنه دولت عوض نشده، طرح‌ها خارج از دولت باشد که عمل سریع‌تر باشد که کاری عاطل نشود.

مهندس بازرگان: وضع بودجه خوب نیست. امکانات مالی کم است. شریف امامی با 750 تومان که اضافه کرد، 16 میلیارد تومان به بودجه اضافه شد.

بهشتی: آن وقت نظر ما بود که به کارمند ندهیم.

کتیرائی: [1] سوال معاون دادرسی تهران [در مورد] جلوگیری از تصرف عدوانی، (2) طرح خاص ناحیه‌ای، (3) لایحه لغو عرایض [اراضی] بایر (باهنر، هاشمی، مبشری، ورامینی آمدند).

بهشتی: مزروعی داخل و خارج شهر است؛ خانه‌ها نیست.

تصویب شد.

کتیرائی: طرح‌های خاص راه‌های روستائی.

هاشمی: قراردادهایی بوده [که] ناجور بوده.

کتیرائی: کار انجام شده، [اما] پول داده نشده (طالقانی آمد).

بهشتی: باید از اعتبار [بودجه] 57 بدهد.

کتیرائی: اعتبار عمرانی کم تر مصرف می شود و کسر نمی آید.

بهشتی: چرا این اعتبارات جذب نمی شد [؟] مربوط به سیستم اداری بود. بر طبق گزارش های مرتب روزانه سیستم اداری تغییر نکرده، حتی در سطح بالا کارکنان، صمیمیت آقای مهندس [بازرگان] و وزرا را ندارند. دولت علاوه بر تامین اعتبار و اجرای طرح تازه دارد.

شیبانی: اگر اردوی عمرانی که مهندس گفتند درست شود، عملی می شود.

بهشتی: این حل کننده نیست. مگر [اینکه] سیستم خاص متناسب با انقلاب باشد.

طالقانی: چه بکند دولت [؟]

بهشتی: اردوی عمرانی [را] حزب جمهوری [اسلامی] درست کرده [تا] کار از مجرای سیستم دولتی نباشد!

کتیرائی: کارمند زیاد است و کار کم است. دست به ترکیب هم نمی شود زد. در ادارات دولت گفتم استخدام ممنوع. کارمند دزد را نمی فرستم به محل. کارمند خوب نمی تواند برود؛ نمی شود او را اخراج کرد.

بهشتی: قصد استخدام نیست، بلکه مخارج آنهاست (موسوی آمد).

مهندس بازرگان: کار دوکاره نشود. صلاحیت فرد هم معلوم باشد که کار را خراب نکند.

لایحه تصویب شد.

هاشمی: شما سه نفری هیچ کاری نکرده اید. قوی ترین افراد را فرستادم.

مبشری: چرا گفتند آزاد شدند و چرا نگه داشتند [؟]

کتیرائی: اراضی بایر، لایحه لغو مالکیت اراضی شهری و عمرانی آن (معین فر آمد).

1. اوایل اردیبهشت 1358 حزب جمهوری اسلامی، طرحی پیشنهادی درباره روستاها ارائه کرد که به "اردوهای عمرانی" مشهور بود. بر اساس این طرح، نیروهای مختلف در راستای آماده کردن روستاها و کمک به روستاییان و انجام اقدامات عمرانی، بهداشتی، آموزشی و ... در تابستان سال جاری بسیج شده و به آن مناطق اعزام می شوند (اطلاعات، 1358/2/1، ص 8).

طالقانی: مالکیت اراضی بایر، اصلاً مالکیت ندارد.

کتیرائی: از نظر قانونی اسم اینها مالکین است.

طالقانی: در جمهوریت انقلاب اسلامی هستیم. همه چیز به معیار اسلام باشد.

بنی صدر: تالی فاسد دارد.

کتیرائی: این عبارت همان را می‌رساند.

بهشتی: یک عده زیادی هستند [که] یک قطعه خریده‌اند.

مهدوی: اشکال در زمین‌های کوچک است که خریده‌اند برای گران شدن. اگر زمین او ملی شود، سرمایه او از دست رفته.

بهشتی: مسئله اول: این زمین‌ها دو جور است. یکی طبق موازین فقهی، مالک آن نیست. زمین‌های کار عمرانی شده بر طبق موازین فقهی.

طالقانی: باید دید حق است یا مالکیت [؟]

کتیرائی: ماده سه نوشته تشخیص بایر بودن و عمران و آبادی طبق یک آئین‌نامه تعیین می‌شود. تنها ایرادی که همه جا مطرح شده، یک فرد حاصل عمر سی ساله را زمین خریده [تا] خانه بسازد، حالا پول ندارد. برای آن راه‌حلی هست. ماده دوم، دولت می‌گیرد و بایر نمی‌گذارد. همراه آن قانون زمین ملغی شود.

باهنر: مسائل شورا و اراضی شهری و غیرشهری است. سراسر کشور باشد که تشویق اراضی به کشف باشد. [از] مدت معین شده سوء استفاده می‌شود. دولت می‌خواهد اینها را بفروشد.

کتیرائی: برای اراضی شهری است که به وزارت مسکن می‌خورد و قیمت بالا دارد. کشاورزی وضع دیگر دارد. مدت را خود دولت معین می‌کند، نه کس دیگر. واگذاری در اختیار می‌گذاریم، با سند عرصه [عرضه] می‌دهیم، با سند اعیانی.

بهشتی: مسئله سرقفلی موقوفه‌ها نشان داد پول برای زمین گرفتن، سبب مالکیت نیست.

کتیرائی: زمین اوقاف سرقفلی پیدا می‌کرد، بازار بیرون بود. این لایحه بازار را به هم می‌زند.

طالقانی: قبل از اینکه جزئیات مواد را اعلام کند، اعلام کلی شود [که] از نظر اسلام، زمین‌های موات مالکیت ندارد. اراضی ری مفتوح العنوه است، مال امام است.

بهشتی: مال امت است.

طالقانی: گرفتاری، ساختمان‌های شهری و جذب روستاییان است. باید کاری شود [که در] تهران بیش از این ساخته نشود [و] مردم به مراکز کشاورزی و صنعتی بروند.

کتیرائی: مطلب ما خواسته آقا را تأمین می‌کند. حق اولویت با آنهاست.

طالقانی: مگر کسانی که زمین برای خانه مشخص گرفته، از جای دیگر به او بدهند، بورس بازی زمین از بین می‌رود

کتیرائی: زمین را دیوار کشیده، آب آورده، از بایری خارج شده. در تهران قصد این است ساخته نشود. ضمناً بدانید واحد مسکونی در تهران خیلی کم است.

موسوی: آنچه دادید مطالعه کردیم. در شورا دو سه نفر تعیین شود تا جلسه آینده مسئله را مجدداً از نظر شرعی رسیدگی کنند.

شیبانی: یک تذکر بیاید که مالکیت در اراضی بایر اصلاً نیست (قطب‌زاده آمد).

بنی صدر: تقصیر با دولت است. از چه طریق زمین بازی را پیش می‌برد [؟] سیاست شهرسازی و روستاسازی معین شود. 40٪ خانه شهری مجدد بنا شود. کمبود خانه زیاد است. سیاست عمومی چه باشد [؟] اگر شهرها بزرگ بشود، پول نفت را باید خرج آن کرد، بساز و بفروش راه می‌افتد.

سحابی: در عرض یک سال می‌سازند.

بنی صدر: بعضی‌ها زمین خریدند، صدمه می‌خورند. خوب انقلاب است.

بهشتی: دو بُعد دارد. جنبه مالکیت زمین بر طبق قوانین اسلام در گروه دوستان مشخص شود. مالک نداشت، می‌سازیم یا نه [؟] [در مورد] خانه سازی، آقا مزاحم سیاست دولت نیست.

موسوی: کتیرائی باشند.

بهشتی: کتیرائی، طالقانی، موسوی باشند.

کتیرائی: مطالب آقا را در مقدمه می آوریم.

مهندس بازرگان: یک جلسه دو ساعته بیاید.

طالقانی: حدود مالکیت مشخص شود.

موسوی: لایحه نوشته شود، به ایشان داده شود، قرار شد.

بهشتی: موسوی، طالقانی، کتیرائی صبح جمعه برای رسیدگی جمع شوند.

طالقانی: لایحه های غیرمهم را خود دولت تصمیم بگیرد، [بعد به] شورا بیاید.

مهندس سبحانی: چیزهای مهم بیاید شورا.

بهشتی: آقای مهندس بصورت دولت غیرموقت باشند و انتقال نباشد.

مهندس بازرگان: من منتظرم قانون اساسی تصویب شود و مرخص شوم. شورا وقت بیش تر بدهد. تا به حال چند نامه نوشتم. [در] شورای اقتصاد مسائل اساسی مطرح می شود. دولت چهار کمیسیون معین کرد که قوانین متناسب خود را رسیدگی کند.

مهندس معین فر: لایحه جلوگیری از حفاری غیرمجاز.

قطب زاده: با آقا صحبت کردم، لوایحی درست کنند، طبق آن عمل کنند.

مبشری: سابقه دارد، بعضی سالها مشغول سرقت هستند. فروغی با آنها کار می کرد. ثروت بزرگی از بین می رود.

در مورد فلزات و جواهرات، دو برابر قیمت خام اصلاح شود.

تصویب شد.

مبشری: سکه یک قیمت معمولی دارد، یک قیمت تاریخی است.

معین فر: لایحه واگذاری اختیارات کمیسیون ها.

تصویب شد.

لایحه وزارت بهداشتی و بهزیستی در مورد موسسات وابسته.

تصویب شد.

لایحه هیئت‌های اتاق‌ها.

تصویب شد.

لایحه از اول فروردین داروها از پرداخت سود بازرگانی...

قبلاً تصویب شده.

لایحه پرسنل و وظیفه، تقلیل مدت خدمت، چون سه ماه گذشته، می‌شود آنها را مرخص کرد.

بنی صدر: از خوزستان گفتند [در] پادگان نزدیک دز، سرباز نداریم.

لایحه تقلیل رد شد.

ماده شش لایحه تصویب شد (بنی صدر آمد).

[موضوع: وضعیت مالی و اقتصادی کشور:]

معین‌فر: توضیحاتی راجع به کمبود پول و بدهی دولت قبلی [ارائه داد].

هاشمی: صرفه‌جویی اسلحه، چندین برابر این پول است.

معین‌فر: شش میلیون بشکه که خیانت بود. چهار میلیون بشکه هم خیانت است. 1500 میلیارد ریال می‌دهد، در

سال 300 میلیارد از مالیات‌ها [به دست می‌آید]. ماشین اداری مملکت 1600 میلیارد ریال مصرف دارد. برای

مصارف عمرانی 200 میلیارد می‌ماند [که] کم‌تر از زمان شاه [است]. حداقل برای کارهای عمرانی باید 600 تا

700 میلیارد ریال باشد. با همه اینها، دولت فقیر نیست، ولی باید با فقر بسازد.

شیبانی: پول ندارید نمی‌شود. کار انقلابی این نیست. باید کارهای عمرانی را عمل کرد تا مردم ببینند.

هاشمی: در قسمت مصرف حرفی نیست. یک سوم عمران در این مرحله اگر ضرورت پیدا کند، این را حتی با استخراج بیش تر نفت اقدام شود. [باید] کار عمرانی شود، کارهای زیربنایی انجام شود. برای مخارج عمرانی اگر 1/5 میلیون در نظر گرفته‌اید، دو میلیون بکنید.

بنی صدر: حرفهای معین فر عیناً درست [است]. [کشور] ورشکسته از نظر اقتصادی فلج است. اگر این شیوه ادامه یابد، تا انهدام کامل کشور است [و] جامعه در خط انقلاب را در خط امتیاز درآورده. ضد انقلاب تا دو ماه دیگر پیروز می‌شود. [باید] اقدامات جراحی اقتصادی شدید باشد. وزیر دارائی و بانک مرکزی سیاست نقطه مقابل ایشان است. هزینه اداری حداکثر 20٪ بیش تر نباشد. هشت میلیارد خرج هزینه تولیدی و بقیه صرف هزینه پرسنلی [شود]. شرط آن [این است که] دولت قوی می‌خواهد، با برنامه [و] هماهنگ. تقویت دولت این است [که] اسباب قدرت در اختیارش باشد. پول برای هزینه اداری کم باشد، [به] فعالیت عمرانی [توجه شود]. وزارت کشاورزی 36 هزار نفر کارمند دارد، بروند کشاورزی [کنند].

معین فر: زیاد کردن [استخراج] نفت عملی نیست و اشتباه است. رقم آنها 1400 که گفته‌اند آریا مهری بوده. اگر موفق شویم 600 یا 700 [میلیارد] برای کار تولیدی بگذاریم، از 1500 [میلیارد] آریا مهری بهتر است. مالکیت بزرگ حفظ بشود یا نه [؟] این صنایع که از پول ملت است، باید مصادره شود، نه ملی. کارمندان کشاورزی بروند آنجا کار کنند. زمین مال کسی نیست، مال مردم است.

موسوی: [این سخنان] تمام حرفهای ما است.

طالقانی: همه مطالب درست. الان باید فکر چاره ضربتی کرد. تا دو سه ماه دیگر دچار بحران می‌شوید. نفت که نبود، چه می‌کردند [؟] نیروها از شهرها خارج و به کارهای عمرانی گرفته شوند. غصه نفت را نخورید. اگر کم تر است، نفت افزایش استخراج بشود.

معین فر: بودجه کم نداریم. صحیح نیست خرج اضافی.

مهندس سبحانی: چهل میلیارد تومان برای عمران، تمام کارهای شما را انجام می‌دهد.

هاشمی: حتی طرحهای کوچک را می‌گویند پول ندارند. قم می‌گوید با ساختن یک پل، کار حل می‌شود.

طالقانی: از یک طرف می‌گویند برنامه هست، از طرف دیگر بوروکراسی است.

معین‌فر: 40 میلیون تومان کمیته‌ها در ماه می خواهند.

بنی‌صدر: بودجه را وزیر مربوطه تنظیم کند. می‌روم در عرض 15 روز مطالعه کنم. به مردم تذکر بدهیم.

معین‌فر: مخالفم. اگر [بودجه] سال 56 و 57 را بخواهند، در اختیار است. [اگر] در تدوین [بودجه] 58 می‌خواهند دخالت کنند مسئله دیگری است. نوع تکلیف روشن باشد.

طالقانی: بودجه برای عمران و آبادی دارید یا نه [؟]

هاشمی: طرح ضربتی را نمی‌پذیرند.

سحابی: [در] طرح آبیاری ایرانشهر، مقاطعه‌کار [طرح را] تعطیل کرده. بودجه بدهد. گفتند از طریق مقاطعه‌کار بشود.

معین‌فر: این مشکلات مملکتی است.

طالقانی: تمام مقاطعه‌کارها دزد هستند.

بهشتی: چون اکثر مقاطعه‌کارها در مبانی فاسد بوده است، این مقاطعه‌کارها باطل است. طرح بلوچستان آماده است. اگر شما صد میلیون بدهید برای بلوچستان، صد میلیون برای سندج، ده میلیون برای سیاهکل.

معین‌فر: مشکل هم انقلاب بود و هم رفرم. باید یک شورای انقلاب غیر از این شورا روز اول [اعلام کند] هرچه قرارداد خارجی لغو و هرچه اداره باطل [است]. روز از نو، روزی از نو.

مهندس سحابی: مسئله از وسط خط است.

بنی‌صدر: فرمایشات شما 180 درجه مخالف اعمال دولت است.

مبشری: ماده واحده صنفی کلیه کسانی که تاکنون در مراجع قضایی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند...

تصویب شد.

طالقانی: واقعه زندان شهربانی؛ عده زیادی [به] آنجا ریخته‌اند.

مبشری: لایحه قانونی اصلاح ثبت اسناد و املاک.

تصویب شد.

[موضوع: وضعیت زندان‌ها و دادگاه:]

آقای ورامینی: اطلاعات خود را در مورد زندان در اختیار شورا بگذارند. مرتب واردات زیاد، اتهامات جزئی، قسمتی بازجویی نشده، قضات شبانه وارد زندان می‌شوند، یک هفته می‌مانند، شب می‌روند قم. من مرتب با مردم در تماس هستم. یک ساعت در زندان می‌مانم. [از] بس که وعده داده‌ام [و] عمل نشده، دیگر بیست روز است وارد بندها نشده‌ام. جمعیت بیرون زندان مرا شناخته‌اند. ده قاضی آمدند برای بررسی. آقای نقیبه توهین کرده به هادوی، خلخالی و هادی غفاری^۱ از پریروز پیدا شده. آقای خلخالی نسبت به هادوی توهین کرد. من به هادوی علاقه دارم، نماز می‌خوانم پشت سر او، ولی صلاحیت این کار را ندارد (احمدآقا [خمینی] آمد).

طالقانی: ما در دنیا نیستیم و روی ما جنجال می‌کنند. آقای خلخالی آدم عادل است، ولی معتدل نیست.

ورامینی: غفاری صحبت کرد با جوانها و تحریک کرد آنها را. غفاری گفته است بدون اجازه من کسی نیاید. دیروز تا 2/5 بعد از نصف شب دادگاه بود، قاضی دادگستری را راه نمی‌دهند.

مبشری: وقتی زندان اینطور شد، قرار شد قاضی بفرستیم، رسیدگی کنند. 26 قاضی و یک عده دفتری فرستادیم آنجا. عده‌ای برگشتند، چون خیلی به آنها اهانت شده. از زندانیان پول می‌گیرند.

صدر: در تایید فرمایش ورامینی، چند روز است دنباله فرستادن به منزل‌ها و ضبط اموال، شکایات متعدد می‌شود. رفتم سراغ هادوی. ضبط اموال قبل از محاکمه در شرع و عرف، اموالی مایحتاج را نمی‌گیرند. تعداد زیادی از مردم ناراضی هستند به علت این اعمال انجام شده.

ورامینی: خواستم علی دشتی را رها کنم، نمی‌شد تا دیشب. علیقلی اردلان^۲ را می‌خواهم آزاد کنم [تا] آنجا نمیرد، [اما] نمی‌شود.

1. هادی غفاری (متولد 1329) روحانی انقلابی و رادیکال ابتدای انقلاب اسلامی، نماینده مجلس شورای اسلامی.
2. علیقلی اردلان (1278-1365) وزیر صنایع، امور خارجه و دربار در حکومت پهلوی. وی پس از بازداشت ابتدایی در ماههای اول انقلاب، آزاد شده و به آمریکا رفت.

صدر: مردم قبول نمی‌کنند [که] دولت در اینجا دخالت ندارد. آقای هادوی بسیار شریف [است، اما] نمی‌توانند تسلط پیدا کنند.

بهشتی: یک نفر که بتواند انجام دهد چه کسی است به جای هادوی [؟] امیر حسینی درباره‌اش حرفهایی هست؛ یک عده خواستند او را هو بکنند. احمدیان معیارهای قضایی اسلام را قبول ندارد.

بنی صدر: آنها مدعی بودند که احمدیان اینطور است.

بهشتی: ایشان اسلام را به‌عنوان مذهب فرد قبول دارد.

خامنه‌ای: [به] این کارها عمل شود [:] جلوگیری از دخالت افراد بی‌مسئولیت؛ بازجویی است بدون مأموریت. تغییر دادستان به فرد مقتدر، تنبیه شدید مسئولان متخلف، تشکیل کار در بازرسی مسئول با سرکشی هر روزه.

بنی صدر: برادر خامنه‌ای^۱ برای این کار [مناسب است]. زندان دست دو سه باند است. طرفداران مجاهدین آنجا گفتند زندان‌شان علی‌حده است؛ حالا همه جا را گرفته‌اند. چند نفر مزاحم بوده، بیرون کرده‌اند. یک روابطی هست، رخنه دارند. تا حل نشود، حاکمیت زندان مسئله‌ای است. هادوی نیست. سه نفر رفتیم، هیچ کدام اجرا نکردند.

سحابی: تصمیمات آنجا به هم خورده، هر روز تعقیب کرده‌ام.

بهشتی: آنها کار را بیرون انجام می‌دادند.

بنی صدر: آنها نمی‌آیند.

جلسه پنجشنبه 1358/2/20

[حاضران: مهدوی [کنی]، مهندس معین فر، مسعودی، کتیرائی، بنی صدر، فروهر، باهنر، شیبانی، بهشتی (موسوی اردبیلی [آمد] (هاشمی [رفسنجانی [آمد])

کتیرائی: اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، نماینده روحانیت تهران، نماینده ...
باهنر: اسم ببرند.

معین فر: دو نفر به انتخاب شورای انقلاب اسلامی (مهندس سحابی آمد).

بهشتی: به تصویب شورا.

معین فر: چرا روحانیت [؟]

بهشتی: جامعه روحانیت، منشا اثر بوده.

مهدوی: همه چیز را به تهران منحصر نکنید.

[موضوع: درخواست‌های دولت موقت:]

فروهر: نامه خطاب به امام و شورا از طرف دولت (صباغیان آمد) (قطب‌زاده آمد). پیشنهاد: 1) محدود کردن وظایف و دامنه دادگاه، 2) اعلام عفو عمومی نسبت به جرم صغیره، 3) دادگاه انقلاب به جرم عناصر ضد انقلاب با تقاضای دولت جداً رسیدگی کند، 4) رعایت استقلال قضایی دادگاه، [که در غیر این صورت] مانع حاکمیت دولت و شورا [می‌شود]، 5) برحذر داشتن مقامات غیرمسئول از دخالت در کار، 6) تمرکز مسئولیت و مدیریت در دست مقامات سه‌گانه. دوم، فعالیت بیش‌تر شورای انقلاب و اختصاص دو جلسه یا بیش‌تر به دولت [و] سرعت تصمیم‌گیری.

-دستورهای پیشوا، آمدن به تهران، تشکیل شورای مشترک دولت و شورا در پیشگاه امام.

بهشتی: مختصر بحث کلی مطالب، کمی تحرک شورا و دولت نسبت به تحول دوران انقلابی [ضرورت دارد].
دورنمای تشکیل جلسه مشترک بیش‌تر موجب عصبانیت ایشان می‌شود، به علت کندی کار. اولین واکنش

گروه‌های انقلاب نمی‌بینم. تحرک گردانندگان متناسب نیازها نیست. کار در کانال دولتی که عوامل سابق آن باقی است، اثر چندانی ندارد. نه ما ابتکار داشته‌ایم، نه دولت. در امام خودرأیی نیست. در مراجعات، ایشان کار را ارجاع می‌دهند.

باهنر: [در این پیشنهادها] اعتراف به نقض و مدیریت [نقص مدیریت] دولت شده، ولی راه حل متوجه غیر دولت بود. [اینکه] خود دولت چه بکند، نبود. [پیشنهاد دولت] در مورد دادگاه‌ها، ایجاد ناامنی می‌کند. انتقاد صحیح این است که روش دادگاه‌ها خوب نیست. اگر این هم تعطیل شود، ضد انقلاب دلگرم می‌شود. [در مورد] جلسات مشترک، راه حل زیادی جلسه نیست. تمام لوایح را می‌آورند، دو ساعت وقت می‌گیرد. [در] شورا باید مسائل انقلابی مطرح شود. [اینکه] چه مسائلی در جلسه مشترک مطرح شود، چه طرح بنیادی است، مهم‌ترین مسئله است. جلسه مشترک، تضييع وقت است.

سحابی: پیشنهادی هست که سه منبع تصمیم‌گیری رهبری، [یعنی] خمینی، شورا و دولت یکی شوند. تردید نیست هرچه تعارضی باشد، سرنوشت انقلاب بدتر می‌شود. یکی شدن مکانیکی درست نیست. عدم تفاهم‌هایی وجود دارد، باید مطرح شود، کشف شود. بین شورا، آقای خمینی و دولت، عدم تفاهم از انقلاب است. فروهر: کلی بحث شود، بعد جزئیات.

بنی صدر: بیان ضعف در اثر تعدد مراجع صحیح باید حل شود. تعدد ناشی از ضعف دولت است. ضعف در نظر و عمل. نظریه حاکم بر رهبری دولت، مقابل نظر انقلاب یا آقای خمینی است. [دولت] در ساختمان اساسی جامعه، نقض [نقص] اساسی نمی‌بیند که مخالف انقلاب است. دو جریان در جامعه هست؛ در گزارش مقدم به شاه سابق در ملاقات شریعتمداری هست، [یک جبهه متمایل به غرب]، جبهه مقابل به غرب، یکی مخالف حاکمیت غرب و خواهان استقلال. دومی در خمینی است. اولی طبیعی است از دست‌نشانندگان رژیم تا کسانی که این طرز فکر را دارند [شامل می‌شود]. دولت در کدام جبهه است [؟] باید روشن کند. روزنامه‌ها قیافه‌شان چپ است، ولی زمینه حاکمیت غرب را آماده می‌کنند. شورا ضعف دارد، ولی تکلیف و جایش روشن است. [اما وضعیت] دولت معلوم نیست. بینش دولت پدرمآبانه است. اگر دولت قدرت مجازات خائنین را داشت، دادگاه انقلاب اینطوری نمی‌شد. جامعه معتقد است دولت مایل نیست یک نفر مجازات شود.

هاشمی: وارد بحث جزئیات شدیم.

صبایان: بیش‌تر جنبه کلی داشت.

قطب‌زاده: مطالب گفته شد. دولت در این سری پیشنهادات، به جای رسیدن به حل مشکل، ضعف خود را می‌خواهد بپوشاند. سعی این است [که] همه نیروها آسفالت کنند جاده راه، تا آنها بروند. اکثر وزرا می‌خواهند تندتر بروند. ولی مشکل اساسی، رهبری دولت است. آقای مهندس خودشان جلوگیرنده حرکت سریع و قاطع دولت هستند. حالا به اشکالی رسیده‌اند که [به آنها] از اول تذکر داده شد. اگر تمام خواسته‌ها تصویب شود، کوچکترین تغییری در وضع دولت نمی‌دهد.

مهندس ایزدی: در مورد گفتن حقایق به امام باید گفت دولت زمانی موثر است که اختیارات کافی داشته باشد. دستگاه قضایی دست دولت نیست، [دولت] قدرت انتظامی ندارد، قدرت تبلیغات ندارد، پول هم ندارد. ابزار کار، کارمندانی هستند که مرعوب و ترسیده هستند (طالقانی آمد). راه حل [این است که] شورا اگر لازم می‌داند، کسی را بیاورد که این قدرتها را داشته باشد.

بهشتی: مطالب از امام کتمان نشود. [امام] ضعف کارآیی دولت و شورا را احساس می‌کند و افسرده می‌شود.

فروهر: نامه حاصل احساس نارسایی در کار اداره مملکت است. گفته شد ضعف دولت است [و] موضع دولت روشن نیست [و] مهندس بازرگان شیوه‌شان نارساست. یک نکته روشن شود، [اینکه] ضعف منحصر متوجه دولت است با کل رهبری انقلاب [؟] انقلاب ایران خودجوش و از میان توده بود که رهبری عالی آن را دور زد، با توده پیوند خورد. در وسط، کادر توانا نبود. نه در سطح شورا، نه دولت، نه پایین. در جاهایی که می‌خواستند سازمانی را تصفیه کنند، سبب از بین رفتن سازمان می‌شد، چون کادر کافی نداشت. موضوع اصلی سیاسی انقلاب، نه برگشتن امپریالیسم خارج شده، نه امپریالیسم دیگر، آیا اقدامی به نفع آن شده [؟] هر کسی از ظن خود شد یار من. خرابی از آنجاست که تفکیک مسئولیت نبود، تداخل مسئولیت شد. انقلاب، رهبری عالی، شورای انقلاب و دولت. پایان یافتن انقلاب و ... مطرح نبوده. انتقال، مرحله‌ای است، وارد مرحله سازندگی شده. دستورات رهبری بهتر است از طریق شورا و دولت باشد. آن وقت لازم بود رهبری مستقیم با مردم تماس داشته باشد. حاصل هشدار و طایف مشخص شود، با دستور امام، شورا نهاد رهبری تصمیم‌گیرنده شود، وارد مرحله اجرایی نشود، دولت تنها بازوی اجرایی آن باشد. یا باید دولت باشد یا نه. اگر هست، وجود دولت ضعیف تحمل شود. ضعف نهادهای انقلاب هم هست، نیروی اجرایی فقط دولت باشد. [در مورد] دادگاه انقلاب، اعتراض به شیوه عمل [آن] است که در برابر جهان و مردم توجیه نکرده‌ایم و مسئولیت متوجه دولت است [و] کسی غیر آن [را] نمی‌پذیرد.

موسوی: در صحبت‌ها موارد مشترک [و] مقداری برداشت مختلف [وجود داشت]. اتفاق [نظر در خصوص] هم ضعف شورا و دولت [وجود داشت]. اگر قبول داریم، شورا تصمیم بگیرد ضعف خود را برطرف کند، دولت هم به هم چنین. قدم دوم، اگر منظور جلسه دوم این است [که] خطوط اصلی سیاست را با هم مطرح کنیم، مسائل بنیادی است و مورد اتفاق. نقص‌ها در این است.

بهشتی: جلسات مشترک دولت و شورا برای اصول سیاست داخلی و خارجی، مذاکره با رهبر و توافق روی آن و بیان موضع‌گیری همه.

هاشمی: در حضور خمینی جلسه هفتگی یا دو هفتگی باشد، بهتر است.

بهشتی: جلسه مشترک با دولت باشد، بعد پیش آقا.

طالقانی: اول شورا سروصورت بگیرد، شورای انقلاب بشود. خود شورا خط‌مشی خودش را معین کند، سیاست خارجی مشخص شود، [روی] مسائل داخلی [مانند] سرمایه‌داری صنایع بحث شود. بعد که پخته شد [و] دولت هم دید، آن وقت به آقا بدهیم.

بهشتی: پیشنهاد آقای طالقانی را خلاصه کردند.

بنی‌صدر: قبول شد [که] دیده‌ها یکی نیست (خامنه‌ای آمد)، شورا ضعف خود را رفع کند، دولت هم ضعف را رفع کند.

بهشتی: تکمیل شورا، یکشنبه فعلاً یک جلسه باشد، مهندس بازرگان هم باشد، دید انقلاب در شورا و دولت یکی باشد.

طالقانی: دید مردم انقلاب کننده با شورا و دولت هماهنگ شود. تصمیم ما با خواست مردم و رهبری انقلاب تطبیق بکند.

فروهر: فرض این است که شورا بیانگر نظرات مردم باشد. شورا سیاست را معین کند، دولت مجری آن [باشد]. ما نمی‌توانیم پاسخگوی دادگاه باشیم، یا [پاسخگوی] عمل کمیته‌ها و باید کنار برویم.

بنی‌صدر: خود آقای نخست وزیر صدارت گفته دولت انتقال هستیم. ما روز اول گفتیم دولت انقلاب باشید. تکلیف دولت روشن شود.

طالقانی: رهبری و مردم انقلابی، دولت انتقال.

بهشتی: روز یکشنبه مهندس بازرگان و هر یک از اعضای دولت که لازم است، برای رسیدگی به کل مشترک تشکیل شود.

طالقانی: در خود دولت دو دید است.

صباغیان: وجوه مشترک دارد.

معین‌فر: موکول کردن کار به جلسه‌ای که باز به کلیات خواهد گذشت، صحیح نیست. همین امروز کمیسیونی تشکیل شود، بلافاصله بروند شب و روز کار کنند [و] خطوط اصلی کار را معین کنند [در حوزه‌های] سیاست کلی، اقتصاد و... حتی به شورا منحصر نباشد، یک عده وزرا و شورا باشند.

شیبانی: کمیسیون فایده ندارد، همه باشند.

فروهر: وزیری برای طرح‌ها هست، در بحث عمومی بشود.

بهشتی: آقای مهندس بازرگان مکرر می‌گویند من به کار بنیادی معتقدم و کار انقلابی متقن و اصولی باشد. انقلاب کار ضربتی می‌خواهد، باید کار بنیادی دوشادوش آن باشد وگرنه فرصت نمی‌ماند. جلسه مشترک باشد، در مسایل بنیادی توافق بشود. ضرورت زمان درک شود.

صباغیان: با مجهول وارد ماجرا شدید. آقای مهندس بازرگان با وجودی که رعایت دموکراسی را می‌کند، خصوصیات فردی دارند؛ شرط کرده‌اند به نظر مشترک برسیم و دولت مجری آن باشد. اگر نکند، شاید ما هم نظرم آن نباشد که دادگاه انقلاب اینطوری نباشد.

بهشتی: جلسه مشترک برای همین است.

قطب‌زاده: مشکل با کمیسیون معین‌فر مسئله حل نمی‌شود، [در مورد اینکه] چه کسی در کمیسیون باشد با بعضی افراد دولت به نتیجه صریح نمی‌رسیم. [تعداد، اعضای شورا ممکن است کمبود باشد، خیلی کم‌تر به اختلاف دیر می‌رسیم. طرح مصادره اموال بزرگ یک روزه در شورا تمام شده بود، ولی یک ماه و نیم در دولت مطرح است. تازه آن دسته توافق برسیم، سرنوشت آن، آن است که صباغیان گفت.

بنی‌صدر: دولت قبل از آمدن به شورا نظر خودش را هماهنگ کند. مردم فراوان پیشنهاد می‌دهند.

بهشتی: ممکن است مسائلی باشد [که] در جلسه دولت توافق نشود، ولی در جلسه مشترک شورا قابل حل است. فروهر: شورای انقلاب، مجلس و شورا نیست. [باید در آن] اندیشه‌های گوناگون باشد. شورای انقلاب نتیجه انقلاب است، حافظ آن و تصمیم‌گیرنده باید باشد. دولت برنامه که نداد، ضرورت انقلاب آن را به وجود آورد. طالقانی: مسائل فروهر در سیاست کلی را مطرح کنید.

بهشتی: پیشنهاد: فعلاً روز یکشنبه جلسه مشترک عمومی [با] موضوع بحث حفظ ... در برابر انقلاب و ضرورت‌های فوتی انقلاب [باشد].

طالقانی: همه می‌خواهند دولت پیش برود، همه مردم به حق خود برسند.

بهشتی: به جای کمیسیون، [در] جلسه مشترک حداکثر وزرای ممکن بیایند.

مهدوی: [در] مجلس سنا جلسات تشکیل شود.

صباغیان: یکشنبه نخست وزیری ساعت هفت صبح.

تصویب شد.

طالقانی: اعضای دولت هم حق رای داشته باشند.

معین‌فر: مسئله قاجاق مشکل است. مقادیر زیاد جنس غیرمجاز آمده [که] باید حراج شود، [اما] کمیته‌ها مانع می‌شوند. تجار محترم هستند.

صباغیان: کمیته نمی‌گذارند.

هاشمی: نامه از کمیته قم آمده بود. ده‌دستی در کمیته گفت اجازه نمی‌دهم.

بهشتی: 1) سیاست خارجی دولت در رابطه با ابرقدرتها و بلوک و کشورهای عربی، غیرمتعهدها، نهضت‌ها.

خامنه‌ای: همان کافی است. سیاست‌های دیگر فرع بر آن است.

طالقانی: قبول دارید که دولت نسبت به امریکا مستسبح¹ است.

بهشتی: 2) دخالت دادن مردم در کارها، 3) سیاست اقتصادی دولت در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی. فروهر: در مورد داخلی، سرمایه‌داری.

بهشتی: 4) سیاست مالی، 5) سیاست دولت در امر سرمایه‌داری داخلی، کشاورزی و صنعتی، 6) سیاست دولت در مورد نیروهای انتظامی، دولتی و غیردولتی، 7) مدیریت سیاست اداری در بخش خصوصی و دولتی، 8) سیاست آموزشی دولت، 9) دادگاه انقلاب، در رابطه دادگستری و دولت.

فروهر: دخالت شورا در امر اجرایی، مثل سپاهیان انقلاب.

طالقانی: هرکار که می‌خواهد می‌کند. الان به دفتر من خبر می‌دهند.

بهشتی: سپاه، اول به دولت واگذار شد. [اما] به علت ناامنی، سپاه را شورا گرفت.

کتیرائی: عناوین برای دستور جلسه روز یکشنبه ... اجرایی چطور است [؟] یک نفر که مسئول است، نظر بدهد.

بهشتی: از اعضای حاضر، کسانی بپذیرند.

ایزدی: من سیاست اجرایی کشاورزی را می‌آورم.

معین‌فر: کارشناسان اقتصادی مسائلی مطرح کرده‌اند. بنی‌صدر با آنها بنشیند، از مجموع آن، پیشنهادات اقتصادی بیاورد.

بحث اقتصادی [:] بنی‌صدر، معین‌فر. [برای] کشاورزی [:] مهندس ایزدی. [برای] سیاست خارجی [:] قطب‌زاده. [برای] صنعت [:] دکتر احمدزاده و مهندس سبحانی.

خامنه‌ای: در آن جلسه چه کنیم [؟] بر یک مبنا باشد، نظیرمان در مورد زمین.

بهشتی: مبانی است بطور کلی برای بحث آزاد.

خامنه‌ای: جریان غیراصیل خیانت‌آمیز مطرح است. در لابه لای دولت، اکثر وزرا چهره‌هایشان روشن است. [اما] دست‌هایی در شبکه دولت، جهتی را دنبال می‌کنند.

بهشتی: مهره‌های دستگاه دولت، منطبق با انقلاب نیستند. دولت گمان می‌کرد در عمل این کارمندان درست می‌شوند. استدلال دولت، اگر استخدام جایز باشد، هجوم جدید سیاست انقلاب مقتدری می‌آیند، 500 مهره شناخته شده برای 500 پست.

[مهندس] سحابی: دولت انتقالی به انقلابی تبدیل شود، نیروها متمرکز شوند، تقویت روحیه بکنند. عده‌ای را آورده است سر کار فنی، [به آنها] خانه سازمانی داده، [اما] یک عده که طبق دستور آقای خمینی از ارتش فرار می‌کردند، اینها را راه نمی‌دهند.

خامنه‌ای: اعلام شده و اینکه مهندس سحابی می‌گوید درست است. با وجودی که می‌خواهند کار انجام شود، ولی در عمل نمی‌شود.

فروهر: روزهای اول وزارت کار، عده‌ای می‌آمدند، متحصن می‌شدند، سالن وزارت کار را می‌گرفتند، مدت‌ها با حرف و بحث حل می‌کردیم؛ تا احراز شد [که هدف آنها] برای حرف و بحث نیست، برای تخریب سلسله اعصاب و مانع کار شدن است. خانه کارگر را برای این مجتمع گذاشتیم. بیکاری‌ها با وجودی که عده کم‌تری هستند، چون نظم و شکل دارند، آنجا را گرفته‌اند. برای وزارت کار یک کمیته تشکیل دادیم.

معین‌فر: برای استفاده بیشتر از این جلسه، درخواستهای انتهایی نامه خوانده شود، روی آن صحبت شود. مطلب مهم، آمدن خمینی به تهران است.

بهشتی: بحث لغو است.

معین‌فر: [اگر امام خمینی در قم بماند] قم نابود می‌شود. [قم] با جمعیت زیاد [و] امکانات کم است. آب قم از بین می‌رود برای یک سال، دو سال دیگر. عمل تولید که سالاریه را می‌سازد، قم را تبدیل به شهر بزرگ کردن، امکانات ندارد. بنای صحبت وسط حرف دیگران ندارید.

طالقانی: بنایشان بر این است.

بهشتی: وارد ماده نیست.

فروهر: محدود کردن دامنه عمل دادگاه، اعلام عفو عمومی نسبت به کسانی که مرتکب جرم کبیره نشده‌اند و تعریف جرم کبیره و صغیره [ضروری است].

طالقانی: رفتم شماره سه، در آنجا 200 نفر بودند [که] پیش از انهدام رژیم آنها را گرفته‌اند. اگر عفو مطرح شود، خیلی‌ها آزاد می‌شوند.

بهشتی: اگر لازم است بحث شود، مهندس بازرگان باشند که در صحبت به ایشان بگویند. گروهی آمده‌اند در زندان که جلو عفو را بگیرند.

کتیرائی: مطالب مطرح شده، ما به‌عنوان نماینده آمدیم، اگر بحث شد با اکثریت، قبول می‌کنند.

بهشتی: دیگر صحبت نمی‌کنند. مسئله عفو مطرح شود.

فروهر: دادگاه به جرم عناصر ضد انقلاب به شدت رسیدگی کند.

بهشتی: همه متفق هستیم.

فروهر: رعایت استقلال قضایی، دادگاه مانع عمل دولت نشود. برحذر داشتن مقامات غیر مسئول از هرگونه دخالت و مزاحمت در امر دولت. کمیته و سپاه درست است، اگر اهل علم و پیشتاان انقلاب [...]

بنی‌صدر: گروه‌های سیاسی زندان دارند.

صباغیان: افراد هم هستند.

بهشتی: از مشکلات جامعه ما است، با توافق ما.

فروهر: بعد از امام، آقای طالقانی می‌فرمایند من نباید گوش ندهم. مشکل کمیته است که می‌رود در کارخانه. تمرکز مسئولیت و مدیریت [باید] در دست مقامات سه‌گانه، امام، شورا و دولت باشد.

صباغیان: [یک] پیشنهاد دارم؛ ماده‌ای در اساسنامه شورا هست [که] وزیر نباید عضو شورا باشد. آقای قطب‌زاده نقشش (وزارت اطلاعات در او هیچ اثر ندارد) مغایر با عمل است. اگر درصدد ترمیم و اضافه کردن اعضای شورا هستید، کسانی که در متن کارهای اجرایی بوده‌اند، باشند.

طالقانی: وزرا نباید جزو شورا باشند. در جلسات شرکت دارند. در مسائلی که مربوط به هر وزیر است، [به او] حق رای بدهیم.

فروهر: [این] نظر شخصی آقای صباغیان بود؛ تداخل نشود.

صباغیان: ایشان دخالت دارد.

فروهر: تجمع وحدت و سرعت در تصمیم‌گیری [لازم است].

قطب‌زاده: خارج از سیاست دولت معلوم شود سیاست چه بوده. زیر بار حرف بنی‌اسدی¹ نرفته‌ام.

کتیرائی: من مخالفم. بعضی مطالب در جلسه خصوصی‌تر بحث شود.

[موضوع: موزه‌ها و کاخ‌ها:]²

صباغیان: مشکلی است، مقداری سرمایه غیرقابل استفاده و مقداری هزینه بیهوده. در حیطة تهران، چهار محل است به نام کاخ گلستان، نیاوران، قصر فیروزه، سعدآباد، از نظر منقول و غیرمنقول. دستور امام این است که در اموال خاندان پهلوی، دولت دخالت نکند. خطر مشخصی هست، از نظر دولت بین این اموال و اموال پهلوی، بنیاد مستضعفان، من غیر مستقیم قبول این خط را ندارد. از مهندس خواستم مشخص کند، دولت ماهیانه 2300 نفر را حقوق می‌دهد. گاراژ سلطنتی است، تمام ماشین‌های دولتی می‌تواند در آنجا تعمیر شود. 600 مکانیک و کمک مکانیک وجود دارد، ماشین‌ها را با حکم در اختیار افراد می‌گذارند.

طالقانی: مویدی (ایشان) دستور داده.

صباغیان: اموال غیرمنقول [که] در این سه کاخ حفظ شده، مانده است. پیشنهاد مهندس بازرگان این است اموال منقول را که همه‌اش 90٪ طبق اسناد موجود، اموالی است که از هزینه دولت خریده شده؛ جا سیگاری روز معلم که هدیه شده به فرح، جزو ملک فرح، فرش‌های کوچک، اگر قرار بر این است، بعضی‌ها را شاه دو سه بار فروخته. پیشنهاد من این است اگر تمام اینها در اختیار بنیاد باشد، وضع روشن شود، مراحل قانونی طی شود، یک قسمت قابل فروش است در مزایده بین‌المللی، یک شعبه غیر قابل فروش است. ده سال دیگر اگر بفروشیم، خیلی

1. محمدحسین بنی‌اسدی (متولد 1321) وزیر مشاور در امور اجرایی در کابینه دولت موقت، عضو شورای مرکزی نهضت آزادی، داماد مهندس بازرگان.

2. خردادماه سال 58، صباغیان، معاون نخست‌وزیر در امور انتقال اعلام کرد طبق تصمیم شورای انقلاب و بر اساس فرمان امام خمینی، اموال غیرمنقول کاخ‌ها در اختیار دولت قرار می‌گیرد (کیهان، 1358/3/16، ص 5). سپس کاخ‌ها به موزه تبدیل شد و در معرض بازدید عموم قرار گرفت.

گران‌تر فروخته می‌شود. مبل ارزنده است که عتیقه است. اموال غیرمنقول بدون استفاده است، در بعضی جاها نگهداری می‌شود، لطمه می‌خورد. قصر فیروزه است، [همچنین] کاخ سعدآباد [و] (نیاوران است)، بدون هزینه تحمیل دولت فوق‌العاده مورد استفاده عموم قرار گیرد. قصر فیروزه محل پیک نیک باشد، پارک سعدآباد خیلی قشنگ است، خود ساختمان‌ها موزه شود. پاسداران چون از ابتدا بودند در داخل کاخ، پاسداری می‌دهند و در تاریکی است، معلوم نیست چه کار می‌کنند، قطعات کوچک کم می‌شود. اخیراً تصمیم گرفته شد ارتش جایگزین پاسداران بشود، پاسداران از بیرون. 15 روز است که کلاً پای‌مان را کنار کشیده‌ایم.

بهشتی: قرار است سه بخش بشود.

شیبانی: برای جنوب شهری‌ها باشد، بیابند گردش.

هاشمی: اگر ملک بنیاد است، دولت بخرد از بنیاد.

بهشتی: دلیل اینکه شاه [آنجا را] ملک خود پنداشته و دو بار پولش را دولت داده. فکر می‌کنم [اینکه] باغها و ساختمان کاخها، موزه و پارک شود، مسئله روشن است، اداره‌اش به دست دولت باشد یا اگر فکر می‌کند اداره آنجا از طریق دولت مشکل است، به گروه‌های خصوصی بدهد. اصل مسئله [این است که] ساختمان کاخها و باغ آنها نه قابل فروش است، نه به کسی دادنی. کاخها، گردشگاه و موزه با کارت ورودی [باشد].

طالقانی: خیلی قصر زیاد است. اموال را منتقل کنند به کاخ نیاوران که بسته است. اگر بشود، بصورت یکی دو واحد دانشکده پزشکی بشود در جنب آن یکی دو مریض‌خانه.

صباغیان: موزه بهتر است. تبدیل [شدن آن] به بیمارستان، عملی نیست.

بهشتی: بخش اول، اصل ساختمان کاخها، تبدیل به موزه [بشود]. باغ‌های بزرگ، پارک عمومی بدون بلیط [باشد]، کاخها با بلیط.

صباغیان: خود سعدآباد ورودیه داشته باشد.

بهشتی: ساختمان کاخ، موزه [شود]. باغها، پارک عمومی [باشد].

مسعودی: به استثنای صاحبقرانیه.

بهشتی: برای مهمان لازم نیست کاخ باشد.

بنی صدر: [این که] رئیس دولت را ببرند هتل، درست نیست.

صباغیان: جا داریم، باشگاه نخست وزیری.

معین فر: رئیس جمهوری در ساده‌ترین وضع است.

تصویب شد.

بهشتی: لوازم کاخ‌ها سه بخش است: (1) بخش عتیقه که فروشی نیست، (2) بخشی که فروش آن زود است، (3) بخشی که باید فروخت، حالا سند آن مال دولت باشد یا نه، بگیرند بفروشند.

صباغیان: توجه شود یک سری از ماشین‌ها هست که باید خارج فروخته شود.

بهشتی: تصویب شد.

صباغیان: نیروهایی هست که باید جای آنها کسی را بفرستید.

[موضوع: عفو عمومی:]¹

1. طرح عفو عمومی پس از انقلاب اسلامی، برای نخستین بار در درون دولت موقت مطرح شد. در روزهای ابتدایی سال 58، سخنگوی دولت اعلام کرد دولت طرح عفو عمومی را پیگیری و دنبال می‌کند (کیهان، 1358/1/25، ص 6). متعاقب همین جلسه شورای انقلاب، که در حال مطالعه مذاکرات آن هستیم، وزیر دادگستری اعلام کرد سه گروه مشمول عفو عمومی واقع نخواهند شد: مرتکبین قتل، مرتکبین شکنجه منجر به قتل و نابودکنندگان اموال عمومی تأثیرگذار در سرنوشت کشور (کیهان، 1358/2/22، ص 8). پس از آن، لایحه عفو عمومی از سوی وزارت دادگستری به دولت داده شد (کیهان، 1358/2/24، ص آخر). البته طبیعتاً این لایحه و اساس آن با موافقت و مخالفت‌هایی در سطح جامعه همراه بود. برای نمونه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در یادداشتی با عنوان "تأخیر عفو عمومی: فرار مغزها و سرمایه‌ها"، بر ضرورت جایگزینی انتقام با عفو در جهت خدمت به بازسازی آینده کشور تأکید نمود و به همگان توصیه کرد در گذشته متوقف نمانند (اطلاعات، 1358/2/27، ص 4). مهندس بازرگان، نخست وزیر دولت موقت نیز ابراز داشت: از روی مصلحت، طرفدار عفو عمومی بوده است (کیهان، 1358/3/3، ص 3).

دایره عفو به نمایندگان دو مجلس عصر پهلوی نیز رسید و اعلام شد که به استثنای وکلا و سناتورهایی که دست‌شان به خون آلوده است، سایر نمایندگان مجلسین عفو شدند (اطلاعات، 1358/3/1، ص 2). نهایتاً بیستم تیرماه 58 و همزمان با عید نیمه شعبان، خبر اعلام عفو عمومی به صورت رسمی منتشر شد. بر این اساس، با موافقت امام خمینی، کلیه مقصرین رژیم سابق بخشوده شده و

بهشتی: مسئله عفو مطرح است. زمان برای اعلام یک نوع لایحه عفو مساعد است یا نه [؟] در اصل، اینکه سعی شود انتقام نباشد [و] کیفر هوشیارکننده باشد. اعدام و کیفرهای سخت به حداقل لازم برسد.

باهنر: تسریع در رسیدگی شود.

بهشتی: تسریع باید با دادگاه حل شود. دنبال کردن برای گفتن افراد متوقف شود. دنبال کردن، تزلزل اولیه است. پذیرش نیروهای انقلابی و مخصوصاً مسلح خارجی دولت، اگر ظرفیت پذیرش دقیقاً رعایت شود. اگر آقای خمینی گفتند، شورا تایید کرد، دولت پذیرفت، مردم [باید] پذیرا باشند. غفاری را توده مردم جوان عنصری انقلابی می‌دانند. در اصفهان عناصر مشابه او هست و جاهای دیگر. اگر توجه نشود، ممکن است فرمان عفو سبب طغیان شود.

موسوی: عفو دو سه بار مطرح شده [و] رد شده. من موافق عفو هستم، نه به این اسم کبیره معین شود، بقیه می‌شود صغیره. تکیه روی ضد انقلاب‌های قبلی شود.

بهشتی: مطلب آقای موسوی در حکم پیشنهاد شد.

فروهر: بحث روی شیوه رسیدگی است و عدم تناسب جرم‌ها. هر انقلاب بعد از پیروزی و سازندگی، حالت گذشت [را در] پیش می‌گیرد. جرایم مشخصاً محدود شود، شکنجه‌گر تا پلیسی که یک پس‌گردنی زده، کسی که در کشتار شرکت داشته و خودش آمده با کسی که به او حمله شده [و از خودش] دفاع کرده، فرق کند. آن وقت کبیره و صغیره مشخص می‌شود.

بهشتی: غارتگران بیت‌المال.

فروهر: غارتگران اعدام ندارند. بیست سال در اردوگاه کار کنند. در دنیا این روش محاکمه توجیه نشده.

سحابی: زود است، دلیل این است [میان] کسانی که به دادگاهی اعتراضی دارند، تفکیک قائل شدیم. کسانی هستند [که] در انقلاب نقشی نداشته‌اند، غیرانقلابی‌ها به احکام دادگاه اعتراضی دارند، مسلمان مارکسیست، غیر اینها از

گروه کثیری از زندانیان آزاد گردیدند (کیهان، 1358/4/20، ص 3). سرانجام متن لایحه عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب شورای انقلاب، 25 شهریور 58 در جراید منتشر شد (کیهان، 1358/6/25، ص 11).

احکام راضی هستند. کشتن القانیان^۱ درست نبود. عفو سبب می‌شود انقلابی‌هایی که بار زحمات [روی] دوش آنهاست، رنجیده شوند. حرف آقای موسوی [درست است]. اعلام عفو شود، حدود جرایم محدود شود. غارت فرق دارد با دزدی. مقاطعه‌کار و دزد برون دادگستری، اشکال رسیدگی.

بهشتی: وارد بحث نیست.

کتیرائی: گفتید سه نیرو توافق کند، ولی قدرت دیگری هست که نباید برنجد. آنها چه کسانی هستند [؟] نمایندگانشان بیایند، با آنها مشورت شود. هیچ ضابطه ندارد چگونه می‌گیرند.

مهندس ایزدی: در تمام دنیا، چه شرق و چه غرب، مردم از ستم حکومت ناراضی هستند. حکومت موجود ما برای همه مورد توجه است. باید توجه به این رسالت بشود. تفاوت حکومت اسلامی، انقلاب اسلامی با انقلاب کمونیستی چیست [؟] پیغمبر در مورد فتح مکه چه کرد [؟]

بهشتی: بنی‌قریظه را چه کرد [؟]

مهندس ایزدی: یهودی‌ها با تمام خبث طینت، کار او دستورالعمل برای آنها بود. اگر این رسالت، دستورالعمل ما باشد، خوش آمدن و نیامدن مطرح نیست. از نظر جهانی، سرمشق است برای دنیا، بعد سیستم اقتصادی. بت بزرگ، شاه و مهره‌های اطرافش یا از بین رفته‌اند یا فراری [شده‌اند]؛ به جز این افراد بقیه عفو [شوند].

قطب‌زاده: دو نکته است، توجه شود. فرض پیروزی انقلاب است که انقلاب پیروز نشده. موقعی نمونه خواهد شد که انقلاب بماند. در شرایط فعلی با عده‌ای بحث کنیم، آنها را قانع کنیم. مسئله تب جامعه است و به همین دلیل، با بحث که شد، تمام چیزی که رنگ و جو انقلابی را نگه داشته اعدام‌ها است.

ایزدی: آسان‌تر از همه است.

1. حبیب‌الله القانیان (1291-1358) سرمایه‌دار و رئیس انجمن کلیمیان ایران. پلاسکو از مهم‌ترین سرمایه‌های القانیان بود. وی در اردیبهشت 58 در زندان قصر با حکم خلخال، اعدام شد. جاسوسی برای اسرائیل و سرسپردگی به آن، ملاقات مخفیانه با موشه دایان، وزیر خارجه اسرائیل، از مهم‌ترین موارد اتهامی القانیان بود (کیهان، 1358/2/19).

قطب‌زاده: اگر شورا و دولت، عمل انقلابی می‌کرد، امر عفو عملی بود. روش‌ها، دادگاه، و نوع عمل، این ترس ضد انقلاب را از عمل بازداشته. حرف عفو در این زمان باطل است. تعیین تکلیف، حدود و ثغور معین کردن، رد کردن بی‌گناهان، این عامل خوبی است.

هاشمی: از روز اول مخالف شدت عمل بودم و باید فکری می‌شد. تذکرات قسمتی هست. دیروز از یکی از گروه‌های تحقیق که شناسایی افراد گذشته را می‌کند، مدرسه‌ای بوده، عده‌ای تعلیمات بالا داشته در امریکا، حالا مدرسه تعطیل شده، یکی از آنها در ایران آمده. عفو اگر تعقیب را ممنوع کند، [باید] خیلی حساب شده باشد. گروهی مسئول شدند، طرحی بریزند، قیافه انتقام جویی محدود و ضمانت حفظ از توطئه‌ها باشد.

صباغیان: مطلب کلی این است، با اعلام عفو مخالفم، جوّ نمی‌پذیرد. پیشنهاد هاشمی، مکمل پیشنهاد موسوی است. طرح عفو را یک کمیسیون رسیدگی کند. آنچه خیلی اثر دارد [بیش از] زندانی‌ها را عفو کردن، تسریع در رسیدگی [است].

بهشتی: 200 نفر آزاد شده.

صباغیان: کلاً آنچه اثر دارد، این طرح برساند و خائنین بدانند نمی‌توانند فرار کنند.

خامنه‌ای: پیغمبر یک عده را عفو کرد، 400 نفر را در یک روز کشت. کشتن، ما را متوحش نکند. با ضد انقلاب مبارزه شود. توطئه‌گرها اغلب ساواکی‌ها هستند. حالت دل‌رحمی که غالباً از طرف خارجی‌ها است (در مورد اکرم زوعیت¹ هاشمی بنویسد به او) صغیره و کبیره مشخص شود. تشدید کنیم مجازات کسانی را که به ناحق به خانه‌ها هجوم می‌کنند. یک نوع حالت صلابت باشد.

صباغیان: هر شب چند حادثه عجیب داریم.

بهشتی: ظرفیت در داستان بنی‌قریظه همین مطلب بوده و در سیره پیغمبر هر دو هست؛ هم فتح مکه و هم بنی‌قریظه. انقلاب ما باید چهره رحمت و نمونه باشد، از نظر مهر و موفقیت نمونه باشد (طالقانی مثل مصدق).

1. اکرم زوعیت (1909-90) ادیب، نویسنده، روزنامه‌نگار و سیاستمدار فلسطینی. کتاب "سرگذشت فلسطین" اثر اوست که توسط هاشمی رفسنجانی به فارسی ترجمه گردیده است.

مهدوی: دو جمله؛ [در مورد] کیفیت دستگیری، شخصی را خواسته‌اند بگیرند، رفته‌اند منزل دوستانش، این آقا را برده‌اند زندان، بازپرس گفته تقصیر ندارد، پاسداران مانع شده‌اند. تا مادامی که مستقر نشده‌ایم، دشمن را باید بگیریم. دشمن را به حال خود رها کردن، [اینکه] دنیا چه می‌گوید درست نیست.

ایزدی: عفو، مخالف اعمال قدرت نیست.

قطب‌زاده: چهار تا را بگیریم، می‌گویند دنیا گفت اعدام نکنید.

مهدوی: چهار تا که مستحق اعدام هستند، بگیرند. ولی امر اعدام نکند.

بهشتی: عفو فوق عدل است، خلاف عدل نباشد.

مهدوی: شکنجه‌گر و قاتل، قصاص شود. در جرم‌های اجتماعی، حکمش دست اشخاص نیست، قصاص حاکم است، نه به دست شخص. رضایت و عدم رضایت، دست حاکم است، جرم اجتماعی است. عفو به دست حاکم است. [باید] مصالح امت را در نظر گرفت.

بنی‌صدر: پاسداری انقلاب از طریق مجازات، محکوم به نابودی است.

مهدوی: مجازات نیست.

بنی‌صدر: نتیجه آن فاشیسم است. حرف فروهر که اصلاح امپراتور (در چین) ماخذ ندارد؛ سه چهار سال پیش اقلماً 15 میلیون [نفر] کشته‌اند. [در مورد] مطلب شما (ایزدی) پیغمبر، نظام را دگرگون کرد. عفو بدهیم بروند سر کار قبلی. انقلاب مردمی بکنید آن وقت عفو می‌کنید. حدود مشخص شود.

فروهر: کشتن، راه ضد انقلاب را سد می‌کند، منحصرأ همین نیست، و به همین دلیل در اینگونه موارد غیر از مسئله مجازات و کیفیت محاکمات طوری باشد که توجه آن در خودش باشد. قبول کنید مردم [باید] بفهمند چرا فرد مستحق کشتن است، مناسب جرم و مجازات. هویدا با وزیرش یک مجازات بشوند [؟] مسئله اثر روی نیروهای مرد است. به همین دلیل باید مقداری مسئله اجتماعی را توجه کرد. عده‌ای که آرام بوده‌اند، فعالانه علیه حکومت فعالیت می‌کنند. کشتن سالارجاف که می‌شد زندان باشد، یکی از مشکلات بزرگ کردستان است [که] می‌توانست به مصلحت انقلاب تعدیل شود. [اینکه] شدت عمل حفاظت می‌کند، همه جا [صادق] نیست. اقلیت مجلس که استعفا داد فرق آنها با بقیه چیست [؟] اگر موافقید، این عده مستثنی شوند.

صباغیان: آن روز که مطرح شد حضور امام، آنها که استعفا کردند، بی خود کردند. می خواستند از اول دوره [استعفا] بکنند.

فروهر: 23 نفر بودند، از نیمه های دوره شروع به اعتراض کردند، [آنها] کم و بیش با طرفداران خمینی در تماس بودند. در پاریس که بودم، لیست آنها را می گرفتم و خدمت آقا می دادم. در محل اقامت آقا در تهران، آقا از آنها تقدیر کردند. آن روز که دکتر سعید فردایش قرار بود دولت را ساقط کند، گفتند بعد توبه است.

بهشتی: یک نفر فرمی تهیه کند، مهندس سحابی.

سحابی: چیزی نوشتم، دادم به مبشری.

هاشمی: کمیسیون تشکیل شود جهت وکلا.

معین فر: بقیه پول ها را بدهند.

بهشتی: از حقوق اجتماعی محروم.

ایزدی: پریروز یک افسر سابق ژاندارمری آمد؛ حسینی فرمانده ژاندارمری بوده؛ گفت موقعی سرکار بودم. نمایندگان امام آمدند، گفتند با مردم همکاری کنید.

بهشتی: مهندس سحابی، هاشمی، فروهر.

[موضوع: ماجرای جاسوسی سعادتی:]

موسوی: (وزرا رفتند، صباغیان ماند) پرونده را خواندیم. یک نسخه دیگر [را] کسی آورد، خیلی ناقص بود. هر چهار نفر نظرم این بود [که] این فرد [سعادتی] تماس داشته، تماس جاسوسی بود. خود پاسداران معتقدند بالاتر از جاسوسی [است]. شما به شکل شوراها را بدهید دو گروه برادر هم با هم همکاری می کنند. چیزهایی غیر از وسایل جاسوسی خواسته اند. آیا در رابطه با سازمان است یا نه [؟]

بهشتی: اگر مسعود رجوی باشد، اسم مستعار خسرو نظامی.

صباغیان: گفته این فرد هست، ولی اسمش را نمی گوید.

موسوی: زنش جزو مارکسیست‌هاست، جزو مرتدین. خود او در آنجا نماز نمی‌خواند. از طرف پاسداران نامه‌ای نوشته شده، داده‌اند به شورا.

بهشتی: دو نفر دانشجو آمده بودند. یکی از مسائل این است در روز [بزرگداشت] شریف واقفی، مسعود [رجوی] در دانشگاه صنعتی و مجاهدین انقلاب اسلامی در دانشگاه تهران [میتینگ داشته‌اند]. جمعیت در دانشگاه تهران زیاد و در [دانشگاه] صنعتی کم بود.

موسوی: دو نظر است، نظر مشترک، آقایان با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تماس دارند. به همه ما مراجعاتی شده، باید افشاگری شود. نظر ندهند. مدارک را افشا کنند.

شیبانی: منتشر کرده‌اند [که] او را شکنجه کرده‌اند.

موسوی: اگر منتشر شود به نفع انقلاب است. نظر ما [این است که] اگر شورا تصویب کند، یک نفر یا دو نفر تماس با سازمان مجاهدین بگیرد. آنها منتظرند اوضاع را با آنها در میان بگذارند و پیشنهاداتی بکنند. سازمان مجاهدین خلق دست از این کارها بردارند. در زندان نماینده دارند، کسانی را می‌گیرند، اطلاعات جمع می‌کنند، مدارک را می‌برند. [آنها را] پس بدهند و جبران کنند.

خامنه‌ای: سلاح‌ها را بدهند.

موسوی: کارهای نظامی‌گری را خاتمه دهند. اطلاعاتی این سبکی نگیرند. به شکل یک سازمان سالم سیاسی کار بکنند. اگر می‌کنند، پافشاری نکنیم، افشاگری نکنیم. اگر گفتند نه، افشاگری بشود.

بنی‌صدر: بحث شد دلایل و مدارک نیست. مجموع سازمان، خدمت جاسوسی است. ولی یک مسئله هست. در دادگاه انقلاب آقایان هستند، در اطلاعات و ضد اطلاعات آنها هستند. اگر مجموع سازمان نیست، در درون سازمان هست، اقدام فردی نیست، تعقیب قضیه جزء مصوبات ما است.

شیبانی: بی‌توجهی به ارتش شده. ارتش در دست افسران طرفدار روس‌هاست.

صباغیان: مهم [این است که] آیا اسناد مقربی مبادله شده یا نه [؟] رفتن مورد مقربی است. روس‌ها لطمه بزرگی به نوع کارهای ضد جاسوسی ما در آینده می‌زنند. در حرکت اول، سه پرونده مقربی را از طریق زندان قصر می‌برند.

هاشمی: اداره دوم.

صباغیان: اداره دوم مهم نیست. آنچه مهم است، نوع کشف مقربی است، از طریق زندان است. اکبر طریقی از زندان و رضا معانی می‌برد.

بهشتی: حدود 59 صفحه‌اش نیست.

صباغیان: فتوکپی کرده‌اند. مطلب تصمیم‌گیری چون سیاسی است با خط‌مشی دولت تطبیق بکند [و] با نظر دولت باشد. کسی که برای بازجویی دوم گذاشته شد، نظر نداده، شفاهی گفته ارتباط ارگانیک است، با اطلاع سازمان، ضمن تماس با آنها. ادعایشان این است همه اینها را ساخته و دروغ گفته. جای دیگر گفته‌اند ارتباط بوده، اشکال ندارد، قصد ما خدمت به انقلاب است.

هاشمی: نقطه‌ای که توجه نشد، دارند به عهده می‌گیرند خواسته شوروی را عمل کنند، بهره برداری از شریعتمدار. صباغیان: اگر شرط را عمل نکردند، افشا کنیم، معلوم نیست صلاح باشد، درگیری روبرو می‌شود. شقوق اول را قبول نمی‌کنند.

سحابی: اگر کشف شد، شدید مجازات [شوند].

خامنه‌ای: یک وقت اینها قبول می‌کنند، همه را نمی‌گیریم. ولی وقتی مقداری را نگه داشتند، خودش آتو است، برای ما مضیقه سیاسی است. قبول نکنند، افشاگری مرحله به مرحله انجام شود. شخص مجازات شود، اگر افشاگری شروع شود و نیروی خود را از دست می‌دهند.

بنی صدر: ذره ذره فایده ندارد.

صباغیان: تمام مطالب را منتشر کنیم. پشت تلویزیون چیزی نمی‌گوید. 50 یا 60 صفحه را منتشر کنید نمی‌شود.

بهشتی: به صورت جزوه منتشر شود.

سحابی: به عنوان متهم خواسته شوند [و] از آنها سوال شود.

طالقانی: از آن طرف می‌آیند، می‌گویند جنبه جاسوسی ندارد. گفتم به آنها نیابند تا دادگاه نظرش را بدهد. حتی چپی‌های حاد را زیر فشار بگذاریم صلاح نیست، حتی فدائیان خلق [را]. افشاگری بشود، تحت فشار نگذاریم.

مسئله مجاهدین مشکل است. سلیقه‌ام این نبود [که] طرد کنم [تا] شاید اصلاح شوند. نه کاملاً تایید کرده‌ام، نه طرد. مقداری به نظر من مربوط به موضع‌گیری گروه‌هاست. فاجعه پیش می‌آید مثل گرفتن بچه‌های من. آقای مهندس صباغیان خودش متهم است، چون برادرش است.

صباغیان: من هم تقبیح می‌کنم.

طالقانی: بچه‌های من [را] اگر مجرم هستند، جلو من تیرباران کنید. در روش من، گروه‌بندی مطرود است.

مهدوی: اگر کسی خیانتش مسلم است.

طالقانی: مشی کل خودم است. اگر واقعاً قطع نظر از عقده‌های موضع‌گیری یا بی‌طرفی، اگر قصد کوبیدن باشد من وارد نمی‌شوم. اگر کشف حقیقت است، درست است. آنها غیرمستقیم تهدید می‌کنند. جاسوس یعنی چه [؟] برای روس‌ها یا آمریکا چه فایده دارد [؟] آنها گفته‌اند به وسیله این فرد که پیش همه می‌رود (دبیر اول سفارت، فارسی می‌داند) اینها اشتباه کرده‌اند. جنبه جاسوسی داشته یا می‌خواسته‌اند مقابل سیا کاری بکنند [؟] مسئله مهم‌تر که خطرناک است [اینست که مجاهدین گفته‌اند] اگر ما را تحت فشار بگذارند، مدارکی داریم از شخصیت‌ها که همین حالا با هایزر تماس دارند، اکثر [اعضای] شورا، [و آنها را] منتشر [می] کند.

بهشتی: بگوئید این خدمت را بکنید، بدهید به ما.

صباغیان: [به] من غیر مستقیم این تهدید را کردند، گفتند شاغلین.

بهشتی: کتمان این خیانت است.

مهندس سبحانی: [از] خودشان خواسته شوند، تحقیق شود. مسئله مهم است. سرنوشت اینها مطرح نیست. اثرات جامعه مهم است. برای روحیه جوان‌های مذهبی که به آنها توجه دارند. پیش داوری نشود. عرف مردم جاسوسی است. بازجو نظریه داده. یک وقت جاسوسی برای تخریب در ایران است، یک وقت برای به هم زدن روابط. [به] این نکته توجه شود.

بهشتی، طالقانی: توجه کنید آنها را بخواهند.

خامنه‌ای: در مقابل چه آوانس به شوروی اینها را می‌دهند [؟]

بهشتی: همه چیز برای آنها معلوم است، درست نیست.

موسوی: شما (بنی صدر) در جلسه‌ای که آقا باید باشند، شما هم باشید.

بنی صدر: در دانشگاه تعجب کردم.



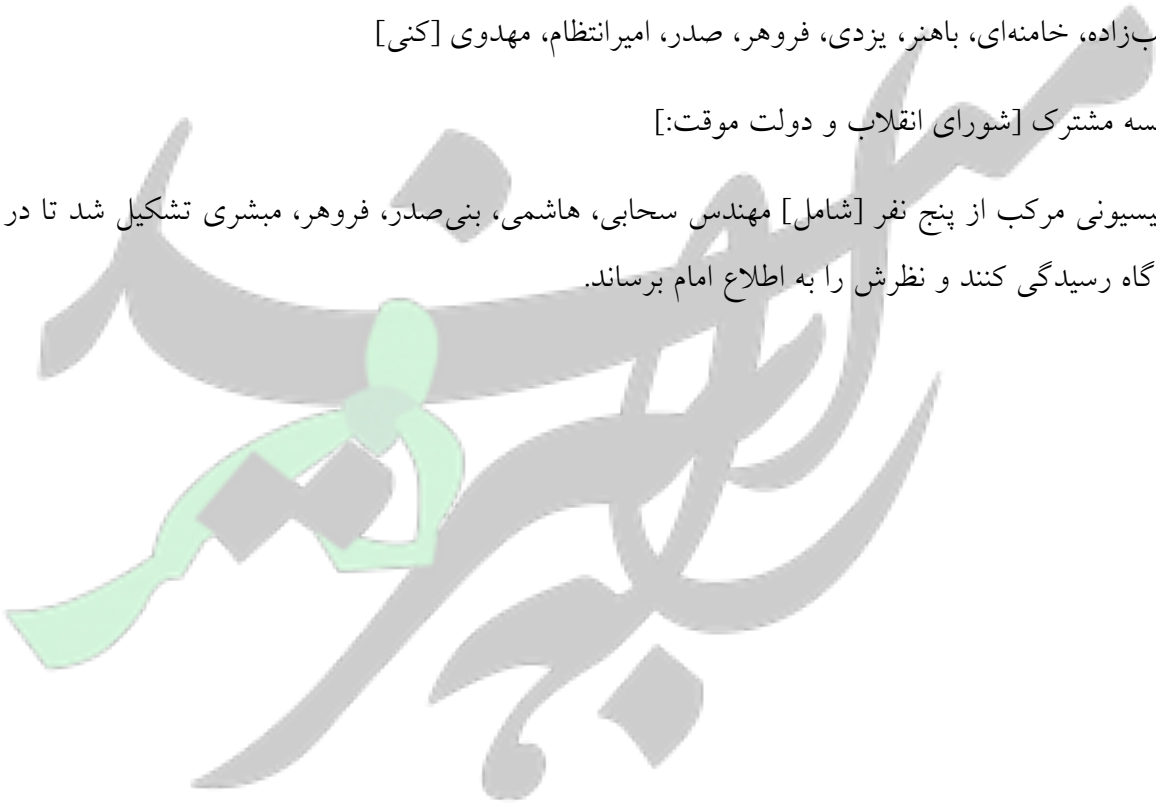
جلسه یگشنبه 1358/2/23

[شیبانی:] به علت مسافرت بجنورد دیر رسیدم.

[حاضران:] مهندس بازرگان، دکتر سامی، شریعتمداری، دکتر شکوهی، طاهری،^۱ کتیرائی، مهندس سحابی، احمدزاده، اردلان، بهشتی، صباغیان، دکتر سحابی، تاج^۲ (شیبانی)، معین فر، میناچی، موسوی اردبیلی، دکتر اسلامی^۳، ایزدی، هاشمی [رفسنجانی]، طالقانی، دکتر صدر، تیمسار مسعودی، تیمسار ریاحی، بنی صدر، مبشری، بنی اسدی، قطب‌زاده، خامنه‌ای، باهنر، یزدی، فروهر، صدر، امیرانتظام، مهدوی [کنی]

جلسه مشترک [شورای انقلاب و دولت موقت:]

کمیسیونی مرکب از پنج نفر [شامل] مهندس سحابی، هاشمی، بنی صدر، فروهر، مبشری تشکیل شد تا در مورد دادگاه رسیدگی کنند و نظرش را به اطلاع امام برساند.



1. محمد یوسف طاهری قزوینی (متولد 1306) وزیر راه و ترابری دولت موقت.
2. عباس تاج کاشانی، وزیر نیرو در دولت موقت.
3. محمدحسن اسلامی (97-1312) وزیر پست و تلگراف و تلفن در دولت موقت.

جلسه سه‌شنبه 1358/2/25

[حاضران: بنی صدر، شیبانی، مهندس سبحانی، بهشتی، هاشمی [رفسنجانی]، باهنر، مهدوی [کنی]

[موضوع: کمیته‌ها:]

سحابی: دستور زندان، گزارش قم، گمرک مهرآباد قریب به اعتصاب است و ممکن است به گمرک جنوب بکشد. عده‌ای از کمیته می‌آیند و اسناد و مدارک را می‌گردند. عده‌ای با هواپیما می‌آیند، بار دارند. یک بار 4800 روسری، پارچه چادری 400 کیلو، دیگری 15000 روسری.

مهدوی: ممکن است مربوط به کمیته نباشد.

بهشتی: شما (مهدوی) 50 مامور با کارت بگذارید آنجا که دیگر کسی نیاید آنجا.

مهدوی: قبلاً مامور ما بودند. آنها ایراد گرفتند، رد کردیم.

هاشمی: دکتر یزدی سی نفر [را] از سعدآباد برد آنجا. بعضی‌ها سیاست دولت را مورد توجه قرار نمی‌دهند.

بهشتی: 1) آقای مهدوی یادداشت کند از پاسداران بعد از رسیدگی.

مهدوی: پرسید پاسدار هست یا نه.

بهشتی: نامه کمیته روابط امام به دست ما برسد.

هاشمی: گزارش قم؛ لایحه تنظیم شده را به آقا گفتم (موسوی آمد). آقا گفتند اعدام‌ها را من مسئول نیستم. فاعل و کسی که دستور قتل عمومی داده، آمر به قتل، حبس ابد و عامل اعدام (طالقانی، قطب‌زاده آمدند). مصادره مال کسی که از دزدی حاصل شد لازم است زندگی فرد تامین شود. یک نماینده [از] دولت، یک نماینده [از] شورا، یک نماینده [از] دادستان، حکم [به] دست آنها برسد.

دکتر مبشری: لایحه توقیف عملیات اجرایی و منع صدور برگ اجرایی.

[موضوع: لایحه زمین:]¹

طالقانی: هم از نظر انقلابی مهم است و هم از نظر اصلاحات ارضی. اطراف تهران زمین‌های زیادی است. موات (زراعی است) گذاشته‌اند.

بهشتی: لایحه زمین کتیرائی مطرح شد.

شیبانی: این لایحه زمین را زودتر مطرح کنید [تا] دست ما باز باشد. پیش از اینکه دیگران عمل کنند و به حساب خودشان بگذارند، ما قوانین اسلامی را پیاده کنیم.

1. اواخر اردیبهشت 58، وزیر مسکن و شهرسازی اعلام کرد به موجب لایحه‌ای که در چند روز آینده تصویب خواهد شد، زمینهای بایر به نفع مستضعفین مصادره می‌شود (کیهان، 1358/2/29، ص 2). همچنین مقرر گردید دولت بابت واگذاری زمینهای بایر به مردم، پولی دریافت نکند و آئین‌نامه اجرایی این قانون پس از تصویب شورای انقلاب تهیه شود (کیهان، 1358/2/30، ص 4). اوایل تیر 58 به صورت رسمی، زمین‌های موات ملی اعلام شد. بر این اساس با توجه به اینکه در اسلام، مالکیت به زمین موات تعلق نمی‌گیرد، مالکان موظف گردیدند تا ظرف مدت معینی نسبت به عمران اراضی خود اقدام کنند (جمهوری اسلامی، 1358/4/6، ص 2). چندی بعد وزیر مسکن وعده داد متقاضیان زمین تا پایان سال 58 صاحب زمین شوند و تا چند سال آینده هیچ‌کس مالک زمین نباشد (کیهان، 1358/5/20، ص آخر). در این راستا، مالکیت اراضی بزرگ لغو گردید (اطلاعات، 1358/5/27، ص 3). همچنین وزیر مسکن گفت حداکثر تا شش سال آینده اراضی موات باید آباد شود (کیهان، 1358/5/28، ص 4). علاوه بر این اعلام شد که در لایحه جدید زمین‌داری، مالکیت بر زمین به صورت مشروط برقرار خواهد بود (اطلاعات، 1358/5/30، ص 11). ابتدای شهریور 58 مصوبه شورای انقلاب و دولت ناظر بر این امر بود که مالکیت زمین‌های بیش‌تر از هزار متر لغو شده و این زمینها در اختیار دولت قرار می‌گیرد و سپس دولت با شرایطی آسان، آنها را در اختیار مستحقین قرار می‌دهد (انقلاب اسلامی، 1358/6/5، ص 12). اندکی بعد معامله زمین‌های بزرگ شهری ممنوع شد (کیهان، 1358/6/8، ص 2). نیمه شهریور 58 قانون نحوه زمین‌داری به شورای انقلاب تقدیم شد. بر اساس این لایحه به مالکان اراضی کشوری، سه سال مهلت داده شد تا این اراضی را بهره‌برداری و احیا کنند (کیهان، 1358/6/15، ص آخر). این لایحه اواخر شهریور به تصویب شورای انقلاب رسید و بر طبق آن، مالکیت بر اراضی کشاورزی نیز مشروط شد (اطلاعات، 1358/6/29، ص 2). همچنین اجازه مشروط معاملات ارضی صادر شد که شامل زمینهای تا هزار متر در تهران و تا 1500 متر در شهرستانها می‌گردید (اطلاعات، 1358/7/3، ص 1). البته این معامله نیز منوط به اجازه سازمان عمران اراضی شهری شد (اطلاعات، 1358/7/19، ص 2). برنامه تقسیم اراضی موات بین دهقانان از دیگر برنامه‌هایی بود که وزیر کشاورزی آن را اعلام کرد و گفت اگر دهقانان زمینهای واگذاری را آباد نکنند، دولت پس از سه سال اراضی را پس می‌گیرد (اطلاعات، 1358/7/29، ص 2). تصویب قانون فوق به این نتیجه منتهی می‌گردید که تنها کسانی مالک زمین شناخته می‌شدند که صاحب خانه نباشند. خبرهای آن روزها حکایت از سقوط شدید قیمت زمین و نیز قیمت خانه و آپارتمان داشت (اطلاعات، 1358/7/30، ص 5). مجموعه این تلاش‌ها در راستای حذف قیمت زمین از مسکن و تسهیل شرایط خانه‌دار شدن افراد صورت می‌گرفت.

بهشتی: لایحه قرار نبود مطرح شود.

طالقانی: این لایحه را مطرح کنید بهتر است.

بهشتی: تذکری است؛ به لایحه زمین اضافه شود خرید و فروش ممنوع.

بنی صدر: یا اجازه ساختمان نمی‌دهید یا می‌دهید. اجازه دادن درست نیست. زمین شهری در اختیار شهرداری.

موسوی: بر طبق فقه معمول زمین‌ها مملوک است. اقلیت در فقه می‌گویند زمین مالکیت ندارد.

مهدوی: خدمات شهری است، به زمین ارزش داده.

لایحه زمین به اتفاق آراء تصویب شد.

[موضوع: روابط دولت موقت و شورای انقلاب:]

طالقانی: در آئین‌نامه موارد استثنایی را ذکر می‌کنند. در مورد لیبی تصویب کردیم روابط [در سطح] کارداری باشد. (مهندس بازرگان، سحابی آمدند).

مهندس بازرگان: در سیاست خارجی به فرمولی رسیدیم. [در مورد] مالکیت و کارخانه‌ها مشغولیم طرحی تهیه کنیم.

بهشتی: قانون اساسی و طرز تصویب آن معلوم شود.

طالقانی: تاخیر مجلس مؤسسان و تصویب قانون اساسی ضرر ندارد. ناهماهنگی فوق‌العاده بین دولت و شورا و آقای خمینی است. مسئله مهم‌تر شوراهاى ایالتی و ولایتی است.

بهشتی: آقای خمینی آماده هستند [که] شورا با این وضع فعلی هم تصمیمات کلی را بگیرد. ناتوانی شورا سبب آن بود.

موسوی: تصمیم گرفته می‌شود. ولی کسی که نزد آقا برود [و] بگوید، نیست. رابطی باشد [که] مصوبات اینجا را بگوید به آقا.

طالقانی: یکی مسائل مطرح شده را از ایشان بپرسد و مسائل تصویب شده را بگوید.

موسوی: با در نظر گرفتن اهمیت شوراها که اقدام شده، شورای انقلاب اقدامی نکرده. مسئله دوم پیشنهاد این است، نحوه تصویب با مجلس مؤسسان باشد یا نه [؟] اگر مؤسسان باشد، شوراها باشد.

طالقانی: هم‌آهنگی و شوراها.

بنی صدر: بسیاری موارد هست که آقا مصلحت نیست کتباً بنویسد.

مهندس بازرگان: مسئله تفرقه بزرگترین مسائل عدم موفقیت است. وحدت چون عملی نیست، تقلیل تفرقه لازم است به حداقل. آقای موسوی بروند دولت هفته ای یک روز. در شورا یک روز اختصاص به لوایح داده. این هیات حاکم باشد و همه چیز در شکم آن حل شود. پیشنهاد [؟]: شورای انقلاب و نمایندگان دولت و آقا جلسه مشترک تشکیل بدهند، دستور را حل و بحث نمایند.

مهدوی: مطلبی به آقا گفته شود و اگر گاهی نظر فوری دارند، خودشان مستقیم اعلام نکنند.

طالقانی: مسائل کلی با ایشان حل شود. در عزل و نصب وزرا [و] استاندارها دخالت بکند یا نه [؟]

دکتر سبحانی: راجع به آن موضوع (مجلس مؤسسان) صحبت کنم. ولی این مطلب جلسه در حضور آقا خیلی لازم است. توضیح مطلب آقای طالقانی داده شود.

مهندس بازرگان: مسائل هست که باید توجه هر سه مقام [به آن] جلب شود.

مهندس سبحانی: اگر هماهنگی سه قطب رهبری با این جلسات حل می‌شد، خوب بود؛ ولی نمی‌شود.

هاشمی: دو هفته یکبار.

بهشتی: چند جا محل فرود هلیکوپتر باشد.

طالقانی: ماشین بزرگ محفوظ باشد، جلسه در ماشین باشد، پخته شود.

تصویب شد برویم.

مهندس بازرگان: مسائل را تهیه می‌کنیم، شورا بحث می‌کند.

بهشتی: سیاست خارجی در رابطه با نظر شورا و دولت روز پنجشنبه مطرح شود. در قم طرح شود [[: دادگاه‌ها،
رفراندوم، شوراها.

بنی صدر: آئین‌نامه تصویب شد، موارد رسیدگی دادگاه‌ها معین شود. احکام اعدام قبل از اجرا یک کمیسیون سه
نفری شورا، دولت، دادستان کل. اگر مواردی برای لغو پیش آمد، به آقا گفته شود و این نوشته را دادند. اعدام‌های
با عجله تحت جوّ فشار حاکم بر قضات بود، از طریق حزب یا جای دیگر. به آقای زواره‌ای گفته شود نرود.
تصمیمات که هیات گرفته، اجرا شود.

بهشتی: شورا یک عده را معین کند [تا] این کار را اجرا کند.

شیبانی: زندانها را منتقل کنند، بعد اقدام کنند.

بهشتی: آقای مهدوی به هیات اضافه شود.

مهندس بازرگان: تمام وقت شورا صرف آن شود، کمیسیون لوایح ما را بررسی کند.

بهشتی: این کمیسیون برای تصویب لوایح دولت [باشد] و اگر لازم دانست [لویح را] به شورا بیاورد.

مهندس سجابی، هاشمی، باهنر، [اعضای کمیسیون تصویب لوایح باشند].

تصویب شد.

[موضوع: قانون اساسی و مجلس مؤسسان:]^۱

طالقانی: مسئله رفراندوم [قانون اساسی] در این شرایط سروصدا دارد.

هاشمی: به هر حال شورا، چه رفراندوم، چه مجلس مؤسسان، باید شوراها باشد. در جلسه نیم ساعته تصویب
شد یا [مجلس] مؤسسان یا رفراندوم.

طالقانی: آیا عملی است [که برای] قانون اساسی با مواد مفصل، آرای عمومی نظر بدهد [؟]

1. قبلاً شرح تفصیلی در خصوص فرایند تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی ارائه شده است.

قطب‌زاده: موافق و مخالف، پس و پیش حرف بزنند. در مورد رفراندوم بحث مفصل شد که آیا مجلس مؤسسان باشد یا رفراندوم؛ قرار شد چون نظر نیست صریح گفته شود، بگوییم بعداً به تصویب ملت خواهد رسید. مجلس مؤسسان فقط اسپانیا داشت که یک و نیم سال طول کشید. مجلس مؤسسان 80٪ عملی خواهد بود. [در] تبریز طرفداران شریعتمداری خواهند بود. خیلی سریع هم باشد شش ماه طول می‌کشد تصویب آن. ولی شورایی یک ماه از مردم نظر راجع به قانون اساسی می‌خواهد، پس از جرح و تعدیل و تصویب شورا و آقا، رفراندوم شود.

هاشمی: انتخابات مجلس مؤسسان است که در این شرایط که وضع خوب نیست، درگیری مسلحانه هست، تبعات آمدن علما در مجلس درست نیست [و در آنجا آنها] مسائلی را تکیه می‌کنند که آن وقت قانون اساسی ارزش سازندگی کشور را نخواهد داشت. مردم از مضامین قانون باخبر شوند تا رای بدهند.

باهنر: علاوه بر آن، شورا کمیسیونی تشکیل دهد [تا] روی قانون کار کند.

بهشتی: در مجلس مؤسسان باشد با انطباق با رای آگاهانه در جلسات بحث. ولی به نکته‌ای رسیدیم که عملاً نماینده مردم درصد آگاهی‌شان کم است. اگر مجلسی تشکیل شود که اکثر آن را خبرگان تشکیل دهند، ارجح است.

مهندس سبحانی: تایید حرف است.

موسوی: اگر به این زودی دست به کار شویم، قابل حل نیست این اشکالات. اگر یکی دو سال دیگر بکنیم، مشکلات بیش‌تر خواهد بود.

طالقانی: مجلس مؤسسان خوب نخواهد بود، ولی چگونه عمل کنیم [؟] مؤسسان بدعت رضاخان است. [پیش-نویس قانون اساسی] یک ماه در جراید درج شود و نظر خواسته شود، آرای اکثریت صاحب‌نظران معین شود، در این شورا یا شورای وسیع‌تر [و] با نظارت آقا تصویب شود، آقا هم امضا کنند.

دکتر سبحانی: [اینکه] آیا مجلس مؤسسان لازم است یا نه، برای من تازگی دارد. آقایان بدون توجه به نظر دولت نظر می‌دهند. قانون اساسی یک قانون محدود نیست، قانون کلی است. در تمام مسائل مملکت، بهترین راه، اگر مطالعات کامل بشود، جواب نظرش را باید بشنود. شش ماه قبل دنیا بر له ایران [به نفع ایران] بود، از دو ماه اخیر وضع برگشته. این کارها را به حساب اسلام می‌گذارند. نمونه اعمال اینطور بوده [که] به جای آنکه تبعات را رفع کنیم، اصل را به هم می‌زنیم. هیچ مملکت نبوده [که] به قانون اساسی با رفراندوم رای بدهد. تصمیم آقایان با

اصل منطقی مابینت دارد. دولت را ندید می‌گیرد. نظر امام [را ندید می‌گیرد] که [در حکم نخست‌وزیری بازرگان] نوشته‌اند مجلس مؤسسان. در رفراندوم نوشته شد قانون آن به تصویب ملت خواهد رسید. بدین دلیل به اطلاع مردم رساندم دولت باید برقرار بماند و دولتی سراغ ندارم. وضع نامطلوب باید تحمل شود.

مهندس بازرگان: رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ ۱ و ... قدرت انقلاب در صداقت است. موجبات و علل ذکر شده برای تصمیم آقایان مورد توجه است. نباید منکر شد [که] این عدولی است از گذشته و تناقض دارد [با] فرمان آقا [در مورد] انجام رفراندوم و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم. تنظیم فرمان از طرف خودمان یعنی شورای انقلاب بوده و این مطلب نقض نشده و من به کرات آن را تکرار کرده‌ام. وزیر مشاور ساده نیست، برای شورای طرح‌های انقلاب است. مجلس مؤسسان مواجه با مشکلاتی هست، ولی مثل شما بدبین نیستم. مثل رفراندوم که همت شد، برای جواب گفتن و تودهنی زدن یک وسیله همین [تشکیل مجلس مؤسسان] است. برنامه داغ و دینامیک، حتی در مورد رفراندوم گفتند چرا [پاسخ به آن] آره یا نه [باشد]. دموکراسی مشکل است. [این استدلال که] نمایندگان علما و یا افراد غیرآگاه می‌آیند ... [پس] نباشد، این استدلال طاغوتی است. مردم می‌گویند ما را گول زدید. یک موقع تردید پیدا شد در موقع رفراندوم. من دو راه بیش‌تر ندارم: یا به مردم بگویم من دروغگو بودم، یا بگویم ... یا آنکه تصمیم گرفته شد بدون توجه به نظر دولت اقدام کنند.

بنی‌صدر: موافق مجلس مؤسسان بودم و هستم. اگر افراد رای دارند، رفراندوم را خراب می‌کنند. اگر از ترس آقا نمی‌کنند، این استدلال پروپا قرص نیست. اشخاص خبره خوش‌نام زیاد هستند. مملکت یک دست نیست. اگر رفراندوم بکنند، اقلیت‌ها می‌گویند چون به حق آنها توجه نداشتید، رفراندوم کردید. [در پاسخ به این] استدلال به اینکه جاهای دیگر رفراندوم شده، [باید گفت] آنجا تغییر رژیم نبوده، تغییر شکل بوده. با شکل بینابین که هم مجلس مؤسسان و هم مراجعه به آرای عمومی که نظر دولت را تامین بکند و واقعاً دموکراتیک باشد [موافقم].

موسوی: آقای مهندس بازرگان آیه‌ای را خواند، من هم یکی می‌خوانم [!]: مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ ... نَأْتِيْ بِآيَةٍ ۲. بیش‌تر [صحبت‌ها] در محسنات مجلس مؤسسان بود. منکر محسنات آن نبوده‌ام، [اما] اندازه حُسن آن چقدر است [؟] بعضی حرفها را قبول ندارم، [مانند] قول دادن دولت. قول، اصل مسلم. ولی اگر مشکلاتی پیش بیاید [و] تقدیرات مملکت در خطر بیافتد، یا مشکلات را بررسی نکرده‌اید یا توجه نکرده‌اید. ضعف ما در حل مشکلات زیاد است.

1. آیه 80 سوره اسراء: پروردگارا مرا به قدم صدق داخل کن.

2. آیه 106 سوره بقره: هرچه از آیات قرآن را نسخ کنیم یا حکم آن را از خاطرهای متروک سازیم، بهتر از آن یا مانند آن را بیاوریم.

[مثلاً با] دخالت مسلحانه [مواجهیم]. لازم نیست میزگرد باشد. راه‌حل که بیان شود توسط بنی‌صدر و آقای طالقانی، راجع به کارگران و دائمی، صحبت آقای مهندس، همکاری بین دوستان [...] از افراد جلسه یک بار شنیده شده که مشکلات نداشته باشیم. ظاهراً ما نگفته‌ایم که چنین می‌گوییم.

مهندس بازرگان: پیمان و عهد در مقابل مردم.

بهشتی: ما معتقد هستیم به رابطه صدق و دخول صدق و خروج صدق. آیا صدق این نیست که اگر شورا به مردم گفته بودیم مجلس مؤسسان و اگر امروز دیدیم برخلاف مصلحت است، حالا باید گفت نه [؟] شما می‌توانید بگویید تشخیص من فرق نکرده، ولی در مجموع تصمیم بر آن شده که مجلس نه. در برابر مردم اینطور ظاهر شویم. در بعضی موارد اختلاف آرا هست و اتفاق عمل. مردم چشم بسته حرف می‌زنند. مردم خبره قابل اعتماد محلی مشکل است. در مورد قانون اساسی، رأی روی تک تک مواد نیست. در مورد اقلیت‌ها، رأی مشورت با بلوچ، با اعراب، کردستان و ترکمن‌ها، جلسات مشورت خاص علانیه تشکیل شود. ولی چه چیز ما را وادار می‌کند روی شرایط موجود، تصمیم عملی بگیریم [؟ آن] تجربیات این مدت است. نظر خمینی که بگوید این نمایندگان را تایید می‌کنم، ولی اثر جالب ندارد. ما قصد استفاده از رای عموم داریم، ولی نحوه استفاده آن فرق می‌کند.

شیبانی: مجلس باشد، می‌شود محدود کرد.

مهندس بازرگان: اشکالات در مقررات تشکیل، مقداری حل شد. [با] بعضی نمایندگان که آمده‌اند، صحبت شد، با تفاهم گفتگو شد. با افراد مختلف صحبت شده. باید حداقل بهانه دست اینها داده شود. ما فراندوم را تضييع حقوق حقه مردم می‌دانیم و مجلس مؤسسان را حق می‌دانیم. هیچ نگرانی از بابت بدی مجلس ندارم. آقا هم گفته‌اند انقلاب ما را پابره‌نه‌ها تشکیل دادند، بگذارید یخ آنها باز شود.

طالقانی: اولاً باید دید مجلس مؤسسان چه سیغه‌ای است. یکی تغییر رژیم است، یکی نوشتن قانون اساسی. مجلس مؤسسان چقدر لزوم دارد [؟] ممکن است شق ثالث هم باشد. مملکت بر طبق موازین اسلام باشد، حق اقلیتها [هم] محفوظ [باشد]. قوانین ما تاسیس شده است، در اسلام یک رهبری است [و] یک شورا. سروصدای خارج وجود داشته و دارد. قوانین داخلی حکومت مردمی است. در این شرایط که گروهی مترصد هستند، طرح مجلس مؤسسان [خطراتی دارد]؛ شرایط خطیر است و دولت قدرت جلوگیری ندارد. ارتش قدرت ندارد. مجلس مؤسسان را در شرایط ایران چیزی لازم نمی‌دانم. جای آن چه باشد برای اعلام قانون اساسی و قبول مردم [؟]

یک مجلس مؤسسان و یک مجلس شورا و یکی هم شوراها که در پیش داریم. 1) شوراها تقویت شود، چهره‌هایی بیایند و اوضاع تثبیت شود.

مهندس بازرگان: قانون شورا را [به شورای انقلاب] می‌آوریم.

طالقانی: 2) بعد مجلس شورا، 3) قانون اساسی را مجلس تصویب کند.

مهندس بازرگان: مهم‌ترین مسئله که پیش آقا طرح شود، آن باشد.

موسوی: رای‌گیری در جلسه دوم قانون خوانده شود.



جلسه پنجشنبه 1358/2/27

[حاضران: هاشمی [رفسنجانی]، شیبانی، شکوهی، مهندس سبحانی، دکتر شریعتمداری.]

لایحه قانون انتزاع مددکاری یاغچی آباد و وابسته شدن به وزارت علوم تصویب شد.

لایحه معافیت فارغ التحصیلان ... از خدمت زیر پرچم تصویب شد.

لایحه تملک آپارتمانها. لازم است وزیر شهرسازی و مسکن بیاید.

لایحه انتزاع هواپیمایی تصویب شد (مهدوی، خامنه‌ای آمدند).

لایحه اوقاف که قبلاً تصویب شده بود، مطرح شد. ولی قرار شد آقای میناچی توضیح بدهند (بنی صدر برگشت).

تبدیل نام تبلیغات به وزارت تبلیغات و ارشاد ملی (موسوی آمد).

لایحه اعاده دادرسی برای توضیح برگشت داده شد.

لایحه بخشودگی عوارض نوسازی توضیح دارد (دکتر بهشتی آمد).

رسیدگی شود در مورد فرودگاه که از کمیته آمده‌اند چیست.

بهشتی: پرونده بانک اعتبارات صنعتی (قطب‌زاده آمد) (طالقانی آمد).

موسوی: دو سه صحبت کوچک: جریان سرهنگ حفیظی، فرودگاه و سلطنت آباد تعقیب شود.

مهندس سبحانی: چند موضوع فوری: تعقیب این افراد، مجلس مؤسسان، شوراها، مدیر کل عمرانی کردستان

مهندس چاره‌ای.

بنی صدر: تکمیل شورا مهم‌تر است، بعد شوراها [مطرح شود].

هاشمی: شوراها باید مطرح شود.

بهشتی: تصمیم اگر زود گرفته شود، بهتر است.

خامنه‌ای: کارهای مقدماتی شورا انجام شود.

بهشتی: تکمیل اعضای شورا.

موسوی: من دکتر ناصر کاتوزیان را معرفی می‌کنم برای عضویت در شورا (مبشری آمد).

مهندس سجایی: موحدی مهر، کارگر کارخانجات جهان. اسامی اضافه شورا مطرح شد.

بهشتی: اگر برای اضافه شدن به کار شورا فرد می‌آید، باید کسی باشد که کارش کم باشد و یا اشتغالش در زمینه شورا باشد.

موسوی: شرط آن است که وقت بگذارد.

مهندس [میرحسین] موسوی مطرح شد.

قطب‌زاده: کارش زیاد است.

طالقانی: معیارها را تطبیق کنید.

شیبانی: اصولی که برای فرد واجد صلاحیت لازم است، خوانده شود.

طالقانی: بعضی‌ها می‌آیند، من نمی‌شناسم.

خامنه‌ای: مهندس موسوی را می‌شناسم. پیش برنده جلسه است. از دیرباز در مبارزه بوده. در عقاید اسلامی مستقیم است. تعصب ندارد.

بهشتی: شوخی بکنم، موسوی هم خامنه‌ای است.

قطب‌زاده: تمام مطالب را قبول دارم، ولی خیلی خشک است.

بهشتی: [میر] حسین موسوی از معدود کسانی است که در مدت اقامت در خارج سازندگی داشت و به‌عنوان مرشد، مورد قبول بود.

بنی صدر: چهار شرط برای انتخاب همکار است [۱]: تکرر نباشد، اهل غیض^۱ نباشد، ضمناً اگر با کسی برگشت مخالفت نکند، اسرار را بیرون نبرد، به جمع دروغ نگوید.

بهشتی: تمام شرایط گفته شده در او هست.

باهنر: تمام مسایل [مورد] تایید [است]، ولی در حزب^۲ مشغول کار است، سردبیر روزنامه^۳ است.

هاشمی: این شغل بهتر است. مطبوعات سیاست اساسی حزب را بدانند.

بهشتی: اگر از نظر وقتی، بتواند بیاید، ایشان و بنی صدر یار مطبوعاتی شورا را عهده‌دار خواهند شد.

بنی صدر: حزب اکثریت شورا را گرفته.

هاشمی: حزب لازم است و باید هم آن را درست کنند.

طالقانی: هنوز ماهیت حزب جمهوری اسلامی را نمی‌دانم.

خامنه‌ای: مهندس موسوی را به علت فعال بودن خواسته‌ایم، نه [عضویتش در] حزب.

بنی صدر: شورا باید معرف کل جنبش باشد، نه جزئی از جنبش.

بهشتی: [مهندس] موسوی به اعتبار شخصی او، نه عضویت در حزب.

طالقانی: عضویت منهای گرایش است یا نه [؟]

صلاحیت مهندس موسوی تصویب شد به اتفاق.

دکتر پیمان مطرح شد.

مهندس سحابی: می‌شناسم.

خامنه‌ای: می‌شناسم.

1. صحیح، غیظ است؛ به معنای خشم و غضب.

2. حزب جمهوری اسلامی

3. روزنامه جمهوری اسلامی

بهشتی: موافقم، [اما] در نوشته اخیرش حالت تقید به بعضی مبانی را از دست داده.

مهندس سبحانی: تقید ندارد.

طالقانی: در خارج [این طور] انتشار دارد [که] شورا یک عده هم فکر هستند و کسانی که دید دیگری داشته باشند، [در آن] نیست. کسانی که انتخاب می‌شوند [کسانی باشند که] مخالفت کنند با نظریات ما (بهشتی).

خامنه‌ای: پیمان ممکن است در نوشته‌هایش مطالب مورد نظر خودش را بنویسد، ولی [از] جنبه‌های مثبت [او این است که] فکرش کار می‌کند، انقلابی است، مسائل خوب، پیشنهادات خوب، آدم خسته نشو [است].

بنی‌صدر: رفتار سیاسی‌اش نیست.

خامنه‌ای: در کار ایدئولوژی با او نمی‌شود همکاری کرد، [ولی] شورا کار اجرایی می‌کند.

بهشتی: [از] معیارها بینش اسلامی [است] و ...

طالقانی: قبل از تصویب، این بحث‌ها با فرد حل شود. یکی دو نفر با او صحبت کنند، مثل مهندس سبحانی، [در مورد] شرایط عضویت.

هاشمی: با پیمان کار کرده‌ام، همکار خوبی است، تخلف از جمع ندارد، روی افکارش متصلب است.

مهندس سبحانی: پیمان آدم متعهد است، نماینده یک تیپ است، در جامعه موثر است. از جهت تک‌روی، فکرش تک‌رو است، ولی خلاف جمع عمل نمی‌کند.

بهشتی: خصلت خلاف کردن ندارد. با ذهنیات خود سخت مانوس، [و] در جلسات بحث ایده‌آلیستی [است].

مهندس سبحانی: به‌عنوان شوخی، با نهضتی‌ها^۱ مخالف است.

پیمان تصویب شد (هشت رأی).

جلال فارسی مطرح شد.

خامنه‌ای: تک‌رو هست. همیشه نسبت به جمع نق دارد.

1. منظور، نهضت آزادی است.

قطب‌زاده: فارسی کینه‌ای است و در حد نابودی.

بهشتی: اگر اداره شود نیرو [است] و گرنه مخرب [است].

[فارسی] رد شد (دو نفر رأی داشت).

دکتر چمران [مطرح شد]. به علت معاونت نخست‌وزیر، نمی‌شود [که عضو شورا باشد].

جواد منصوری مطرح شد.

بهشتی: از نظر انتشار اخبار شورا به سپاه [خوب است].

موسوی: تایید.

مهندس سبحانی: تعریف‌هایی دارد. در [حزب] ملل اسلامی بچه‌های خوب هست، [اما] هیچ چیز ابتکاری ندارند. فرد مذهبی [و] تا حدی متعصب [است]. سعی در رد افکار التقاطی دارد، ولی مستقل نبوده.

بهشتی: [او را] نمی‌شناختم. برای کاری درباره‌اش تحقیق شد. از معدود کسانی است که [درباره او] از افراد مختلف سوال شد، [و همه] به نیکی یاد کردند.

خامنه‌ای: در مقایسه با پیمان و مهندس موسوی، ذهنی متغیر ندارد.

قطب‌زاده: اگر فرمانده پاسداران را باید ما انتخاب کنیم، یکی از سه نفر است و یک نفر هم از شورا باید باشد، درست نیست.

بهشتی: اگر فرماندهی در همین جریان باشد.

قطب‌زاده: فرمانده سپاه مثل [مسئول] دولت [به جلسات شورا] بیاید.

هاشمی: سپاه آنقدر کار دارد، لااقل این شش ماهه حق نیست.

بهشتی: رأی موافق من به علت فرمانده بودن [وی است].

[جواد منصوری] رد شد.

میرسلیم مطرح شد [و] رد شد.

مریم اصلان دوست مطرح شد.

بنی صدر: موقع فعالیت چپی‌ها در دانشگاه و اول آمدن ما، دانشکده صنعتی (آریامهر سابق) هم دانشجوی و هم زن، دو اولویت دارد.

مهندس سحابی: دانشجوی لازم است، ولی یک نفر که سمت نمایندگی داشته باشد وجود دارد. تغییر فکر در آنها زیاد است. کسی باشد که حداقل پنج سال سابقه داشته باشد.

طالقانی: اگر به گوش آقا برسد، معلوم نیست چه می‌کنند.

هاشمی: شوخی از آقا پرسیدم ...

[مریم اصلان دوست] رد شد.

بنی صدر: قرار شد خانم باشد، دانشجوی باشد.

بهشتی: قرار شد اولویت داشته باشند اینها.

خامنه‌ای: مبنای شورا بر انتخاب نبوده. شورای انقلاب مجلس نیست. رد شد [با] یک رای موافق.

خانم بانکی مطرح شد.

قطب‌زاده: موقعی که [در] آمریکا بود، فعال بود.

طالقانی: من هم می‌شناسم، ولی به درد شورا نمی‌خورد.

بهشتی: از افراد فعال بوده.

[خانم بانکی] رد شد (دو نفر موافق).

خامنه‌ای: در مورد طاهره صفارزاده، زن سنگین و جا افتاده است، شاعره معروف است. زن باهوش، نکته سنج، باسواد، با صداقت و اخلاص [است]. [در] کانون نویسندگان، نهضت فرهنگی را خوب اداره می‌کند، حالت بی‌نقصی دارد.

طاهره صفارزاده رد شد.

مهندس جلالی مطرح شد.

قطب‌زاده: گرایش ندارد، معرف قشر تحصیل کرده [است]. واقعاً روشنفکر اسلامی دانشگاهی است. خوش فکر است [و] بسیار عملی. تنها اشکال [او] وقت نداشتن به علت کار است.

بهشتی: مردی است متدین، متعهد، رشته مهندسی و رشته فلسفه خوانده، در مسائل اجتماعی خوش فکر و دم‌خور قشر کارگر [و] مورد علاقه دانشجویان متعهد است. شاهرودی است.

قطب‌زاده: بورس کامل برای [دانشگاه] هاروارد برای سه سال داشت، [اما] رها کرد.

طالقانی: با این خصوصیات و احتیاج رادیو تلویزیون، [حضور وی در رادیو تلویزیون] از شورا لازم‌تر است.

بهشتی: اگر کسی مستقیم در جریان افکار شورا باشد [و] خودش در تمام فعالیتها منعکس کند، بهتر است.

با اتفاق آرا تصویب شد [عضویت] مهندس جلالی.

مهدوی: دکتر محمود کاشانی^۱ را معرفی کرد، پذیرفته نشد.

حاج صادق [با] یک رای. رد شد.

عسگراولادی مطرح شد. رد شد.

محسن رفیق‌دوست. رد شد.

خانم رهنورد. رد شد.

مسعود رجوی

مهندس سجابی: روی جمعیت بحث شود.

هاشمی: محمد محمدی^۲ از آنها^۳ که معتدل است.

1. سیدمحمود مصطفوی کاشانی (متولد 1321) فرزند آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، حقوقدان و عضو حزب جمهوری اسلامی.

2. محمد محمدی‌گرگانی، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق و نماینده مجلس اول شورای اسلامی.

3. سازمان مجاهدین خلق.

مهندس سبحایی: محمود احمدی.

خامنه‌ای: خواهرزاده شاه‌آبادی.

بهشتی: مسئله گروه آنها حل شود.

بنی‌صدر: اول که قضیه [جاسوسی برای] روسیه مطرح نبود، من گفتم بیایند. طرز فکر آنها استالینیزم است. در زندان هم دیدم بر سر اطلاعات چه می‌آورند. تردید دارم در شورا باشند. مرکزیت اطلاعاتی کشور اینجاست. قطب‌زاده: نظر بنی‌صدر عیناً درست است.

مهندس سبحایی: اعتقادم این است شورا نمونه‌ای از همه نیروهای اسلامی که در جنبش بوده‌اند، باشد. در [رابطه با] حوادث اخیر، حرفهایی دارند. موجی در تمام کشور است [متمایل به] مجاهدگشان. وضع خطرناک است. جایی که می‌تواند از این افراط جلوگیری کند، شورا است. مصلحت [در] بودن آنها [در شورا] است. طالقانی: زمینه فکر من را مهندس سبحایی گفت. [سازمان مجاهدین] جوان‌ها را جلب می‌کند. در اثر تماس با اینها، هر وقت اشتباه می‌کردند، ذکر می‌کردم، پذیرفته‌اند.

بهشتی: ظاهراً یا واقعاً [؟]

طالقانی: مخالفت روی رفتار شخصی آنها بوده. اگر کسی کمی نرمش نسبت به دستگاه داشت، جهت مخالف شدید می‌گرفتند و این سبب شد علیه آنها دسته‌بندی شود.

بهشتی: پیغامی که به شما داده آقای لاهوتی از طرف موسی خیابانی.

طالقانی: تحقیق کردم، قسم خوردند [که] چنین نبوده. خیلی کار می‌کنند. هرچه طرد شوند، خطرشان بیشتر خواهد بود. ضد آخوند نیستند، ولی خیلی‌ها را قبول ندارند. در اینجا، یکی دو نفرشان باشند، برای پیشرفت این حرکت، مصلحت است. همه آنها یک برداشت ندارند.

هاشمی: قسمتی از حرف‌های آقا را قبول دارم. بهتر است نیروی ما حرف [صرفاً] درگیری با آنها نشود. مقدم واجب، دو سه نفر آدم قوی که درست آنها را بشناسند، در دو سه بُعد با آنها صحبت کند [و دریابد که] برداشت

آنها از کفر و ایمان چیست. در معیار آنها چپی ممکن است موحدتر باشد. شناخت آنها توحید ما را نشان نمی‌دهد. برداشت آنها از فقه درست نیست. مسئله مهم از نظر سیاسی، اعتماد است. سیاسی برخورد نکنند.

بنی‌صدر: با دوز و کلک.

هاشمی: خیابانی واقعاً گفته بود، منکر شده. جمع می‌زند حرف را، بعد می‌گویند [نظر] شخصی بوده. صریح با آنها صحبت شود [تا] موضع قابل اعتماد در مقابل چپی‌ها بگیرند. اگر بپذیرند [که این] موضع اعلام شود، خوب است. اگر این کار بشود، بهترین افراد هستند [که] در شورا باشند، در دولت باشند.

باهنر: حرف بیش‌تر ندارم.

خامنه‌ای: مبنای گزینش یا رد [چیست؟] نباید تسلیم گردن‌کلفتی شد. احساسات ما این است با ما باشند، [اما] برای انتخاب در شورا صالح نیستند. اصل مسئله [این است که] به این گروه، نه گذشته‌ها، نه از نظر ایدئولوژی و نه سیاسی اطمینان نیست. با جمعی کار کنند که هیچکدام را قبول ندارند [؟] حتی آقای طالقانی را [؟] به گفته و اظهار آنها نمی‌شود تکیه کرد. تعقیب جهت‌گیری خاص سیاسی. بهترین مهره‌های ما را به شدت می‌کوبند. در سفر گیلان چیزهای وحشتناک دیدم.

بهشتی: مکارانه.

خامنه‌ای: ایراد به افراد بود، به هاشمی که سه ربع حرف زد.

مهدوی: [این] سوال برای فرقانی‌ها هم هست.

بنی‌صدر: راجع به هاشمی.

بهشتی: موسوی و مطهری مخصوصاً.

خامنه‌ای: باج ندهیم. الان موج ضد مجاهدین به وجود آمده، طبیعی است.

بنی‌صدر: خودشان ایجاد کرده‌اند.

خامنه‌ای: در دانشگاه مشهد قوی بودند. ولی حالا موج ضد آنها به وجود آمده. حتی عده‌ای اعتراض کردند [که] چرا آقا اینها را پذیرفته است.

مهدوی: عقیده‌ام همین است. اگر اطمینان کنیم به آنها مسائل مطرح شده را به‌عنوان آشنایی، جایی نمی‌زنند. باشند، بهتر است.

بهشتی: به مجاهدین علاقه پرشور داشتم [و آنها را] تحقق بخشنده به معیارهای نمونه عینی ذکر می‌کردم و مباهی بودم به آنها. دو مسئله به‌عنوان اصل برای من مطرح است: یکی ایدئولوژیک که در آنها تساهل نباید باشد، ولی عاطفه عملی خوب است؛ باید معیارها با آنها مشخص شود. دوم قابل اعتماد نبودن و دورو بودن. مطلب اخیر که یک شاخه را گفتم، راجع به مجاهدین، دو دختر سوال کردند، کلیاتی گفتم، ضمن سوال گفتم این مطالب را به مسعود [رجوی] گفتم. هفته بعد دو مطلب گفتند. شنیدید جمعیت اینها در بزرگداشت شریف [واقفی] در دانشگاه صنعتی، جمعیت مجاهدین کم و در دانشگاه چقدر زیاد [بود]. مطلب ملاقات مرا با مسعود با واسطه تکذیب کردند که قبلاً مرا قابل ملاقات ندانستند. متأسفانه فرصت نشد مسائل را با آنها حل کنیم. بازتاب اینها در نسل جوان، بیزاری شده. مجاهدین دو سال قبل در دانشگاه نیستند، دائم رو به عقب رفته‌اند. حالا به سوی دانش‌آموزان رفته‌اند؛ در آنها هم رو به عقب می‌روند. این از نظر شورا. از نظر برخورد اجتماعی باید در درجه اول جاذبه ایجاد کند به اسلام.

طالقانی: بعضی‌ها رفتارشان خوب بوده.

موسوی: مقداری مطالب گفته شد. مسئله این است [که] از اینها کسی به شورا بیاید یا نه [؟] یکی دعوت برای کمک به آنهاست، یکی اعتبار به شورا، یکی برای نفع کلی. یکی [این است که] مجاهدین را با همین وضع بپذیریم، یکی [این است که آنها را] تغییر بدهیم. [اگر با همین وضع] بپذیریم [و] با این وضع فعلی دعوت کنیم، نه [به] نفع شورا است، نه [به] نفع مبارزه؛ آنها نفع می‌برند. اگر تغییر بدهیم که قابل هضم باشند، عملی نیست.

مهندس سبحانی: توضیح بدهم، اگر گردن‌کلفتی باشد خود من هم مخالفم. از زندان که خارج شدند، تغییرات محسوس در روش‌های آنها پدید آمد. قبلاً مواضع فدایی‌ها را داشتند، بعد کنار آمدند [و] در خط اصلاح هستند.

خامنه‌ای: زمان کوتاهی است [که] آمده‌اید.

طالقانی: به رأی نگذارید. مطالبی علیه و له آنها هست، مصلحت نیست مطرح شود. شورای اینجا نماینده همه مردم نیست.

بهشتی: این داعیه را نداریم.

طالقانی: اول مسئله پیشرفت جنبش است، جلوگیری از تفرقه و موضع‌گیری‌هاست. شناختن اصلی، تکلیف راجع به گروه‌های دیگر که [در] رهبری مطرح است. اگر آنها بدترند کنار بگذاریم. اگر مساوی هستند بمانند. جنبش انقلابی کی هستند [؟] آنها که به ما فحش می‌دهند، نه، خوبی و بدی آنها محرز شده اینها.

بهشتی: گروهی هستند که جزو ما نیستند.

هاشمی: خامنه‌ای اینها سوابق بد ندارند.

بنی‌صدر: اعظم خانم^۱ معرفی کرده، گفته است گروه مسلمان چریکی، آقا [امام خمینی] پرسید اعظم کیست [؟] گفتم دختر آقای طالقانی. آقا آنها را به من معرفی کردند [تا] رسیدگی کنم [گفتند: 1] مسلمان هستیم، 2) پیرو خمینی، 3) با نیروهای التقاطی مخالفیم. [پرسیده شد] با مجاهدین خلق چطورید [؟] گفتند اصلاً مخالف هستیم. عضوی آمد، گفت حاضرم بحث ایدئولوژیک بکنم، از علاقمندان مجاهدین است. دو نفر از مجاهدین آمد، ولی حاضر نشدند بحث ایدئولوژیک بکنند، آن را خیانت می‌دانستند. در مورد سخنرانی هرکس از ما دعوت کند می‌پذیریم.

طالقانی: برای من چهره آنها ناشناخته است. یقین دارم در آنها عناصر نایاب [ناباب] هست. بعضی از آنها یا مدارک لاقل در آن گروه (مجاهدین) عناصر ساواکی و یا سیا نیست.

مهدوی: جاسوس شوروی دارند.

طالقانی: پیشنهاد مسکوت گذاردن گروه‌ها باشد.

طالقانی، موسوی، مهندس سبحانی، خامنه‌ای باشند برای مذاکره.

طالقانی: خطر، آنهایی هستند که با چهره اسلامی می‌آیند.

1. اعظم طالقانی (98-1322) دختر آیت‌الله طالقانی، از بانوان مبارز و انقلابی، مؤسس جامعه زنان انقلاب اسلامی و نماینده مجلس اول شورای اسلامی.

سحابی: در خود مجاهدین انقلاب اسلامی و در پاسداران بدنام هستم. [حرف‌هایم از سر] دلسوزی برای مجاهدین نیست.

بهشتی: زور از طرف آنهاست.

سحابی: در شهرستان‌ها با آنها چه می‌کنند.

بنی‌صدر: در دانشگاه اول حرف این بود، چرا دو تا کردید.

سحابی: عده‌ای دانشجو هستند، با مجاهدین مخالف هستند. در دانشکده فنی کمونیست‌ها هیچ، ماها هم که مسلمان هستیم، حق حرف نداریم، به زور جمعیت.

بهشتی: بینش خالص اسلامی و بینش اجتماعی و سیاسی که اصالت داشته باشد

طالقانی: این بینش خالص وجود ندارد. هرکدام یک جور است. رهبری آقای خمینی چیز دیگری است. بینش من ممکن است با ایشان متفاوت باشد. مخدوش شدن رهبری ایشان خلاف است.

مهدوی: دوتای ما اصل اسلام را قبول داریم. بعضی‌ها قبول ندارند.

بهشتی: یک سلسله معیارهای اسلامی خالص، یک سلسله معیارهای اجتماعی خالص، نقطه اصلی گفتن و روی آن ایستادن و هرچه کم‌تر از ایده‌آل نفی کردن سبب می‌شود گروهی روی آنها می‌ایستند و قضیه را نفی می‌کنند، سبب می‌شود مانع جافتادن رهبری در جامعه بشود. در مجاهدین و سایر گروه‌ها یک ایده‌آل مطرح است و اگر مناسب نبود قضیه را نفی کردن نقطه آسیب است. ایده‌آل موجود است، ولی نسبی [است]، باید سنجید. خصلت رهبری خمینی همین است، معیارهایی دارد، ولی در برخورد با جامعه خیلی تساهل دارد.

طالقانی: بینش اسلامی شد باشد و غیره را جدی باید گرفت. [از] عناصر رژیم سابق، بخش عظیم رفته‌اند جزو گروه چپ. یک عده‌ای متاسفانه وارد گروه‌های مسلمان شده‌اند. در گروه مجاهدین انقلاب اسلامی با آدم بد برخورد نکرده‌ام؛ چهره شناخته شده‌اند. برخورد ما با آنهاست. مسعود نمی‌شود نوکر روس، آمریکا یا ساواک باشد. مشکل قبول اینها رسیدن به آنها. چهره‌های شناخته شده از آنها معین شود. در مورد گروه‌های مختلف احتیاط شود. ما نسبت به آنها مشکل شدید عاطفی داریم. اگر نبود، خیلی قاطع مقابله می‌شد.

بهشتی: و حق دارند نسبت به نهضت.

طالقانی: در برخورد با افراد و دستجات، اخلاق اسلامی رعایت شود. فعلاً بحث رها شود، ولی طولانی باید بحث شود. [در مورد] مجاهدین، با همه انحراف و چموشی می شود یک عده را گرفت.

مهدوی: بحث‌های ما کلی است. تکیه روی خوبی و بدی سند نمی شود.

مهندس سبحانی: سند ندارم، روی عمل.

بهشتی: نتیجه بگیریم، در این جلسه بحث ادامه پیدا نکند. تصویب شد گروه مطرح نشود. قطب‌زاده برای [صحبت با] جلالی، خامنه‌ای [برای] مهندس موسوی، پیمان [توسط] مهندس سبحانی [به شورا دعوت شوند].

لایحه قانون فسخ اجرای تخلیه.

بهشتی: سه تغییر کرده. اگر حکم دادگاه به اعتبار تاخیر باشد، دوم تا پایان آبان، سوم اقساط را تا پایان آبان پردازد. لایحه با اصلاحات زیر تصویب شد. حکم تخلیه صادره از دادگاه‌ها نیز مشمول مهلت تا پایان آبان [می شود]. اقساط لازم نیست تا پایان آبان پرداخت شود، تکلیف آن روشن شود.

[موضوع: طرح‌های عمرانی در مناطق حساس:]

بهشتی: گفته شد در کردستان و بلوچستان کار انجام می شود. دیشب مراجعه شد که وزارتخانه‌ها که مراجعه می شود، سر می دادند. از بختیاری گروهی آمدند. به آسانی از زمینه انفعالی ضد انقلاب بیرون می آید و یا در مقابل قرارداد به صنعت فرد و به صنعت عضو شورا به صنعت کسانی که گروه‌هایی اعتقاد به آنها دارند. شما و دولت برای حل این مسائل فکری نمی کنید یا اگر فکر کرده‌اید با شما به عنوان کسی که در این مبارزات سهم طولانی داشته، نه به عنوان نخست وزیر. گروهی هم از نقده گروهی روی وظایف شخصی هفته دو هفته سه هفته می گذرد و کاری انجام نشده. یونسی و کلیجی مقدمات را بیش تر در اختیار گروه‌های چپ گذاشته‌اند و به آنها می گویند امام و کمیته امام شما را رانده است. مقدمات ما ته کشیده در این سه ماه به اندازه دو سال اخیر پول گرفته.

طالقانی: گاهی وزرا مقدمات نمی دهند [و] جلو می گیرند. ممکن است امکانات دولت کم باشد.

بهشتی: محدود است امکانات.

قطب‌زاده: در بعضی موارد بیش از این هم شده. عده‌ای می‌رفتند به بلوچستان، پزشکان و مهندسين گفتند می‌رویم؛ امید به سازمان دولتی در محل نداریم. تنها نقطه امید این است. آقای خامنه‌ای گفتند حتماً تامین می‌شود، ولی اگر گفته شود، دولت ناراحت می‌شود.

شیبانی: در مورد خانه‌سازی اقداماتی شده. مراجعه کند، نبودن پول.

مهدوی: عده‌ای اساسنامه عمران بلوچستان تهیه کرده‌اند. شرکت مرکب از عده‌ای مردم ساکن تهران [هستند]. عده‌ای [از] سران بلوچ گفتند رژیم سابق به ما وعده کمک داده، در این رژیم پول نمی‌خواهیم. آن قسمت که به‌عنوان زمین شرکت معین شده ثبت شود.

مهندس بازرگان: چند وجهه دارد. دولت و وزرا آدم‌های خوب [هستند]، ولی به این کارها نمی‌رسند. [در حوزه-های] خانه‌سازی، فرهنگ، بانک و غیره و امنیت مشغولیم. تا به حال در این زمینه‌ها اقداماتی شده. چند فقره پول نقد داده شد [به] بلوچستان، خراسان، آذربایجان، کردستان. در این زمینه خیلی اقدامات شده. امشب پیام تلویزیونی مرا گوش بدهند، خیلی در این زمینه گفته‌ام. مخالفت اصولی ندارم. دستگاه دولت که مرتب به آن بد می‌گویند، این دستگاه بیخ ریش ما یعنی مملکت بسته است. اگر می‌شد کنار بگذاریم و جایش افراد خوب [بیایند] درست بود. این دستگاه تاسیساتی دارد که باید استفاده کرد. چه کنیم که معایب آن از بین برود و از افراد اهل ایثار استفاده شود. پول ما محدود است. فروردین درآمد 3/800 میلیون تومان، سال بعد شد 12/000. کمبود درآمد 67٪ و خرج ما خیلی کم شده، 38٪ کم شده و پول نداریم. تحقیق افراد صددرصد درست نیست. به دولت اجازه می‌دهد هر مبلغ که شورا تصویب کرد به افراد بدهد. طرح دارید بدهید به ما. مگر ما از شما جدا هستیم [؟] چرا طرح‌ها را به ما نمی‌دهند [؟]

بهشتی: دو نکته را توجه کنید. اینها وقتی طرح‌ها را می‌برند ارجاع می‌کنند؛ ولی مسئول‌ها برخوردارشان اداری است. اگر ما کسی را معرفی می‌کنیم، تا شناخته شده نباشد وارد کار نمی‌شویم. مسئولیت شرعی و غیره [را] ما هم احساس می‌کنیم.

مهندس بازرگان: صلاحیت قابلیت اعتماد کافی نیست. صلاحیت فنی باید روشن شود.

خامنه‌ای: نقطه قوی در بیان ایشان است. استاندار طرف را نمی‌شناسد. وقتی وزیر نوشت معرفی کافی است چیز دیگری هست. دستگاه اداری درست، اشکالی در تشکیلات پایین [است]. افراد مومن کم است.

مهندس بازرگان: استاندار و روسای مربوطه هفته‌ای یک بار جلسه کنند و نهایت هماهنگی را با آنها بکنند.

قطب‌زاده: نمایندگانی که می‌روند در این کمیسیون‌ها شرکت کنند.

بهشتی: ما می‌خواهیم جایی باشد که محل مراجعه آن باشد. در ارومیه آمده‌اند عده‌ای روستایی را بیرون کرده‌اند [که] هیچ ندارند. عده‌ای که پول از اردشیر می‌گیرند برای این افراد پول و مواد می‌برند. آیا فکری برای جلوگیری از این کار کرده‌اید [؟]

بنی‌صدر: بنی‌اسدی، این گروه‌ها را او انجام دهد و از طریق دولت انجام دهد.

بهشتی: برای انجام دادن این کار است.

مهندس بازرگان: این افراد، پالیزبان در نقده و غیره ناشناس نیستند. حرف این است اگر کسی گفت می‌خواهم به مردم کمک کنم.

بهشتی: این افراد را از سه کانال یا دو کانال شناسایی می‌کنیم، در حد کارهای ضربتی، 20 هزار تومان، ماشین، مواد اولیه می‌دهیم. از این تجربه اگر نقص نداشت.

مهندس بازرگان: شما از جیب خودتان بدهید، من بعد می‌دهم.

طالقانی: در این موارد ...

مهندس بازرگان: آنها باید با این گروه‌ها همراهی بکنند. توقع غیرمنطقی هم نداشته باشید.

بهشتی: بررسی را این گروه‌ها تحمل می‌کنند، ولی معطل کردن وجود دارد.

هاشمی: بعضی شد برای رسیدگی.

جلسه یکشنبه 1358/2/30

[حاضران: موسوی [اردبیلی]، هاشمی [رفسنجانی]، مسعودی، بنی صدر، جلالی، بهشتی، مهندس بازرگان، خامنه-ای، باهنر، سبحانی، شبیانی، قطب زاده.

[موضوع: آینده سیاست خارجی ایران:]

مهندس بازرگان: ... با سنت¹ قطع رابطه [کنیم]. [با] کشورهای اسلامی، رابطه دوستانه [و] صمیمانه [برقرار باشد]. به جای سیاست بی طرفی مثبت، سیاست موازنه منفی [در پیش گرفته شود]. اتخاذ رویه قاطعانه قهرآمیز نسبت به امپریالیسم امریکا [صورت گیرد]. لغو قراردادهای دوران گذشته، قرارداد 1921 با شوروی و دو جانبه ایران و امریکا [انجام شود]. وفاداری ایران به سیاست تاریخی طبیعی ایران، استفاده از تضاد و رعایت شمال و جنوب [که] قبل از رضاشاه [بود] و یا شرق و غرب (مهدوی آمد).

هاشمی: مشروب فروشی، اهل کتاب بین خودشان.

مسعودی: اغلب خانه‌ها خودشان وسایل مشروب‌سازی درست کرده‌اند.

شبیانی: ممنوع باشد.

مهندس بازرگان: قرارداد خرید اسلحه لغو [شود]. وسایلی داریم که لوازم یدکی مورد لزوم اگر نرسد از بین می‌رود. ناچاریم از آنها بگیریم و متخصص از آنها بگیریم. یا ارتش بدون اسلحه [می‌شود] و یا [باید] استفاده از اینها [صورت گیرد].

بهشتی: عدم تعهد، با مفهوم سابق اشتباه نشود. ما با کشورهای اسلامی و مبارزات استقلال طلبانه بستگی داریم و تعهد. (3) یک سلسله مسائل خاص فرمول درستی ندارد. فلسطین، لبنان، اریتره، عراق، پاکستان و افغانستان با وضع فعلی‌اش، ترکیه. در افغانستان جنبش اسلامی، ضد رژیم هست.

خامنه‌ای: در برابر جنبش‌های آزادی‌بخش وظیفه ما چیست [؟] [در مورد] رژیم‌های مسلمان حکم دیگری می‌شود کرد. بعضی وابسته به امریکا [هستند و] بعضی [وابسته به] ابرقدرت دیگر. روابط ما با عربستان سعودی مثل

1. سنتو: سازمان پیمان مرکزی وابسته به ایالات متحده در دوران جنگ سرد برای مقابله با نفوذ اتحاد شوروی؛ مرکب از ایران، عراق، پاکستان، ترکیه و انگلستان.

الجزایر است. در مورد سلاح امریکایی بن بست است. بعضی سلاح‌های فوق مدرن را پس بدهیم، [چون] نگه داشتن اینها مستلزم هزینه زیاد است.

باهنز: خطوط کلی در بعضی سیاست‌ها کافی نیست. ایران می‌خواهد از انزوا بیرون بیاید و نقش فعال داشته باشد. بنی صدر: در طرح موازنه منفی گفته شد، ولی عدول شد که درست هم هست. نه به آمریکا باج بدهیم نه به روس. لازمه آن وحدت داخل است. مصدق نتوانست، به علت عدم وحدت [در داخل]. نقش روحانیت، ایجاد وحدت است. سیاست خارجی مشخص کند در قبال شش هدف خارجی‌ها چه کند، (1) بر ارتش مسلط باشد، (2) بر منابع ثروت کشور مسلط باشد، (3) بر اقتصاد سیستم بانکی، بر پول مسلط باشد، (4) بر شیوه قانون‌گذاری تسلط داشته باشد برای تامین هدف‌های بالا، (5) در بلوک‌های بین‌المللی وجود داشته باشد یا اینکه علیه آنها نباشد، (6) مانع شوند این کشورها از سیستم جهانی آنها بیرون بودند.

مهندس سبحانی: رابطه با جنبش‌های آزادی‌بخش، سیاست موازنه منفی (طالقانی آمد). جنبش انقلابی اخیر ما یک وجه فرهنگی داشته. عدم تعهد از بین نرود. بُعد تازه دارد: مقابله با غرب، تلاش بیش‌تر و صریح‌تر برای جدایی از غرب و سیاست اقتصادی هم مطرح است. در آینده با غرب درگیری داریم. یکی از آنها استعمارزدایی در اقتصاد، بقای آن نسبت به طرف شوروی [است]، دوم خود شوروی مظهري از غرب است. تعرض به ما می‌شود، ما قصد تعرض نداریم. سوم، باید فعال باشیم، در صحنه سیاست دنیا در این مورد از تجربه دیگران استفاده شود. مثل لیبی بودن فریبنده است. قبل از تثبیت انقلاب در داخل، این اقدامات ضعف ایجاد می‌کند و نیروهای ما را هدر می‌دهد. از شوروی و چین پند بگیریم [که] اول خود را ساختند.

قطب‌زاده: تمام نکات اساسی ذکر شد. مشکل استعمار فرهنگی خصوصاً از طرف غرب [است]. کاملاً معتقدم شوروی و بلوک شرق هم زایده‌ای است از غرب. یک سری از سیاست‌های کلی [را] بر اساس استقلال اقتصادی دنبال کنیم. کشورهای غیرمتعهد، وابستگی به شرق یا غرب دارند. ما باید غیرمتعهد باشیم. سیاست نفی ما مهم است. روسیه و آمریکا با هم هماهنگی خواهند کرد. [نکته دیگر] رابطه با غرب است با توجه به همراهی [با] سیاست امریکا. یک مسئله رابطه با آن از جهت کشورهای خلیج [فارس] و سیاست نفی یک مسئله مهم‌تر است، کشورهای خلیج [فارس] در چهارچوب روابط اسلامی که تنها راه حفظ استقلال اقتصادی ما است.

شیبانی: حمایت از فلسطین لازم است، حداقل [حمایت] معنوی. دادن فیلم جنایت رژیم [شاه] برای سناتورهای امریکایی.

مهندس بازرگان: زبان وزارت خارجه نمی تواند روشن و تفصیلی باشد. سیاست خارجی در دنیا طبیعتش ابهام است، بیش تر کلاه گذاری است. در گذشته، سیاست خارجی ایران متکی به شخص شاه بود. عاملی که فعلاً جلو آمده، ملت است. بر حسب وحدت کلمه، وضع فرق می کند. شوروی هم در ذوب آهن اصفهان بزرگترین کلاه را سر ما گذاشته. مس سرچشمه، پتروشیمی شاهپور، ذوب آهن و... همه پدر در آورده است. سیستم اداری و کارمندی، مجتمع کشورهای غیرمتعهد است. ایران نمی تواند سیاست حمله داشته باشد. بزرگترین عامل شکست، هرج و مرج در داخل است. صادر کردن ایدئولوژی اسلامی، بزرگترین حربه ما خواهد بود (دکتر یزدی آمد).

بهشتی: درهای بسته برای شوروی و چین در آن زمان درست بود و قابل بحث است. [برای] ایران در وضع فعلی که غول هایی وجود دارند، مقدور نیست. روابط در این روزها سه قرن نزدیک شده. فعلاً قابل استفاده نیست. گفتند مسائل سیاسی روز است، نمی شود گفت در مقابل دیگران درست، در بین خودمان نه. مسائل موضعی که تکیه شد، فلسطین، لیبی، اریتره [و] کشورهای همجوار.

قطب زاده: منظور به خود پرداختن [است]. وحدت داخلی حفظ شود. برای محدود شدن به خود باید حکومت دیکتاتوری باشد. سیاست ایران با سوریه بخواند، عراق از بین می رود. باید حضور سیاسی داشته باشیم تا بشود عمل کرد. به فلسطینی ها نه سال قبل گفتم. برای ترساندن امریکا در خلیج [فارس] و چاه های نفت اقدام شود. روابط با مردم و کشورهای خلیج [فارس] دوستانه باشد تا امریکا مواجه با خطر جدی شود.

جلالی: بعد از مشخص شدن، صریح موقعی مقدور است که ناشی از قدرت باشد. اگر قدرت تمرکز داخلی نداشته باشیم نباید سر سفره را باز کنیم. صدور فکر اسلامی از طرف ما به کشورهای جهان سوم مقدور است، چون قدرت داخلی درست شود.

دکتر یزدی: مبنای کلی را مهندس [بازرگان] گفتند. نکته دیگر موضوعاتی است که درگیر هستیم [و] انطباق سیاست کلی با این موضوعات. خلیج فارس یک موضوع است [که] در آن چندین مطلب است. سه جزیره¹ است که گرفته اند؛ ساکنین آن اغلب عرب هستند، از نظر سوق الجیشی مهم است، ابوظبی عده ای را کوچ می دهد [تا] بروند آنجا. بین ابوظبی و عمان مخالفت است. همه اینها با واسطه گفته اند می خواهند بیابند ایران. سازمان عمران منطقه، اصل آن از سنتو است، ولی گروهی هماهنگی است بین ایران، ترکیه و پاکستان و این کشورها مایل هستند این روابط با ما باشد. هند هم نظر دارد، ما هم حاضریم شرکت کنیم. رابطه اش با پاکستان و بنگلادش مطرح

1. منظور، ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک است که امارات متحده عربی مدعی حاکمیت بر آنهاست.

است. سازمان آزادی‌بخش اریتره که سه دسته هستند. حالا که سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به رسمیت شناختیم. دو گروه دیگر جرج حبش^۱ و نایف حواتمه^۲ را رد کرده‌ایم. [در خصوص] شرکت در کنفرانس رباط، در جلسه اول تاخیر کردیم که ملک [حسن در جلسه] نباشد؛ در نماز جمعه با امامت شاه شرکت نکردیم؛ سخن نماینده ما با مخالفت با شاه شروع شد که پادشاه مراکش را ناراحت کرد. تبلیغات شدید علیه ما در دنیا، حتی در کشورهای اسلامی، اثر منفی گذاشته [که] باید جواب داد. در دنیای اسلام، بصورت شیعه و سنی در آورده‌اند. مصاحبه خلخالی اثر بد داشته. از نظر تبلیغات جهان مبارزه با این سم‌پاشی‌ها نشده. در سوریه فعالیت به نفع ایران شده. دو هزار نفر را گرفته‌اند. نزدیک شدن سوریه و عراق شاید مربوط به آن باشد. در ترکیه ما آن را داشته‌ایم. عده‌ای ساواکی به مصر رفته‌اند. [اینکه] امریکا یک نیروی یکپارچه است یا نه، من معتقدم اینطور نیست. فیلمی است در امریکا دادند، ABC فیلمی راجع به شکنجه در ایران داده. برای صهیونیست‌ها اثر ایران در مسلمانان شوروی مهم نیست، ولی برای جناح دیگر مهم است.

بهشتی: تذکر، این بیانات نشان دهنده ضرورت مطلب است که امکانات ارتباط خارجی [و] داخلی تنظیم‌تر شود. جمع‌بندی را کتباً برای اعضای شورا بفرستند.

دکتر یزدی: [در مورد] وضع وزارتخانه [امور خارجه]، پایگاه رژیم بوده، 110 عضو فراماسون دارد از 600 کادر سیاسی‌اش. 43 نفر هستند [که] فساد آنها ظاهر است که خارج، 100 نفر سن بازنشستگی دارند. 125 نفر ساواکی، کارمند نخست‌وزیری، مامور وزارت خارجه. امیر مگری را گفتند بسیار خوب است، حسین داوودی و.... تمام وزارتخانه، چرخ‌های زنگ زده. از آفریقای جنوبی گزارش کاملی است، در اورانیوم سرمایه دارید، تصفیه خانه دارید.

مهندس بازرگان: سرمایه‌گذاری در اسرائیل و مصر.

دکتر یزدی: 40 میلیارد دلار سپرده در امریکا داریم که اگر لغو کنیم، ما از دست داده‌ایم.

قرار شد 15 نسخه از گزارش‌ها [را] دکتر یزدی بدهد.

1. جورج حبش (1926-2008) از رهبران سیاسی ملی‌گرای فلسطینی و از بنیانگذاران جبهه مردمی برای آزادی فلسطین.

2. نایف حواتمه (متولد 1935) دبیرکل جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و از مؤسسان سازمان آزادی‌بخش فلسطین.

مهندس بازرگان: مسئله اتکاء و صدور بزرگ‌ترین سرمایه، یعنی اسلام، که لطمه دادگاه‌های انقلاب درست در جهت خلاف آن است. تمام این هیاهوها را صهیونیست‌ها بزرگ می‌کنند. اگر آقا متقاعد شوند، مهم است.

بنی صدر: خلاصه بحث ما صدور فکر اسلامی است که کدام اسلام. در مورد سیاست داخلی، اقتصادی، سیاست نسبت به جنبش‌ها، وجه فرهنگ وجه بیان است. صدور اسلام یعنی سیاست کاملاً مستقل در مقابل سیاست جهانی، سیاست فعال در داخل. برای اسلامی کردن ایران ضابطه چه باشد [؟] هر جا اقتضا دارد، سیاست را اعمال کنیم. کسی خطاب به مردم عراق حرف بزند. در اندونزی مغازه‌ها عکس خمینی را دارند. در تونس، [عکس امام در] مساجد پر است. حسن قصاب (البکر)^۱ در داخل ما اسلحه پخش می‌کند. در داخل کاری که قابل دفاع نباشد، نکنیم. پیام ما با زبانی باشد قابل فهم [برای] دنیا. خلخالی [در این زمینه] اثر عکس دارد.

هاشمی: [در مورد] تبلیغ، پیشنهاد مشخص من [این است که] گروه قوی در وزارتخانه باشد. جبهه سیاست خارجی ما حرفهای خوب را بگوید و تفکیک کند. ما هم مواد تبلیغ بدهیم، هم دینی و هم اجتماعی، سیاسی است.

بهشتی: بیش از اینکه خلخالی رئیس نیست. آقای خمینی به آذری گفته‌اند چرا خلخالی را راه داده‌اید [؟]^۲ گزارش تبلیغات تکیه شده در خارج را به ما بدهند. در سیاست خارجی دچار تضاد هستیم. در عمل سازندگی، کشور ما گرفتار غرب است. از نظر تبلیغی شعار ما اکثراً ضد غربی بوده و هنوز هم هست و آسیب‌پذیری ما کوچکترین اقدام است که وصله امپریالیسم می‌زند و عملاً معلوم شده. چپی‌ها قراردادها را متوجه می‌شوند. در جلسه خودمان شعارگونه عمل نشود. غرب‌زدایی واقعیت است، ولی سازندگی کشور را چه کنیم [؟] در کنار سیاستها، نیروی انسانی، زمینه اقتصادی رویش تکیه شود. نکات کوچک: در رابطه با فلسطین طوری رفتار شود [که] متهم نشویم. دکتر یزدی با عرفات به اهواز رفتند، دفتر آنجا باز شد، خودش مسئله است. سفارت فلسطین [را] روز اول افتتاح کردید، چند ماه گذشته، [هنوز] شیشه‌های شکسته را درست نکردید. منتظری دویست هزار تومان قرض کرده،

1. احمد حسن البکر (82-1914) رئیس جمهور عراق در فاصله سال‌های 79-1968.

2. اول خرداد 58، صادق خلخالی، رئیس دادگاه‌های انقلاب اعلام کرد از سمت خود کناره‌گیری می‌کند. وی البته تأکید کرد هیچ‌کس مرا عزل نکرده است. خلخالی همچنین در دفاع از عملکرد چند ماهه خود گفت: همه احکام دادگاه طبق موازین شرعی صادر گردیده است (کیهان، 1358/3/2، ص 2). با این وجود همسر خلخالی در مصاحبه با رویترز گفته بود استعفای خلخالی به دنبال جنجالی است که بر سر صدور حکم اعدام شاه برپا شده است (کیهان، 1358/3/3، ص 1). اما بلافاصله اعلام شد که استعفای خلخالی مورد قبول واقع نگردیده و حاکم شرع مجدداً کار خود را در دادگاه‌های انقلاب از سر گرفته است (اطلاعات، 1358/3/3، ص 11).

داده. توضیح درباره آقای خمینی، که بگذارید بگویند. شما غربزده نباشید. ایشان نمی‌گویند تبلیغات اثر ندارد، [بلکه] می‌گویند به خاطر آن از اصول اسلامی و منافع مردمی عدول نشود. همه ما یک موضع داریم.

دکتر یزدی: در مورد محل، فلسطینی‌ها آمدند.

مهندس بازرگان: سیاست خارجی در رابطه با دولت‌های اسلامی، مثل خود ما ایرانی‌ها، با ما قاطی شوند یا اینکه حدود حس شود، دولت و احزاب احتراز بکنند، در جامعه دخالت نداشته باشند. در دوره جنگ یک نماینده سفارت که در لندن بود، بمبی در کلیسا افتاده بود، او هم رفت تماشا. فردا به سفارت یادداشت دادند که کارمند شما رفته است آنجا. نمایندگان خارجی محدود باشند، وگرنه فساد دارد. شدیداً منع شود، خطرناک است. بخش اسلحه است و دریافت تعلیمات. اگر هم کاری می‌کنند، از طریق دولت باشد.

یزدی: عده‌ای را از بحرین بدون ویزا رد کردند (محمد منتظری رفته).

مهندس بازرگان: سیاست خارجی و روابط با دولت‌های مختلف به ایشان [امام] اطلاع داده شود. زمانی رهبر سیاسی و مذهبی جدا بود. ایشان از رئیس جمهور هم بالاتر هستند. در این مسائل پیش‌دستی نکنند. با توجه به نظر ما باشد. در سیاست خارجی، موضع‌گیری شدید و خصمانه در بعضی شرایط صحیح نیست.

موسوی: ایشان در جریان امور باشند. این خیلی لازم است. در روز یک بار [یا] حداقل هفته‌ای یک بار. بهشتی: رئیس ستاد، مشغول جا دادن افراد ضد انقلاب است.

یزدی: چهارشنبه کاردار سفارت آمریکا آمد [و] یادداشت داد از طرف وزیر خارجه، معرفی سفیر آمریکا کاتلر را کرد و تقاضای همکاری نزدیک در همه روابط، حقوق بشر و عدم قصد دخالت در ایران. شفاهی گفته است یهودیان در ایران تحت فشارند، من هم شفاهی اعتراض کردم.

طالقانی: یهودی‌ها وقت گرفتند [تا] بگویند القانیان صهیونیست است و از ما نیست.

یزدی: کل صحبت نمایندگان یهود و آقا [را] برای سفارتخانه‌ها مخابره کردیم.

طالقانی: خبرهایی داریم [در خصوص] ملاقات و پشتیبانی از انقلاب.

یزدی: لازم است بدهید. قطعنامه روابط قدیمی ایران و امریکا، گزارش راجع به دادگاه‌ها. شخص رئیس دادگاه‌های انقلاب دعوت کرده [که] شاه و خانواده و وفاداران او را ترور کنند^۱ و قوانین بین‌المللی فعلی، ترورهای فردی را ممنوع کرده و ادامه روابط نزدیک دوستانه؛ این قطعنامه را سنای امریکا تصویب کرده.

طالقانی: جواب می‌دهید یا نه [؟] شورا جواب بدهد.

یزدی: در دولت دارم. پذیرش کامل تر داده شد، مقداری روشن نیست. در 22 فروردین پذیرش خواسته شده، در 28 [فروردین] جواب موافقت داده شده. روی پاکت نوشته شده مهندس بازرگان و وزیر خارجه موافقت کرده‌اند، دو سال در تبریز بوده، 1961 تا 63.

شیبانی: دعوت کنید سناتورها را برای دیدن فیلم‌های کشتار شاه، راهپیمایی و تظاهرات یهودیان به نفع ایران. خامنه‌ای: سیاست خارجه تحلیلی گرفته شود. سیاست اقتصادی همراه نوشته‌هاست. ربط با ارتش، مربوط به کارمندان، از نظر بودجه در این مملکت هیچ کار بدون توجه به افکار عمومی میسر نیست. دولت محور است، [باید] سیاست ضد غربی داشته باشد [و] در همه زمینه‌ها انقلابی عمل شود. سلطان قابوس^۲ در زمینه بلوچستان مشغول کار است. میرعبدی عنصر خطرناکی است [که] با او در تماس است. مردم را به یک روزه سیاسی دعوت کنیم.

طالقانی: مهندس این کاره نیست.

شیبانی: من مخالفم قطع رابطه با سیاست اقتصادی غرب بشود.

بنی صدر: امکانات ما کم است. آنها وابستگی شان به نفت کم نیست. اگر درآمد نفت در اختیار امریکا نباشد، در عرض یک سال از قدرت جهانی می‌افتد. ولی این دولت چنین دولتی نیست. استقلال را

طالقانی: مستسبح هستند.

1. اواخر اردیبهشت 58، خلخالی رئیس دادگاه‌های انقلاب اعلام کرد ترور شاه مخلوع، فرح و اشرف آزاد است. وی همچنین گفت ترور بختیار، شریف‌امامی، اردشیر زاهدی، فریده دیبا، اویسی، ازهاری، شعبان جعفری و ... حکم دادگاه انقلاب است. خلخالی افزود: هر ایرانی که یکی از این افراد را در کشورهای خارجی اعدام کند، عامل اجرای حکم دادگاه محسوب می‌شود (کیهان، 1358/2/23، ص 1).

2. سلطان قابوس بن سعید (1940-2020) پادشاه عمان در فاصله سال‌های 1970-2020.

بنی صدر: یک دفعه نمی شود کرد، ولی راه بیرون رفتن هست.

طالقانی: با مسامحه نمی شود.

سحابی: چهره عینی اول مصدق است.

بنی صدر: مشغول توطئه است و می داند روس ها نمی توانند بخورند اینجا را. سیاست تهاجمی باشد، [با] تکیه روی افکار عمومی و از این سیاست تهاجمی استفاده شود. غرب یکپارچه نیست. دولت وارد این مسائل نیست. از نظر اقتصادی، قدرت جلو انداختن اروپا و ژاپن را داریم.

جلالی: فرمایش آقای خامنه ای و بنی صدر بر مبنای تهاجم سیاست خارجی با جلب افکار عمومی درست [است]، ولی باید حفظ و بسیج مردم از راه کارهای داخل باشد. سه اکیپ [به] روستاهای شمال رفته، 600 دقیقه نوار آورده اند؛ حالت انفجار در مردم از لحاظ کشاورزی است. وقتی [برای] برنج کارگر ندارند، سم با قیمت ارزان می دادند، [اما] الان گیر نمی آید. کود شیمیایی یک تومان است، 25 ریال در بازار می دهند [در] فارس. قاچاق در غرب، گرانی، اینها که [این مسائل را] ایجاد کرده اند، نه کمونیست هستند، نه عامل سیا. دولت سیاست اجرایی در داخل بسیج کند، با تهاجم به خارج پرستیژ ایجاد کند. [ظرفیت این کار] در توده هست، در قشر روشنفکر هست. فکری برای سیاست داخلی بشود. تصمیم بزرگ گرفته شد در اثر سربازی. کشاورزی حادثترین مسئله است. [در این زمینه] کاری نشده. 1800 دقیقه نوار کشاورزها داریم. حرف بابک زهرایی¹ در آنها اثر کرده. اگر بسیج داخلی باشد می شود کاری کرد. توپ توخالی نباشد. فشار به دولت، تهاجم به خارج با توجه به سیاست داخلی.

هاشمی: حرف شما که گفتید سیاست امریکایی سبب در رفتن طرف می شود، بررسی شود کجا می شود حمله کرد.

سحابی: غرب حمله می کند، ما نکنیم [؟]

هاشمی: تسلیم شدن درست نیست. طرح باید ریخت. بپذیریم دولت انقلابی نیست. 180 نفر پاسدار با هواپیما دوساعته رفته مسجد سلیمان. هلی کوپترهای ما ممکن است بخوابد. باید از اسارت غرب خارج شویم.

1. وی از مؤسسان حزب کارگران سوسیالیست بوده و عمده شهرتش به واسطه مناظره اقتصادی با ابوالحسن بنی صدر می باشد.

بهشتی: بحث این است، نیامدن قطعات یدکی کار را لنگ می‌کند. فرد کشیدن روح حماسی و رفتن نسل جوان به بیغوله‌های گذشته که انقلاب، انقلاب نشد. غرب که با ریش گرد کشیدن شما را می‌ترساند، فردا صد پله جلوتر می‌آید. دولت باید به شکل خط امریکایی معرفی نشود. مطالعات دولت از کانال قبل است که اشکال ندارد به‌عنوان شعار مطرح شود در برابر غرب. اقتصاد بدون نفت که مصدق دیر مطرح کرد، گاهی گفته شود و رد سیاسی و اقتصادی.

طالقانی: با این توضیح که آقایان به غرب تکیه بکنند یا نه، به امریکا حمله کنیم.

بهشتی: در سیاست خارجی دلار طلایی را تبدیل به دلار نفتی کردند.

هاشمی: گفتن که مسئله‌ای نیست.

بهشتی: بزرگترین نیرو، نیروی ملت را که حماسه باشد، از بین نبریم.

خامنه‌ای: جنون نیست، عاقلانه است. برگ برنده زیاد است، تسلیم دلهره‌ها نشویم.

بهشتی: چند مسئله فوریت دارد.

مهدوی: در مقام تبلیغ فحش بدهیم، [اما] در عمل روابط برقرار باشد.

طالقانی: خلاصه مطالب گفته شده با آقا مطرح شود.

بهشتی: یکی از دوستان جمع‌بندی کند، بنویسد در جلسه فاصله مطرح کنیم، در دیدار بعدی به اطلاع ایشان برسد.

دو نامه است، آقای خواجه شمس‌الله مطهری نوشته است تکیه روی شیعه سبب می‌شود اسلام عالم گیر نباشد.

آقای افشار نوشته برای انتخابات مؤسسان به فرستادگان احزاب کارت بدهید.

بهشتی: گزارش زندان. با مبشری، هادوی، مهدوی، بنی‌صدر رفتیم. (1) هادوی دادستان کل باشد، امیرحسینی و

کریمی پور معاون ایشان.

طالقانی: امیرحسینی دادستان تهران.

بهشتی: 2) آذری دادستان تهران با دو معاون [:] مهرعلی و بیژنی. 3) دادستان انقلاب در تهران دخالت نکند و نظارت داشته باشد. 4) شورایی معین شود، مطالبی است [که] دادستان انقلاب دارد. نماینده دادستانی کل، دولت و شورا باشد و رسیدگی کند. 5) [در] برخی مسائل داسراها کار کنند، قلمرو کشور است، نه شهر. دادستان کل رأساً دنبال کند، تعیین حدود برای آن بشود. 6) آذری کلیه عناصر فرقه‌گرا را در بازرسی و بازجویی حداقل کار کند و نیروهای جدید بیاید به تدریج. 7) پاسداران آنجا یکسره عوض شود. یکسره جای آنها گذاشته شود. عراقی مسئولیت انجام این کار [را بر عهده داشته باشد].

طالقانی: خود او موضع‌گیر است.

بهشتی: مهندس فضل‌نژاد از قم بیاید جای او. 8) با آقایان صحبت شد، واکنش آقایان تسلیم در برابر رهبری باشد. [به آنها گفته شد] شما انقلابی خلاف رهبر هستید، آقای علی کریمی نپذیرفت. 9) بازداشت‌هایی که حساسیت سیاسی دارد، در آئین‌نامه گنجانده شود و چیزهای دیگر.

[موضوع: ماجرای جاسوسی سعادتی:]

موسوی: گزارش کار مجاهدین. راجع به شکنجه، مسعود [رجوی] را خواستم. تنها آمد، مفصل صحبت شد. اصل مسئله رابطه سعادتی با روس‌ها درست است. گفته‌های سعادتی در پرونده، اکثرش دروغ است. در دفتر ملاقات داشته‌اند، نه در دانشگاه. رابطه با روس‌ها بوده، از 72 شروع شده، [رابطه] فردی نیست، ارگانیک است، خود سازمان تماس دارد. این جاسوسی نبوده، رابطه‌ایست برای [اخذ] اطلاعات از آنها به نفع کشور، ولی خبر به آنها ندهیم. می‌خواستیم اطلاعات را در اختیار آقا و دولت بگذاریم، [در] گرفتن اشیاء از آنها احتیاج داشتیم. قبول دارند این کار اشتباه بوده. راجع به پرونده مقربی می‌گویند اطلاعات راجع به آن نداریم و به روسیه داده نشده. اکبر طریقی را اول گفت نمی‌شناسم، بعد گفت جزو سازمان جنبش است. نظامی را گفت نمی‌شناسم. پرونده مقربی را سعادتی رفته از نادری که آنجاست و طریقی، پرونده را گرفته، دو بار گرفته و همانجا خوانده. گلایه‌های او [این است که:] 1) سعادتی را شکنجه داده‌اند، 2) اجازه ملاقات نداده‌اند مگر بدان صورت، 3) اصلاً در تمام اینها مورد هجوم هستند، در کجا زدند، کجا شکنجه دادند، یک فرد را آورده بودند، به ظاهر شکنجه دیده. مجموعه‌ای اعلامیه از طرفداران خودشان دادند که علیه آنها اعتراض شده که چرا اقدام نمی‌کنند. توقع [آنها این است که:] 1) این شخص آزاد شود، 2) از آنها حمایت شود. خواستم [:] 1) از زندان گروه شما برداشته شود، او

گفت بیرون کنید. گاهی می‌گفت چگونه بیرون بیاورم، ما نفرستادیم. (2) پرونده مقربی بالاخره معلوم شود چه رابطی با سعادت‌تی داشته، جوابی نداشت. (3) [گفتم] از کارهایتان دست بردارید، کارهای نظامی‌گری را رها کنید، نه اینکه اسلحه را بدهید. قبول کرد [و] اعلام آن را پذیرفت. ولی یک شرط کرد، راجع به ارتش اطمینان دارید. (1) پاسداران انقلاب، شرط پذیرش دشمنی و مخالفت با ما است. اگر مثل مردم شدیم، ما را هم قبول می‌کنند یا نه [؟] [گفتم] قول نمی‌دهم از طرف آنها، ولی به‌عنوان گروه حتماً قبول نمی‌کنند. راجع به خودشان بیایید شرکت کنید در تصمیم‌گیری سهم داشته باشیم. فرق شما با دیگران چی است [؟] اگر وزیر یا چیزی می‌خواهید بگویید. اگر اطمینان حاصل شد، می‌آیند از شما خواهش می‌کنند [که] بیایید کمک کنید. برخورد خود من، این عمل جاسوسی بوده، برای جای حساس جوابی نداشت.

